An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

چشم انداز®

CHASHM ANDAAZ

No. 73 April/May 2000

شماره ۷۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸

שְׁלֹשָׁה עָשָׂר מִי יוֹדֵעַ.





13



שְׁלֹשָׁה עָשָׂר אֲנִי יוֹדֵעַ.

بهاء ۳ دلار

مبارک باد
MAZAL TOV
SIMCHA (CELEBRATION) DIRECTORY

Engagement . Wedding . Bar/Bat Mitzva . Showers . Brit . Birthday . Anniversaries



چشم انداز

Published by:
International Judea Foundation
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

سردبیر: داریوش فاخری
دبیران تهیه مقالات: دکتر ربرت صالح ربیع و مینو مقیمی
مدیر داخلی: شهرام سیمان
سردبیر بخش پزشکی: دکتر نیسان بامداد
مدیر اجرایی: لیلی کاهن
مدیر اداری سازمان سیامک: دکتر لاوی
روابط عمومی: عاشر آرام نیا
مترجمان: دکتر بدیع بدیع‌الزمانی، ژوزف مبسری، پیمان اخلاقی، منیژه شایسته (یوم طوبیان)، مینو ذهابیان (کوتال)، فریده شبانفر، شهره نوفر، رزا کیائی
نویسندگان همراه: پرفسور امنون نتصر (اورشلیم)، دکتر ژاله پیرنظر (برکلی - کالیفرنیا)، مینو شبانفر (حکیمیان)، فریار نیکبخت (لوس‌آنجلس)، مینو مقیمی

با همیاری دیگر افراد هیئت اجرائی سازمان سیامک، اختر برلوا، رویا برلوا، سعید بنایان و فریدون فولادی

تایپست: مینو حمودوت

چشم‌انداز نشریه‌ایست برای بازتاب افکار و دست‌آوردهای یهودیان دنیا، هدف ما روشنگری واقعیت‌های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان، مبارزه با نژاد پرستی و همراهی با هدف‌های بشر دوستانه انسان‌های جهان می‌باشد.
نظرهای نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست. چشم‌انداز، در انتخاب مقاله‌های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی‌ها، به عهده‌ی صاحبانشان است. نوشته‌های رسیده، بازپس فرستاده نمی‌شوند. نامه‌های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود. در صورت تمایل، از مقالات شما، با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا استفاده می‌شود.

شماره تلفن سازمان سیامک:
(۳۱۰) ۸۴۳-۹۸۴۶
آدرس سازمان:
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

در این شماره میخوانید

No. 73 April/May 2000

ניסן תש״ס   אייר תש״ס

شماره ۷۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸



آلبوم خانوادگی ما

عزیزم:

یادت میاد مادر بزرگت و عمه بزرگهٔ من وقتی سارا داشت در فراق اسحق‌اش ضجه می‌زد همباش اشک میریختن و بهش دلداری میدادن؟

یا وقتی خونواده تو هم مثل خونواده ما و مُشه و همسایه‌های دیگرمون تو مصر چند تا پسرشون سر به نیست شدن، چشای هممون از شادی پر اشک شد وقتی فهمیدیم «مشه» رو از آب کشیدن بیرون و داره تو قصر فرعون بزرگ میشه؟

اونوقتها که من و تو بچه بودیم و مست دنیای بی دغدغه و خیال کودکیمون بازی می‌کردیم، دنبال مادر و پدر و بزرگترهامون از مصر بیرون اومدیم. پای کوه سینا با اونا دور تورا دست زدیم و رقصیدیم و همونجا بود که ما هم با اونا و خدا عهد کردیم که تا دنیا دنیاست یهودی و انسان و خداپرست می‌مونیم. تا حالا هم پای حرفمون وایسادیم. مگه نه؟

از اونوقت تا حالا ما هم با بابای پدر مادرها و پدر بزرگها و مادر بزرگامون هر جا خندیدم - با هم خندیدیم هر جا هم هر کدوممون زخمی شد با هم خون ریختیم. مگه نه؟

فرقی نمیکرد تو ماسادا بود، رومیها بودن - اسپانیائیها - آلمانها - سوریها و یا بابلیها یا عربی خدای دیگه‌ای.

حالا که این نامه رو برات می‌نویسم دیگه سن مون رفته بالاتر و به اصطلاح آدمهای بزرگی شده‌ایم، بچه‌هامون به ما همونطوری نگاه میکنن که ما اونوقتها به بزرگترامون نگاه میکردیم.

این نامه رو دارم برات می‌نویسم که بگم دارم خودمو آماده می‌کنم برای خونه تکونی و تمیز کاری موعد پسح. بین کارام مثل هر سال رفتم آلبوم خانوادگی‌مون رو بیرون آوردم که بهش نگاه کنم.

آلبوم پر بود از عکسهای من و تو و همه فامیل. از بیرون اومدن از مصر - شبهای پر ستاره سینا، خنده‌ها - شادیها - دلواپسیها.

بیش از همه دنبال عکسهای خودم و خودت بودم. از دوران بچگی تا حالا، که دیگه برای خودمون آدمی شده‌ایم. نمیدونم تو هم این کار رو هر سال می‌کنی یا نه؟

آیا امسال سر آلبوم خانوادگیمون رفتی؟

نمیدونم میدونی یا نه که این روزها تو سازمان سیامک با رفقامون با چه دلواپسی‌ای عکسهای خودمون رو تو این آلبومها جا میدم.

آخه میدونی میخوام وقتی بچه‌هامون که الان دارن تو دنیای کودکانه خودشون بی خیال و دغدغه بزرگ میشن وقتی بزرگ شدن، نه مثل حالا که ما آلبوم رو نشونشون میدیم، بلکه وقتی خودشون آلبومو رو بیرون میارن و ما هم نیستیم و نگاش میکنن.

یادشون نره از کجا اومدن - **کجا هستن و به کجا دارن میرن.**

امسال عکسهای قشنگتری از تو و بقیه فامیل دارم. اما عکس بعضی‌ها خیلی قشنگ نیستن و بد جوری دل آدمو خراش میدن.

شاید باور کردنش برات سخت باشه که تو فامیلمون، خونواده‌های گرسنه داریم - تین‌ایجرهای معتاد داریم - پدر بوالهوسی داریم که بچه‌هاش رو با مادرشون تنها گذشته و رفته دنبال یه دختر جوونتر - مادری داریم با بچه دوساله‌ای که پول نداره براش شیر بخره.

همسرهایی که تن‌شان از کتک کبود و سیاه‌س.

خونواده‌هایی که اگر در همین یکی دو تا موعد پسح و روش هشانا، از کسانی مثل تو و من مرغ و گوشت بهشون نرسه، تو همین کشور فراوونی باید با همون برنج و حبوباتی که ما در عرض سال براشون فراهم می‌کنیم سر کنن.

شوهرهایی رو داریم که از پس اجاره خونه ۲ اطاق خوابه با داشتن ۵ سر عائله بر نمیان و از ما کمک می‌خوان تا از روی زن و بچه‌هاشون خجالت نکشن.

جوونای مجرد داریم - جوونای تو زندون داریم و ...

میدونی؟ ما تو سازمان سیامک فقط عکسها رو تو آلبوم نمی‌گذاریم. سعی میکنیم قبل از اینکه این عکسها رو بگیرن تن اونا لباس خوب کنیم. غذای مناسب بهشون برسونیم و سعی میکنیم تا اونجایی که میسره یک عکس شاد با لبخند بگیرن.

هر چی باشه، داریم عکس خونوادگی میگیریم. فردا وقتی با بچه‌هامون به این عکسها نگاه میکنیم و داریم افراد خانوادشونو بهشون نشون میدیم، خوب نیست اونارو اینجوری ببینن و من و تو و خودشونو یه جور دیگه.

هر چی باشه از یه فامیلیم.

امسال بیا وقتی بعضی از این افراد فامیل بهمون میگن: غریبگی نکن با هق‌هق من

با هم بهشون بگیم: تن شکستتو بسپار به دست نوازشهای دست عاشق من

بی خبرم نگذار

از طرف همه تو سازمان سیامک میبوسمت

داریوش

مبلغ اهدایی: .... برای ....

Name: .... نام:

Address: .... آدرس:

Home Phone #: .... Business Phone #: .... تلفن:

Visa: .... Expe. date: ....

Master Card: .... Expe. date: ....

International Judea Foundation • P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212
Tel: (310) 843-9846
Federal tax ID. #: 95-4306-429 • State tax ID.#: 1492690

از شما متشکریم
بدون شما کارهای خیریه ما انجام نمی‌شد

All Jews Are Responsible for One Another

כל ישראל ערבים זה בזה

هم قبیله‌های عزیز:

نصرت شاهری - جاک فراست - سیاوش اخگرنیا - آلبرت طلاسازان - منوچهر نطنزی - آلبرت گنجیان - توران کهن - بقراط سعدیان - یوسف سنبلیان - سعیدی ساسونی - کلاسیکو - ایتال فشن - خانم حاسید - دکتر ابنر لوی - حبیب پورنظریان - نعمت پوررحیمیان - فرناز ابریشمی - فریدون فرهامی - شوشن لاوی - برال عزیزآقا - رونیت یروشالمی - مهرناز مبصری - فلورا مطلوب - رضا پزشکی - ناصر تفیلین - بهرام یوم‌طوب - بنیامین مهدی‌زاده - جمشید ابراهیمی - ناصر دادبین - ایرج سیانی - جمشید سیمان - منوچهر دانیال - پولین شوشنی - بیژن دماوندی - ف روشن - بیژن نعمان - حمید یاشار - فریبرز متیان - یونیورسیتی گرافیک - سلی یمینی - شرکت پوشاک - موسی بصیرت - رفائل پزشک - یورام ساقیان - ایزک اسحاق پور - ب.م.بن صدیق - یاشا فابریک - جکوب مبتاحی - سام مقیمی - عزیزالله میشکانیان - هوشنگ کهن - نجات‌الله شموئیل - امیر نعیم - یحیی صدیق - دیوید مهرپور - موریس موسویه - منصور موسویه - مورل نعیم - رویا و بهروز دردشتی - بن نعمان - شان نوریان - شهره سرودی - فریبا نوریان - دورا آبائی - کمپانی Silkbead - گیتی حلیم - بن طبیبیان - روح‌الله زاغی - روبن دخانیان - منوچهر و یوسف هندی زاده - ترانه نوروش - گوهر فیروزبخش - دیوید فاخری - هاله مثبت - سرور خدادادی - شهرزاد شری کهن طب - سلیمان افراهیم - دکتر جیمز الیست - بنیامین گلشن - صیون خدوی - فیروز یاشارال - خلیل هرسل - الهه یارکدخدا - کامران حکیمیان - میرزا ایمانوئل - زنیت دلشاد - دلکش جواهریان - منصور شائولیان - صیون یاشارپور - گیتی اخوان - لیندا سمیخائی - دکتر عطاءالله روحام - یوسف یونسی - جوزف هنوکائی - خلیل حکیمیان - نغمه تربتی - میخائل نعمان - ویکتوریا نادری - ادوین شائولیان - فرش گیتی - امیر نعیم - مهدی موسی زاده - 78 LA Contractors - مسعود و پروین رفیعی - منتیا ملمد - ناصر و پروین نظریان - مینو دانشراد - استر یوسیان - دان گبای آرشتیکت - دوریس کهن طب - کامران نامی - بهروز فرح دل - نسرین وحدت جواهریان - پرویز طاهری - یونس بوستانی - اُودیا نوح وندی - مهرخ مقیمی - هاشم امیریان - ابراهیم شرفی - بیژن فریدونی - ابراهیم پزشکی - بهزاد طوبیان - رابی کهن - یافا اشتیاق پور - ه. طبیب دلخواه - کامران زرگری - میرزا آقا پورات - اسحاق عافاری - رودی کدیشا - ایرج نظریان - شمس و شهناز صابران - طاوس دقیقیان - فرد ربیع‌زاده - داود کامران - نادر و راشل کاشفیان - مرتضی همایون جم - ژانت و بهرام اخوان - نجات شایع‌فر - پری یعقوبی - محترم دردشتی - گیتی ساویس عطارزاده - بهروز کیانمهد - جاکوب عطارزاده - اشرف نظریان - طاهور کاشانی - مجید آبائی - ایران جواهریان - دکتر ژاله پیرنظر - پرویز رخسار - از تمام عزیزان دیگری که بدون نام و نشان همراه ما بوده‌اند نیز تشکر می‌کنیم.



در جستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده‌ایم

داریوش فاخری

به دعوت سازمانهای یهودی آمریکایی - شورای سازمانهای یهودیان ایرانی و فدراسیون یهودیان ایرانی برنامه همبستگی با **«۱۳ یهودی اسیر در شیراز، روز یکشنبه ۱۶ آپریل ۲۰۰۰ در محل موزه سیمون وایزنتال «موزه تحمل»** برگزار گردید.

متن سخنرانی **ربای ماروین هایر** سرپرست و بنیانگزار این موزه چنان تکان دهنده بود که آن را برای این شماره مجله و مقاله برگزیدم. در پایان زمینه و آخرین تحولات در مورد این ۱۳ زندانی بیگناه را که توسط کمیته حقوق اقلیتهای مذهبی در ایران تهیه شده را میهمان چشمانتان میکنم.

با امید آزادی هر چه زودتر این بیگناهان و تمامی زندانیان بیگناه دیگر در سراسر جهان.

متن سخنرانی ربای ماروین هایر

زمانیکه به پایان مراسم عید پسح نزدیک می‌شویم، شعری را می‌خوانیم که پایه‌های مرکزی یهودیت در طی قرون را به خاطرمان می‌آورد. آخرین تکه این شعر چنین است، **«چه کسی ۱۳ را می‌داند؟»** که جواب میدهیم، **«من ۱۳ را میدانم»**. دوستان، برای همین ما امروز اینجا جمع شده‌ایم - که مطمئن شویم تمامی دنیا درباره ۱۳ یهودی شیراز میدانند.

ما امروز اینجا برای یک هدف سیاسی جمع نشده‌ایم. هدف ما این نیست که به ملت ایران بگوئیم چگونه رأی بدهند یا چه کسی را انتخاب کنند. گردهمائی ما درباره رئیس جمهور ایران یا مقام رهبری آنجا نیست. درباره عدالت است، درباره شخصیت انسانی و درباره مجازات انسانهای بیگناهی است که نمی‌توانند از خود دفاع کنند. ما امروز به مقامات قضائی ایران میگوئیم: **اگر مدرکی دارید بگذارید دنیا آن را در یک دادگاه علنی ببیند و بگذارید کسانی که متهم‌اند بتوانند کاملاً از خود دفاع کنند همانطوری که حق مسلم آنان است. اما اگر مدرکی ندارید همانگونه که ما فکر میکنیم، بگذارید به خانه‌هایشان و به آغوش خانواده‌هایشان باز گردند و به رنج و درد آنان خاتمه بدهید.**

چه قانون اخلاقی‌ای اجازه می‌دهد که ۱۳ انسان متهم به جاسوسی برای ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برای بیش از یکسال تحت شکنجه احساسی و بدون دیدن مدرکی و اقامه دعوائی بر علیه خودشان باشند؟ چگونه می‌توانیم این رفتار را با قوانین الهی تطبیق دهیم؟ مسلماً این کار با مرام ادیان بزرگ جهانی که اسلام نیز یکی از آنان است تضاد دارد.

بدبختانه، اکنون که ما در آستانه حلول عید پسح دور هم جمع شده‌ایم، بایستی اذعان کنیم که این واقعه، واقعه‌ای غریب و ناآشنا برای ما نیست. این مورد تراژدیک بارها و بارها در طول تاریخ یهودیت اتفاق افتاده. در طی سالهای هالاکاست، ما شاهد گردآوری هر روزه یهودیان، جدا سازی کسانی که همدیگر را دوست داشته‌اند، ترک کردن کسانی که نمی‌دانستیم به کجا خواهند بردشان و چه بر سرشان خواهد آمد، بوده‌ایم.

پس از هالاکاست، دشواریهای بحبوحه جنگ سرد را به یاد می‌آوریم، وقتی که **KGB** (پلیس مخفی روسیه) دنبال یهودیان می‌آمد، آنها را جمع می‌کرد و روانه زندان **Lubyanka** می‌نمود. آنجا پشت درهای بسته و مخفیانه و بدون داشتن هیچ فرصتی برای دفاع از خود و اغلب بر اساس اتهامات واهی محاکمه و محکوم می‌شدند.

این واقعه بار دیگر، پنجشنبه گذشته در

شیراز تکرار شد، وقتی یک اتوبوس حامل یهودیان ایرانی دستگیر شده آنها را با خود آورد. خانواده‌های آنان که برای بیش از یکسال از دیدن آنان محروم بوده‌اند. مادران و پدران و زنان آنان مذبوحانه خود را به جلو انداخته و تلاش می‌کردند که نگاهی بر آنان بیاندازند و با التماس از افراد محافظ درخواست می‌کردند که جگر گوشگان و عزیزان خود را ببینند.

بله، دوستان من (Baal Haggada) درست گفته بود وقتی به ما اعلام خطر می‌کرد که:

שלא אחד בלבד
עומדים עלינו לכלותנו
אלא שבכל דור ודור
עמד עלינו לכלותנו

«فقط یک نفر بر نخواهد خاست و سعی نخواهد نمود که ما را نابود کند، بلکه در هر نسلی کسانی خواهند بود که می‌خواهند این عمل را بر علیه ما انجام دهند».

چهارشنبه شب وقتی که دور میز مراسم عید پسح می‌نشینیم و چهار سئوال را مطرح می‌کنیم:

מה נשתנה
הלילה הזה מכל הלילות

چه فرقی دارد امشب با شبهای دیگر؟

تمام شبهای دیگر، نان یا متصا، اما در این شب پسح فقط متصا می‌خوریم. اما برای ۱۳ یهودی شیراز سئوال این است - آیا عید پسح امسال نیز دوباره و مثل سال گذشته دور از فامیل و بدون متصا سر خواهیم کرد؟

برای ما، ما سبزی تلخ می‌خوریم که به یاد اسارت مصر باشیم. اما برای ۱۳ یهودی شیراز و خانواده‌هایشان، آنها سبزی تلخ را برای مدت یکسال با انتظار کشیدن برای محاکمه‌ای عادلانه و حق غصب شدهٔ داشتن وکیل چشیده‌اند.

در مراسم عید پسح ما آزادی خودمان را با داشتن حق انتخاب تکیه زدن و کرفس را در آب نمک زدن و سبزی تلخ را در حلق جشن می‌گیریم. اما برای ۱۳ یهودی شیراز، انتخابی وجود ندارد، فقط فشار فکری و ناامیدی است. پنجشنبه گذشته، قاضی آنان با تبریک عید پسح و هدایا، در زندان به دیدارشان رفت. و بعد به ۸ نفر از زندانیان که درخواست وکیل خودشان را کرده بودند گفت که نمی‌توانند. در همان زمان وکیل انتصابی دادگاه برای دو زندانی دیگر برخاست که به قاضی بگوید که نمی‌خواهد وکالت یک «جهود» را بعهده بگیرد.

אלא שבכל דור ודור
עומדים עלינו לכלותנו



اما این را بدانید - شما اولین نیستید. بسیاری بیش از شما خواستند که آزادی را به زنجیر بکشند. فرعون قدرتمند، شکست خورد. هیتلر و استالین دیکتاتور، آنها هم شکست خوردند. شما هم شکست خواهید خورد. چراکه ۳۵۰۰ سال تاریخ به ما یاد داده است که شما می‌توانید انسانها را در بند بکشید، اما هرگز نخواهید توانست شأن انسانی را زندانی کنید. شما می‌توانید مراحل را کنترل کنید، ولی هرگز نخواهید توانست شعله امیدی که در روح انسان می‌سوزد را خاموش کنید. و

این امید، علیرغم محاکمات سری آواز رعد آسایی خواهد شد که به این منوال که «چه کسی ۱۳ را می‌شناسد» جواب خواهد داد «ما ۱۳ را می‌شناسیم».

عاشرزاد مهر	**۴۸ ساله**
ناصر «یعقوب»لوی‌حیئم	**۴۵ ساله**
جاوید بت یعقوب	**۴۰ ساله**
رامین فرزام	**۳۴ ساله**
فرامرز کاشی	**۳۴ ساله**
(برادرش) **فرزاد کاشی**	**۳۰ ساله**
نجات بروخیم	**۳۵ ساله**
فرهاد صلّه	**۳۰ ساله**
دانی تفیلین	**۲۸ ساله**
(برادرش) **امید تفیلین**	**۲۵ ساله**
شاهرخ پاک نهاد	**۲۹ ساله**
رامین نعمتی	**۲۲ ساله**
نوید بالازاده	**۱۶ ساله**

گزارش کمیته دفاع از اقلیتهای مذهبی در ایران

تلاشهای بین‌المللی در دفاع از ۱۳ یهودی و جامعه یهودی باقیمانده در ایران، فعلاً از اعدام سریع و مخفیانه این گروگانهای بیدفاع جلوگیری کرده است، درست بر خلاف آنچه رژیم بنیادگرای ایران در گذشته انجام داده است.

۱ - زمینه

قبل از بازداشت ۱۳ یهودی، جامعه قدیمی یهودی ایران که باقیمانده جمعیت آن به ۳۰۰۰۰ نفر می‌رسد با صدائی خاموش دل نگران بیش از یک دوجین جوانان و تجارگم شده خود بود که باور همگی بر آن بود که در برخی از زندانهای ایران بسر می‌برند. همچنین وحشت آنکه هر سال یک مرد یهودی دزدیده و بعد بدون محاکمه اعدام (بجز یک مورد) می‌شده نیز آنان را در بر گرفته بود. **موج خشونت بار مجازات‌هایی که شامل دزدیده شدن‌ها، دستگیری‌ها و سوء قصد بر علیه مسیحیان، مسلمانان سنّی، بهائی و دیگران که از سال ۱۹۹۸ شروع شده بود، بطور مسلم در آینده نزدیکی دامنگیر یهودیان ایران نیز می‌گردید.**

تبلیغات گسترده ضد یهودی بی سابقه‌ای که از سال ۱۹۹۸ در نشریات بنیادگرایان شروع

گردید بی شباهت به فعالیتهای نازیها بر علیه یهودیان در دهه ۱۹۳۰ نبود. بنیادگرایان از مقامات دولتی میخواستند که فعالیتهای یهودیان ایران را از نزدیک مطالعه نموده و یهودیان را مسئول جنبش‌های دموکراتیک و رفورمیست در ایران و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی کشور بحساب می آوردند (اسناد و مدارک در آرشیو این مؤسسه موجود است) در شهر شیراز، جامعه مذهبی ۸۰۰۰ نفره از اواخر ۱۹۹۸ تحت فشار مقامات آن شهر قرار گرفتند. مقامات شهر از یهودیان می‌خواستند که تعلیمات مذهبی را محدود نموده - روز شبات کار کرده و کلاسهای مختلط پسرانه و دخترانه را تعطیل نمایند. دستگیر شدگان متعاقب این محدودیت پس از اخطار گردیدند. به یهودیان همچنین گفته شد که نمی‌توانند هیچ گونه کتابی مذهبی را از هیچ مؤسسهٔ یهودی خارج از کشور مگر آنکه به تصویب مقامات اطلاعاتی رسیده باشد، دریافت کنند. یهودیان مذهبی شیراز، از فرامین منع تدریس تورات و نقض قدوسیت شبات سر باز زده و سریعاً بازداشت شدند.

۲ - در هم شکنی

۱۳ یهودی در شیراز و اصفهان دستگیر شدند که در میان آنان نوجوانی ۱۶ ساله، چند معلم عبری و تورات یک مقام رهبری مذهبی و چند خادم اجتماعی مثل یک قصاب مذهبی به چشم می‌خورد. پیش از اعتراضات بین‌المللی بر علیه این دستگیری‌های ضد یهودی هیچ گونه صحبتی از هیچ مسلمانی که در این توطئه همراه این یهودیان بوده‌اند نبود. پس از این دستگیری‌ها، وزارت اطلاعات ایران، به مقامات یهودی ایرانی در داخل و خارج از کشور اطلاع داد که اتهامات بر علیه آنان بسیار جدی و جاسوسی نیز جز و این اتهامات می‌باشد.

۱۳ یهودی به مدت بیش از یکسال بدون اقامه دعوائی بر علیه‌شان، بر خلاف قوانین ایران و بدون اجازه مشورت با وکیل (تا هفته پیش) در زندان بسر برده‌اند. در حین ماههای اول بازداشتشان، گزارشهایی مبنی بر اقرار چند زندانی که پس از شکنجه و کتک خوردن افراد فامیل که تقاضای دیدن عزیزانشان را کرده بودند بدست رسید. تنها در عرض دو ماه گذشته، تحت فشار بین‌المللی، مقامات دولتی ۳ نفر از زندانیان را با قرار آزاد کرده‌اند.

در طی یکسال گذشته و حتی تا اواخر مارچ ۲۰۰۰، مقامات ایرانی بارها مقامات یهودی ایرانی را در مورد سرنوشت کل جامعه یهودی تهدید کردند. بنیادگرایان ایران با ۱۳ یهودی ایرانی به مثابه گروگانهای خارجی رفتار می‌کنند، و از آنان بعنوان وسیله‌ای برای بده و بستانهای سیاسی خاورمیانه و مسائل بین‌الملل که با این قضیه نامربوط است استفاده می‌نمایند.

۳ - محاکمه

در حال حاضر، مقامات قضایی ایران، که مسائل امنیتی را همیشه بر مبنای خواستهای سیاسی تعیین میکنند اعلام کرد که ۱۳ یهودی «عادلانه» و روز اول ماه محاکمه خواهند شد و سه نفری که با «قرار» آزاد بودند روز ۱۶ آپریل قرار بود محاکمه گردند. آنها اشاره می‌کردند که محاکمه این ۱۳ نفر **احتمالاً در عرض یک روز خاتمه پیدا خواهد نمود.** آنها وکلائی را برای برخی از این ۱۳ نفر انتصاب نمودند و اکثریت وکلای ایرانی، منجمله یکی از همین وکلای انتصابی از دفاع کردن یهودیان بشدت ترسانند. هرگز در تاریخ جمهوری اسلامی سابقه نداشته است که وکلا حق دیدن پرونده کسانی که متهم به نقض امور مربوط به امنیت می‌باشد را داشته باشند. مقامات ایرانی از دادن اجازه به گزارشگران و نمایندگان بین المللی برای حضور در جلسات بازجوئی ۱۳ آپریل سر باز زدند. سخنگوی دادگاه اعلام نمود که اعترافات بدست آمده از چهار نفر از متهمین بعنوان مدرک بر علیه آنان استفاده خواهد شد. یک محاکمه نمایشی با اعترافات بسیار در حال وقوع است: مجازاتهای سنگین و اعدام ناممکن بنظر نمیرسد. آینده کل جامعه یهودیان مرتبط با تمام اقلیتهای مذهبی در ایران نگران کننده است.

«شالم»

برگزیده‌ای از روزنامه کیهان چاپ لندن

چاپ لندن

کیهان

(۳۲ صفحه)

بنیانگذار و مدیر مسؤول: دکتر مصطفی مصباح زاده

(سال شانزدهم) شماره ۷۹۹ «ویژه نوروز» پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۷۸ خورشیدی ـ ۹ ذیحجه ۱۴۲۰ قمری

KAYHAN NEWSPAPER, No.799 THURSDAY 16th Mars 2000

Penthouse, 275-281 King Street, London W6 9LZ, U.K. Tel: 0208-748 5300 Fax: 0208-748 4289

نماینده کلیمیان در مجلس:

جوانان کلیمی را هیچ‌جا استخدام نمی‌کنند

در ایران پیش از انقلاب هزاران تن از پیروان ادیان گوناگون به خوبی و خوشی زندگی می‌کردند اما با وقوع انقلاب شیرازه زندگی روزمره اقلیت‌های مذهبی از هم گسست و به علت آزاری که بر آنها می‌رود حداقل نیمی آنان به کشورهای دیگر کوچ کرده‌اند. دکتر منوچهر الیاسی نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی می‌گوید یهودیان ایران که شمار آنها به سی‌هزار می‌رسد برای انجام مراسم مذهبی به کنیسه می‌روند.

ولی هنوز دشواریهای زیادی داریم که البته بخشی از این مسائل مبتلا به همه مردم ایران است و هر وقت وضع بقیه مردم خوب شد وضع ما هم بهتر می‌شود. یعنی موقعی که حقوق ملت ایران تامین شد ما نیز به خواستهایمان خواهیم رسید.

نماینده کلیمیان در مجلس از اینکه جوانان کلیمی را با سخت گیریهای متعصبانه استخدام نمی‌کنند بسیار متأسف است ومی‌گوید امیدوارم این وضع تغییرکند تا ایران تنها کشور خاورمیا نه باشد که کلیمیان در آن آسوده زندگی کنند.

به نوشته روزنامه ایران، محدودیت و مشکلات استخدامی مسئله تمام اقلیت‌هاست تا جائی که در یک مورد رئیس جمهوری شخصاً مجبور شد دخالت کند. و موانع برسر راه استخدام یک جوان آسوری را از سر راه بردارد. شمشود مقصودپور، نماینده آسوریها در مجلس دیدگاههای موجود را در مورد استخدام اقلیت‌های مذهبی غیرمنطقی می‌دا ند و گله‌مند است که تا چندی پیش در آگهی‌های استخدام در روزنامه‌ها شرط اول برای گرفتن کار تدین به دین اسلام بود او می گوید اما اکنون با پیگیری‌های ما و وزارت اطلاعات در آگهی‌ها تدین به اسلام و سایر ادیان رسمی قید می‌شود.

البته استخدام اقلیت‌ها و ترفیع آنان بالاتر از سطح مدیر کل بعید است. اقلیت‌ها با کشف توانائی‌های نهفته به رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، وکالت، تدریس، مهندسی و هنر رو آورده‌اند. مقصود پور می گوید: «از تنش‌های اوایل انقلاب خوشبختانه خبری نیست و این روزها احتیاجی نیست برای جمع شدن در کلیسا یا سالنی از جائی اجازه بگیریم». اما این نماینده که عضو کمیسیون کشاورزی مجلس است، موضوع پرداخت دیه برای اقلیت‌های مذهبی را نگران کننده و بسیار غیرمنصفانه می‌داند زیرا که میزان دیه مسلمان با غیر مسلمان تفاوت دارد.

مقصود پور می گوید رئیس پیشین قوه قضائیه دردیدارهائی که با او داشتم به من گفت: به موکلان خود بگویم به جای دیه تقاضای ضرر و زیان کنند تا حق آنها ضایع نشود. دکتر الیاسی نماینده کلیمی‌ها می‌گوید در لایحه مجازات اسلامی که برای ۵ سال به صورت آزمایشی اجرا شد و الان برای تصویب نهائی به کمیسیون‌ها رفته ما پیشنهاد داده‌ایم که از این پس دیه اقلیت‌ها یک هشتم دیه مسلمان نباشد و منصفانه شود که امیدواریم مجلس به این نکته مهم توجه کند. به گفته حقوقدانان بنابر اصل ۱۳ قانون اساسی حقوق اتباع زرتشتی، کلیمی و مسیحی به رسمیت شناخته شده است. اصل چهار هم برای تاکید بیشتر،دولت و ملت را به رعایت حقوق اقلیت‌ها توجه داده است. او می گوید آنچه می‌تواند روند مهاجرت اقلیت‌ها را از ایران کم کند پایبندی دولت و مردم به اصل ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی است.

دکتر الیاسی در مورد ۱۳ یهودی که مدتی است به اتهام جاسوسی در زندان ایران بسر می برند می گوید این‌ها افرادی دانشمند و متدین هستند که کارشان تدریس علوم مذهبی و زبان عبری است. در جمهوری اسلامی در آغاز انقلاب بها ئیان به بدترین شکل تحت آزار و اذیت بودند چند کشیش ایرانی که دین مسیح را انتخاب کرده بودند و چند کشیش ارمنی مامورخدمت در کلیساهای ایران در سالهای اخیر به دست عوامل وزارت اطلاعات کشته شدند.

برای سالها، تدریس تعلیمات دینی اقلیتها در مدارس خودشان ممنوع بود. ودر اوایل انقلاب زرتشتی‌ها در رعب و وحشت بسر می‌بردند. هم اکنون نیز روزنامه‌های تندرو به اقلیتهای مذهبی بی احترامی می‌کنند و غالباً به عنوان جاسوس از آنها نام می‌برند.

نامه وارده بحثی پیرامون منشور هیئت ربانوت ایرانی و سرمقاله من و گنجشکهای خونه

در شمارهٔ ۷۲ مجلهٔ چشم‌انداز

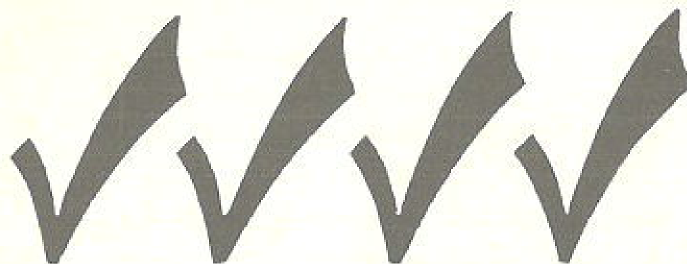
سعید بنایان

سـرمقاله مـجله چشم انداز شمارهٔ ۷۲ پیرامون مروری بر منشور هیئت ربانوت ایرانی بحث و گفتگوی زیادی را در مجالس و محافل و بطور کلی در سطح جامعه یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا برانگیخت و بحث و تبادل نظر در مورد مشکلات جامعه و بخصوص نسل جوان را در دستور روز قرار داد. بهتر این بود که مقاله فقط در چهارچوب منشور هیئت ربانوت ایرانی اختصاص می‌یافت و از هرگونه بحث و گفتگو پیرامون افراد و شخصیت‌های بخصوصی پرهیز می‌کرد. من اعتقاد دارم که منظور نویسنده مقاله به هیچ وجه توهین به افراد و یا شخصیت خاصی نبوده و صرفاً این هدف را دنبال می‌کرده که حل مشکلات و معضلات جامعه جز باکمک و همیاری کلیه افـراد جـامعه امکـان پـذیر نـخواهـد بـود. و بخصوص نقش هیئت ربانوت ایرانی در این زمینه می‌تواند نقشی سازنده و کارساز باشد.

خوشبختانه ما امروز در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که آزادی اندیشه و گفتار و نوشتار یکی از ارکان اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و باید از این آزادی‌ها در راه بهزیستی و ایجاد حسن تفاهم و همبستگی در جامعه استفاده کرد.

جامعه ما امروز بیش از هر زمان دیگری به این همبستگی و همیاری و تشریک مساعی نیاز دارد. مسائل و مشکلات عدیده‌ای جامعه ما و بخصوص نسل جوان ما را تهدید می‌کند ازدواجهای مختلط - طلاق و جدائی - و از همه مهمتر تحلیل قومی - قراردادهای مالی پیش از ازدواج و دهها مسئله حاد دیگر در دستور روز ربانوت ایرانی و سازمانهای اجتماعی و مسئول قرار گرفته است.

برای حل مسائل اجتماعی باید از شهامت لازم برخوردار بود ملاحظات را باید کنار گذاشت و به واقعیت دردهای اجتماعی واقف بود. سالیان درازی است که مشکلات نسل جوان ما بخاطر ملاحظه‌کاری از طرفی و تملق و چاپلوسی پاره‌ای از دست اندر کاران مسائل اجتماعی مسکوت گذاشته شد. جامعه ما امروز به یک رفورم و تحول اجتماعی نیاز مبرم و اساسی دارد. هیئت ربانوت ایرانی بجای انتشار منشور و یا غیره و صرف انرژی در این زمینه بجاست که برای حل مسائل و مشکلات نسل جوان یک برنامه جامع و اساسی و راه‌گشای مشکلات داشته باشند و این برنامه‌ها را به نظر افراد جامعه و سازمانهای اجتماعی و مسئول برسانند من اطمینان راسخ دارم که در این زمینه



از پشتیبانی کلیه افراد جامعه و سازمانهای اجتماعی برخوردار خواهند بود. اعمال و رفتار ما و ایثار و گذشت بیدریغ ما می‌تواند الگوی نسل جوان ما قرار گیرد.

ما در **سازمان سیامک** برای نسل جوان برنامه اساسی داریم، ما برای جوانانی که بهر دلیل در ازدواج اول خود موفق نبودند برنامه داریم و نسبت به آنان احساس مسئولیت می‌نماییم.

ما در **سازمان سیامک** به بانوان جوانی که با داشتن بچه از شوهر خود جدا شده‌اند و بار سنگین نگهداری از کودکان خود را بر دوش می‌کشند کمک و یاری می‌کنیم و دستهای آنها را می‌فشاریم و بطور کلی ما بیاری همه آنهائی می‌رویم که دست نیاز بسوی ما دراز می‌کنند و بیدلیل نیست که از پشتیبانی بیدریغ افراد جامعه و سازمانهای اجتماعی برخوردار هستیم.

سوآل اینست که آیا این کافی است؟

مسلماً خیر. خوشبختانه در جامعه ما دهها سازمان اجتماعی وجود دارد که هر یک بنحوی در مسائل اجتماعی فعال هستند. این سازمانها بایستی متحد و یکپارچه باشند و شورای سازمانها را تقویت نمایند. این شورا می‌تواند در آینده نقش بسیار ارزنده‌ای در حل مسائل اجتماعی داشته باشد. □

شماره تلفن سازمان سیامک:

۹۸۴۶ - ۸۴۳ (۳۱۰)

آدرس سازمان:

P.O. Box 3074, Beverly Hills,
CA 90212



در سازمان سیامک

سه گروه متفاوت

دایماً گردهم آئی داشته و

جلسات هفتگی و ماهانه

خود را بطور مرتب ادامه می‌دهند.







۱ - گروه تین ایجرها - بین سنین ۱۵ تا ۱۸ ساله

جلسات هفتگی این گروه در روزهای یک شنبه هر هفته در ساعت ۷ بعدازظهر در دفتر سازمان تشکیل می‌شود اعضاء این گروه دائماً در تماس بوده و برای خود برنامه‌های مختلف و سازنده اجرا می‌کنند هدف از این گردهم آئی با توجه به مرام نامه سازمان سیامک، گسترش و دوستی بین جوانان یهودی و همکاری در امور فرهنگی و اجتماعی است این گروه دارای اعضایی پر انرژی و فعال و صمیمی و در عین حال جدی میباشد.

۲ - گروه جوانان - بین سنین ۲۰ تا ۲۹ ساله

هدف گردهم آئی این گروه آشنائی جوانان یهودی و تبادل نظر در مورد کار و فعالیت‌های حرفه‌ای است. امکاناتی که نسل جدید در آینده با آن زندگی خواهد کرد یکی از مواردی است که مورد بحث و تبادل نظر دایمی قرار میگیرد.

۳ - گروه یاران - بین سنین ۳۰ تا ۴۵ ساله

این گروه شامل افراد مجردی است که برای آشنایی با یکدیگر جلسات و آمد و رفت‌های ماهانه و هر چندگاه یک بار انجام میدهند که شامل پیک نیک - شب نشینی - مسافرتهای یک روزه - غروب‌های شو و طنز - گردهم آئی‌های دوستانه است.

چنانچه مایل به شرکت در هر کدام از این گروه‌ها هستید با دفتر سازمان تلفن ۹۸۴۶-۸۴۳ (۳۱۰) تماس بگیرید.

اخبار دنیای یهود

برگردان ژوزف مبسری

فروش رفته است. این قیمت دو برابر قیمت ذکر شده در کاتولوگ فروش بوده است.

فعالیتهای فاشیستی در اسپانیا

مثل اینکه کشور اسپانیا فعالیتهای فاشیستی را در آن کشور دست کم گرفته است. اخیراً طرفداران نازی مقیم انگلستان ویلایی را در شهر **Valencia** خریداری کرده‌اند. در اسپانیا تا به حال ۵۰ حزب نازی شناسایی شده که شامل ۷ حزب در مادرید و ۱۰ حزب دیگر در شهر بارسلونا می‌شود.

این احزاب برای تقویت فعالیتهای خود از یک شبکه **Internet** بسیار قوی استفاده میکنند.

رفع اتهام

گروهی از مورخان و فلاسفه چکوسلواکی تقاضای رفع اتهام و درخواست پوزش رسمی جامعه از آقای **Leopold Hilsner** (یک یهودی اهل آن کشور کرده‌اند. او در ۱۰۰ سال پیش متهم به کشتار سنتی شده بود. گر چه او در سال ۱۹۱۸ آزاد گردید ولی تا به حال رفع اتهام نادرست از او به صورت رسمی مطرح نشده بود.



کم لطفی به تمام معنا

در کشور برزیل دیکسیونری تجدید چاپ شده که هنوز هم علیرغم اعتراض یهودیان جامعه برزیل لغت یهودی را بصورتی منفی تعریف میکند. این دیکسیونر "Jew" را این طور معنی کرده است: رباخوار، شیطان، طماع.

حراج

اخیراً در ایالت نیویورک تعدادی از کتب مقدسه یهودی متعلق به کتابخانه یهودیان در انگلستان به حراج گذاشته شده است. از جمله این کتب قسمتی از توراه است که متعلق به ۱۰۰۰ سال پیش بوده و به مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ دلار

پلاک افتخار

آقای **Judan** شاعر و فیلسوف قرن دوازدهم در نوشته‌های خود از زبان عبری سفارادیک استفاده کرده است.

اخیراً در میدان **Maimonides** واقع در شهر بوئنس آیرس، آرژانتین پلاکی برای تجلیل از او نصب شده است که دولت محلی و فدراسیون سفارادیک‌ها در تهیه آن رل اصلی را داشته‌اند.

خوراک کاشر

گروهی از کنیساهای شهر تورنتو در کانادا، با همکاری یکدیگر یک بانک غذای کاشر درست کرده‌اند که در اختیار افراد محتاج گذاشته می‌شود.

هر هفته بین ۲۵ تا ۳۰ نفر از این غذاها استفاده می‌کنند.

شناخت یهودیت

اخیراً در اسپانیا علاقه مفرطی نسبت به یهودیت و شناخت آن پیدا شده است. در دانشگاه **Castilla** کلاس جدیدی افتتاح شده است که در آن واحد درس **"Jews In Spanish Literature"** نام دارد.

همچنین نمایشگاهی به نام **Ann Frank** و **Jewish Themes In Spanish Ceramics** در شهر **Toledo** افتتاح شده است.

بحث و گفتگویی در دانشگاه **Zaragoza** نیز به مناسبت شصت و یکمین سالگرد اعمال بیرحمانه نازیها و **Anti Semetism** برقرار شده است.

ابراز معذرت در اسپانیا

در شبه جزیره **Iberia**، در یک کنفرانس کارگران مذهبی اسپانیایی، پدران روحانی، خواهران کلیسای روحانی، راهبان و تارک دنیایی‌ها از رفتار اجداد خود نسبت به یهودیان در دوران انکیزاسیون که باعث بدبختی آنها شده ابراز معذرت کرده‌اند.

خواص انار

پژوهشگران علمی مرکز تکنولوژی **Technion** واقع در کشور اسرائیل گزارش می‌دهند که در انار یک ماده شیمیایی **Antioxidants** وجود دارد که می‌تواند از ضخیم شدن رگهای قلب کاسته، از بروز سرطان جلوگیری نموده و از سرعت پیر شدن سلولهای بدن انسان بکاهد.

تحقیقات آن دانشکده نشان می‌دهد که روغن و شراب انار نیز دارای این ماده شیمیایی می‌باشد که از روغن و شرابهای دیگر که بدون این **Antioxidants** هستند مؤثرترند. این پدیده در مجله **Journal of Clinical Nutritions** در ماه مارچ امسال به چاپ رسیده است.

در آمریکای لاتین

در شهر **Caracas** واقع در کشور ونزوئلا در یک موزه بسیار جالب و جدید در نوع خود در تمام آمریکای لاتین به نام **Sepharidic Museum of Caracas** نمایشگاهی به نام **(The Trip)** افتتاح یافته که گویای سندگالوت یهودیان در جهان است. این حادثه به همت ۱۸ هنرمند و ۱۸ شاعر آمریکای لاتین بر پا شده و بدینوسیله اولین قدم در برپایی موزه‌ای که هدفش جمع آوری اسناد و مدارک تاریخ جامعه یهودیان ونزوئلا می‌باشد برداشته شد.

همکاری

تجار اسرائیلی و اردنی با همکاری یکدیگر یک شبکه **Internet** جدیدی به نام **Talkman. Com.** تأسیس کرده‌اند که در

آمریکا و اسرائیل و اردن به ثبت رسیده است. نرم افزار (**Software**) این شبکه را اردن ابداع کرده است.

Karaites ها چه مردمانی هستند

در قرن هشتم در بابل عده‌ای از یهوایان خود را تقریباً از دین داران یهودی جداکرده و فقط به اوامریکه در توراه است عمل می‌کنند و اعتقادی به دستورات شفاهی که در تلمود نوشته شده است ندارند. تعداد این اشخاص اکنون در اسرائیل به ۳۰,۰۰۰ نفر بالغ می‌شود.

تفیلا برای بارندگی

در کشور اسرائیل مدت سه سال است که تقریباً خشکسالی وجود دارد و اخیراً ۵۰ راو و کبالیست بوسیله یک هواپیما کرایه شده ۳ بار در آسمان اسرائیل پرواز کرده و با نواختن شوفار و خواندن تفیلا از درگاه خداوند تقاضای بارندگی کردند و همانطور که خوانندگان عزیز اطلاع دارند بتازگی بارندگی مفصلی در اسرائیل بوقوع پیوسته است و گویا دعای این‌ها مورد قبول واقع شده است.

دیابت

دانشمندان علوم پزشکی انستیتوی وایزمن در اسرائیل مشغول آزمایش داروی جدیدی می‌باشند که می‌تواند در بهبود حال آنهایی که مبتلا به دیابت نوع دوم هستند کمک مؤثری بکند. داروی کشف شده بر روی حیوانات آزمایشگاهی اثر مثبت داشته و امکان مصرف آن برای انسان مورد بررسی و تحقیق است.

در نوع اول دیابت بدن انسولین ترشح نمیکند که قند خون را متعادل نگهدارد. در نوع دوم دیابت انسولین ترشح میشود ولی به مصرف اصلی برای پایین نگهداشتن و یا طبیعی نگهداشتن قند خون نمی‌رسد.

اخباری از گوشه وکنار

قبیله گمشده

طبق گزارش مجله **Tourist Guide**، اخیراً در زلاند نو یک قبیله بومی که **Maori** نام دارد مدعی شده‌اند که آنها از نسل یکی از ۱۰ قبیله اسرائیل هستند و قصد دارند در سال ۲۰۰۰ از کشور اسرائیل دیدن کنند. همچنین مجله مزبور گزارش می‌دهد که حتی آنها عقیده دارند که از قبیله افرائیم می‌باشند که در سه هزار سال پیش به جزایر جنوب دریای پاسیفیک کوچ کرده‌اند و متوجه شده‌اند که شباهت زیادی بین مذهب و اعتقادات خود و دین یهود مشاهده میکنند.

مرد هزاره

طبق تحقیقات غیر رسمی و علمی بعمل آمده درباره دانشمندان و علمای جهان در شهر سانفرانسیسکو آقای **Moses Maimonides**، دانشمند قرن دوازدهم، مرد سال ۲۰۰۰ شناخته شده است. «میمونید» که به «رامبام» هم شهرت دارد یک ربای متخصص رمز اعداد، فیلسوف و در ضمن دکتر دربار هم بوده است.

اضطراب انگیز

بر طبق گزارش **Washington Times**، نیروی هوایی سوریه اخیر بمب‌های شیمیایی خود را توسط هواپیماهای **Mic-23** به مرحله آزمایش در آورده است. این عملیات توسط سفینه‌های جاسوسی آمریکا عکسبرداری و ضبط شده است که نشان میدهد، محوطه عملیات رنگهای غیر طبیعی از خود روی زمین بجای گذاشته‌اند.

غذای کاشر

در فرودگاه کشور لهستان در شهر ورشو به همت عده‌ای از یهودیان خیّر فروشگاهی باز شده است که در آن مواد غذایی کاشر به فروش میرسد.

عوائد حاصله از این فروشگاه صرف تعمیر گورستانها و کنیساهای یهودی در لهستان خواهد شد.

« قتل مکن »

در مبارزه با اعدام توسط صندلی الکتریکی در ایالت فلوریدا، اخیراً مدرکی به دادگاه ارائه شده است که برای اولین بار با قانون ده فرمان بطور غیر مستقیم وابستگی دارد. همچنین این نوع اعدام با تبصره هشتم قانون اساسی آمریکا نیز مغایرت دارد. در این تبصره آمده است که اعدام بصورت خشونت‌بار و بیرحمانه و غیر عادی مجاز نیست.

اسپانیا و یهودیت

اخیراً علاقه عمومی نسبت به اصول دین یهودیت در اسپانیا افزایش یافته است. «یهودیان در ادبیات اسپانیا» نام کلاس جدیدی است که چند ماه گذشته در مواد تدریسی دانشگاه **Castilla La Moncha** گنجانیده شده است. افتتاح نمایشگاه **Ann Frank** نشان دیگری از این علاقه است. مقالات مربوط به صنایع سرامیک توسط یهودیان در اسپانیا بحث و گفتگو در دانشگاه **Zaragoza** به مناسبت ۶۱ سالگرد اعمال بیرحمانه نازیها و همچنین بحث درباره **Anti Semitism** شاهد دیگری از علاقه اسپانیا را به یهودیان می‌باشد.





نگران نشوید

فقط بیشتر از چهار سوآل بکنید

برگردان: شهره نوفر

چه فرقی است بین امشب و شبهای دیگر؟ هر نسلی به نوبه خود وظیفه دارد که خود را رها شده از بند اسارت مصریان بداند.

امشب شبی است روحانی، بعضی آخرین ذرات حامص را از خانه بیرون خواهند برد و بسیاری از ما، صدها دلار خرج خرید مایحتاج موعد کرده‌ایم و خواهیم کرد. مایحتاجی که هر سال از سال قبل گرانتر می‌شود.

امشب همه ما دور میز پسخ جمع می‌شویم و موعد نیسان را مانند یهودیان سرتاسر جهان جشن می‌گیریم. پسخ یکی از بزرگترین اعیاد یهود است و بیشتر از هر موعد دیگری جشن گرفته می‌شود. در دو شب قسمتهایی از کتابی از عهد عتیق را می‌خوانیم. آبگوشت مرغ را نوش جان می‌کنیم. چهار سوآل را می‌پرسیم و جواب می‌دهیم. کمی می‌خوانیم و دینو کنان به دنبال یکدیگر می‌دویم، در را برابر الیاهو هناوی باز می‌گذاریم ولی آیا پسخ چیز دیگری به غیر از خوردن و نوشیدن و خوشگذرانی هست؟

آیا می‌خواهید اطلاعات مختصری در مورد پسخ بگیرید و بر سر سفره دیگران را متحیر و محصور خود کنید؟ آیا می‌خواهید طرز چیدن سفره پسخ را بدانید؟ چه غذاهایی باید درست کنید؟ آیا می‌خواهید بدانید که خوراکی‌های حامص چیستند و یا کتاب هگادا را از کجا می‌توانید بخرید؟ در تار عنکبوت کامپیوتر **Wen Site** کلمه **Passover** را تایپ کنید و در ظرف چند دقیقه هزاران اطلاع گوناگون در اختیارتان قرار خواهد گرفت.

بزرگترهای خانواده، دوستان و حتی ربای کنیسایتان نیز همه می‌توانند نکات مختلفی را به اطلاع شما برسانند. ندانستن و نپرسیدن بزرگترین گناه محسوب می‌شود. پسخ و چهار سوآل رابطه‌ای غیر انکار با یکدیگر دارند ولی هیچ دلیلی ندارد که شما فقط چهار سوآل بپرسید. خجالت زده نشوید، بهترین آموزش برای کودکان وقتی است که ببینند پدر و مادر نیز سوآل می‌کند و همه چیز را نمی‌دانند.

کلمه انگلیسی **Passover** از کلمه عبری پسخ گرفته شده و به معنی جهش و از سر گذشتن است. بقیه داستان را خودتان میدانید.

اگر هم نمیدانید اصلاً بروی خود نیاورید.

یکی از ده ضربه‌ای که به مصریان وارد شد. ضربت زدن و کشته شدن پسران اول زاده آنان بود. برای تشخیص گذاشتن بین خانه‌های یهودیان و مصریان، خون بره قربانی شده بروی درگاه خانه‌های یهودیان مالیده شد تا فرشته مرگ از خانه آنها بگذرد.

حامص، حامص چیست؟ معنی کتابی حامص «ترش» است. قبل از اینکه از موضوع

خارج شویم بهتر است بدانید که مصا فقط در زمان خروج از مصر با سرعت توسط یهودیان درست شده بلکه در زمان معبد اول و دوم نیز از مصا در اعیاد مختلف و در موقع هدیه قربانی استفاده می‌گردیده. هر ماده خوراکی که ور بیاید در زمان بر پایی معبد اول و دوم نامقدس خوانده می‌شده. از آنجایی که یهودیان در موقع خروج از مصر وقتی برای ور آمدن خمیر نان نداشته‌اند. پسخ و مصا لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می‌شدند.

سِدِر چیست؟ سِدِر به معنی ترتیب است. از آنجایی که هنگام خواندن هگادا همه چیز به نوبت خوانده می‌شود این جشن در **هگادا** کتاب دستور و تعلیم است. کلمه **هگادا** به معنی بازگو کردن است. در آمریکا انواع و اقسام کتاب هگادا را برای سلیقه‌های گوناگون در کتاب فروشی‌ها و سوپر مارکتها موجود است. برگردیم به سِدِر. در **توراه** و کتاب خروج آمده است که: «خانواده‌ها به هنگام پسخ بدور یکدیگر جمع می‌شوند و بره‌ای قربانی می‌کنند و گوشت آن را نه تنها با یکدیگر قسمت می‌کنند بلکه به کسانی که توانایی قربانی کردن بره‌ای را ندارند نیز می‌دهند. ما نیز هنگام خواندن هگادا تکرار می‌کنیم که: «**هر کس گرسنه است بیاید و بخورد. هر کس که محتاج است بیاید و بطلبد...**»

شاید شما جمله **موات شتیم** **Moat Chittim** را شنیده باشید. این جمله به معنی «پول برای گندم» است. از آنجایی که پسخ یکی از گران قیمت‌ترین اعیاد یهودی است، در بسیاری از شهرهای آمریکا، جوامع مختلف یهودی باگرد آوری هزارها دلار به خانواده‌هایی که قدرت مالی برای برگذاری پسخ را ندارند کمک کرده و برای آنها مصا و سایر احتیاجات پسخ را فراهم می‌کنند.

از پول صحبت کردیم، آیا میدانید **زوزیم** **Zuzim** چیست؟

یکی از اشعار پسخ گواهی از مردی دارد که بزغاله‌ای را به قیمت ۲ زوزیم (صناری) خریده و بزغاله‌اش راگربه‌ای خورده، گربه را سگی گاز گرفته، سگی که او را با چوب زده‌اند. چوبی که در آتش سوخته و آب که آتش را خاموش کرده وگاو نری آن آب را نوشیده. قصاب گاو راکشته و فرشته مرگ قصاب را برده و خداوند فرشته مرگ را از میان برداشته. معنی و سمبل این داستان چیست؟ این داستان برای یهودی که قرنها تحت اذیت و آزار بوده. نشانه‌ایست که آزار دهندگان به گونه‌ای از بین خواهند رفت. به قول خودمانی «هر کس که با یهودی در افتد ور افتد».

راجع به اشعار هگادا صحبت کردیم بیاد «**دَینو**» محبوبترین قسمت پسخ افتادم. دینو به معنی «ما را بس» بوده است. یکایک معجزاتی راکه خداوند در مورد یهودیان انجام داد «برای ما کافی بوده است».

بشقاب سِدِر چیست؟ بشقابی است شامل خوردنی‌های گوناگون که عبارتند از: سه عدد مصا، بال مرغ و تخم‌مرغ، سبزی تلخ، کاهو و یا جعفری، سرکه و یا مایع تلخ و حلق که

به نشانه خاک و گلی است که یهودیان در اسارت با آن خشت سازی می‌کردند.

چهار پیاله شراب: چهار پیاله به منزله چهار قسمت مختلف رهایی از بردگی است که در هگادا آمده است. همانطور که خداوند می‌فرماید: **من شما را برداشتم، من شما را آزاد کردم، من به شما آزادی دادم و من شما را بردم.**

اگر فکر می‌کنید که وقایع مختلفی را که در هگادا می‌خوانیم هزارها سال قبل و در مکانی دور افتاده اتفاق افتاده و هیچ رابطه‌ای با زندگی ما در آمریکا ندارد از دایره زندگی یهودیان بیرون افتاده‌اید.

پسخ به معنی رهایی و آزادی است. چطور آزادی بردگان یهودی از مصر با شما بستگی دارد؟ با دوباره نگری به خود می‌توانید رابطه‌ای نزدیکی میان خود و داستان هگادا بیابید. در آینه خود نگری به حامص بر می‌خورید که باید از خانه بیرون برده شود. حقیقتی که ممکن است در گذشته به آن نیاندیشیده باشید.

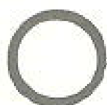
پسخ همانند آینه‌ایست که در آن می‌توان رشد شخصی را اندازه گرفت. فقط تعداد مهمانان دعوت شده بر سر میز مطرح نیست. البته هر چه مهمان بیشتر باشد به همه بیشتر خوش خواهد گذشت.

چهار سوآل؟ چه فرقی است بین امشب با شبهای دیگر؟ همه کم و بیش جواب این سوآل را میدانیم. ولی آیا میدانید که در زمان معبد اول و دوم جواب سوآل چهارم چه بوده؟ «ما هر شب گوشت را بصورت خورشت، کباب و یا سرخ کرده می‌خوریم ولی امشب فقط گوشت سرخ شده می‌خوریم». بعد از انهدام معبد دوم در سال ۷۰ میلادی جواب سوآل تغییر کرد و در جواب سوآل چهارم جواب می‌دهیم: «امشب ما فقط تکیه می‌دهیم و می‌خوریم و می آشامیم».

الیاهو هناوی کیست؟ و چرا در را برایش باز می‌گذاریم؟ الیاهو هناوی بزرگترین نبی یهودیان بوده است. در کتابها آمده است که او نمرده بلکه با ارابه‌ای به بهشت سعود کرده است. بازگشت او نشانه آمدن ماشیح است.

اُمِر (Omer) چیست و چرا روزها را می‌شماریم؟ اُمِر زمان بین پسخ و موعد سوکاست که هفت هفته می‌باشد. در ایام پسخ محصول جو شمرده می‌شده و به معبد تقدیم می‌گردیده. در این ۴۰ روز همه روزه برای یادآوری، براخای روزانه خوانده می‌شود. در روز سی و سوم که لگ‌اُمِر خوانده می‌شود طبق روایات، وقایع و معجزات مختلفی اتفاق افتاده پسخ همواره و همه ساله به ما یادآوری می‌کند که ما یهودی هستیم و هگادا تاریخ گذشته ما است و زندگی هر روزه ما باید یهودی باقی بماند و فقط اینگونه است که نسل آینده یهودی باقی خواهند ماند.

مواظب باشید که اَفیقُمن را کسی از دستتان نرباید. □



در پرسشنامه آخر این مقاله میزان یهودیت خودتان را امتحان کنید

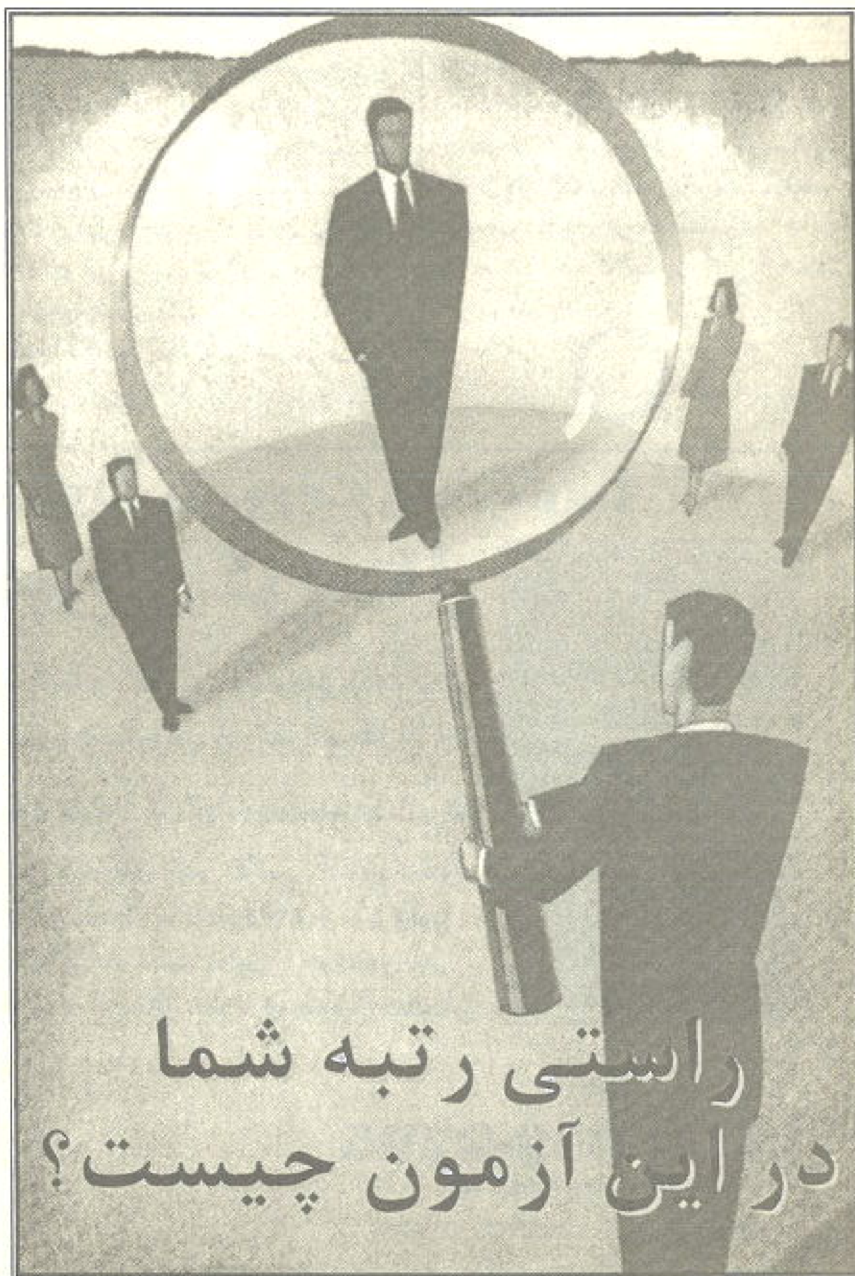
چالش اصول اخلاقی یهود:

به قلم: آرتور گراس شِفر *
برگردان: پیمان اخلاقی

* آقای آرتور گراس شفر استاد کرسی حقوق و اخلاق تجاری در دانشگاه لویولا، مری مونت (کالیفرنیا)، و ربی اجتماع یهودیان شهر **Ojai** می‌باشد. او «یازده ارزش محوری اخلاق یهود» و «استراتژی تصمیم گیری اخلاقی» را برای کمیتهٔ اخلاق **UAHC** تنظیم کرده است.

«کوشش کن که به آنچه از لبانت خارج شده است، عمل کنی.»

(تثنیه، ۲۳/۲۴)



«من که هستم؟» و «من بر چه چیزهایی ارزش می‌گذارم؟» دو پرسش پیچیده و در عین حال مرتبط هستند که بر تصمیم‌گیری‌های ما عمیقاً تأثیر می‌گذارند. باورهای محکم و ارزشهای اخلاقی شخصی ما، مثل تصویر ما در آینه، در داوری‌ها و کردارهای ما آشکار می‌شوند. با این وجود، ما به ندرت وقتمان را به بررسی جدّی ارزش‌هاییکه به رفتارهایمان الهام می‌بخشند و آنها را بر می‌انگیزند، اختصاص می‌دهیم. ما باید به بازتاب خود در زیر تابش نور کردارمان نظر دوخته، و صادقانه بپرسیم:

به هنگام تصمیم‌گیری از چه ارزش‌های اخلاقی بهره می‌جوییم؟ آیا این ارزش‌ها با وظایف ما به عنوان افرادی یهودی هماهنگ هستند؟ چگونه ارزش‌های یهودی می‌توانند ما را در اتخاذ تصمیم‌های دشوار راهنمایی کنند؟

بد نیست که شما خود را با امتحان «چالش اخلاقی» که برایتان تدارک دیده‌ایم بیازمایید، و ببینید که ارزشهای شما در مقایسه با برخی از ملاحظات مهمّ یهودی در چه وضعیتی قرار می‌گیرند. مطمئناً، موارد ارائه شده همهٔ اطلاعاتی را که، به طور معمول، یک تصمیم‌گیری دشوار به آن احتیاج دارد را فراهم نمی‌آورند. و بله؛ شمار گزینه‌ها را محدود کرده‌ایم.

با این حال، اگر شما با رعایت صداقت، به سؤالات زیر حقیقتاً پاسخ بدهید، و سپس به بخش «پاسخ‌ها» مراجعه کنید، خواهید توانست که پاسخ‌های خود را در مقایسه با سنّت یهودی بسنجید. خواهش می‌کنیم صادق باشید.

«لطفاً در کنار پاسخی که به آنچه ممکن بود در موقعیت داده شده انجام دهید نزدیکتر به نظر می‌رسد، علامت بگذارید.»

پرسشنامه

الف) در حال معرفی شدن به شخصی هستید که ممکن است رابط مهمّی برای شما بشود. کسی که شما را معرفی می‌کند تعریف می‌کند که چگونه شما برنامه بسیار مهمی را برنامه‌ریزی کرده بوده‌اید. امّا واقعیت این است که شما صرفاً عضو کوچکی از کمیتهٔ برنامه ریزی بوده‌اید، و نقش شما در موفقیت آن پروژه بسیار جزیی بوده است. شما چه خواهید کرد؟ آیا شما:

۱ - ساکت می‌مانید.

۲ - با فروتنی رفتار می‌کند و اظهار می‌کنید که موفقیت شایان آن پروژه مرهون کمک‌های بزرگ دیگران نیز هست.

۳ - اعتراف می‌کنید که صرفاً یکی از اعضای کمیته بوده‌اید.

۴ - تصدیق می‌کنید که در عمل نقش اندکی در به ثمر رساندن پروژه داشته‌اید.

ب) گروهی از کودکان و نوجوانان را به پارک تفریحات برده‌اید، و می‌دانید که برای کودکان زیر ۱۲ سال تخفیف قابل ملاحظه‌ای ارائه می‌شود. در حالی که اعضای گروه همگی کم سن و سال به نظر می‌رسند، آگاه هستید که برخی از آنان بیشتر از ۱۲ سال سن دارند. آیا شما:

۱ - برای همهٔ کودکان بلیط به قیمت تخفیف سفارش می‌دهید.

۲ - برای کودکان زیر ۱۲ سال بلیط کودکان، و برای آنها که ۱۲ سال به بالا هستند، بلیط بزرگسالان درخواست می‌کنید.

۳ - به فروشندهٔ بلیط می‌گویید که از جانب یک گروه نوجوانان وابسته به یک کنیسا آمده‌اید، و با آنکه برخی از کودکان بیشتر از ۱۲ سال دارند، مطمئناً سپاسگزار خواهید بود اگر فروشنده اجازه دهد که برای همهٔ کودکان به قیمت تخفیف بلیط بخرید.

۴ - برای بیشتر اعضای گروه، به جز دو یا سه نفری که بزرگتر به نظر می‌رسند، به قیمت تخفیف، بلیط ویژهٔ کودکان می‌خرید.

ج) می‌خواهید اتومبیل خود را بفروشید. یک خریدار احتمالی به شما ۴۵۰۰ دلار پیشنهاد می‌کند، و در حالی که شما قیمت ۵۵۰۰ دلار را در نظر دارید، به طور شفاهی پیشنهاد او را می‌پذیرید. چند دقیقه بعد، پیش از آن که هنوز چیزی نوشته شده باشد، خریدار احتمالی دیگری از راه می‌رسد و قیمت ۵۵۰۰ دلار را پیشنهاد می‌کند. آیا شما:

۱ - اتومبیل را به خریدار نخست می‌فروشید.

۲ - از خریدار نخست می‌خواهید که قیمت خرید خود را تا سطح پیشنهاد دوم بالا ببرد.

۳ - به خریدار نخست می‌گویید که در

عین حال که تصمیم گرفته‌اید پیشنهاد بالاتر را بپذیرید، تصمیم دارید که مازاد پول را تقسیم کنید، و ۵۰۰ دلار به او بدهید.

۴ - پیشنهاد بالاتر ۵۵۰۰ دلار را در جا می‌پذیرید.

د) عضو یک گروه (خُوورا) هستید، و در طی این مدت، پیوندهای دوستی فراوانی میان خود و دیگر اعضاء برقرار کرده‌اید. با آن که همواره میان برخی از اعضای گروه و یکی از نزدیکترین دوستان شما در گروه تَنِش وجود داشته است، هیچ گاه جبهه گیری نکرده‌اید و رابطهٔ دوستانهٔ خود را با همه حفظ کرده‌اید. اما اینک تنش افزایش یافته است؛ جمع اکثریت گروه، بدون هیچ دلیل خاصی، خواهان اخراج دوست شما از گروه هستند. آیا شما:

۱ - از دوست خود فاصله می‌گیرید و سکوت اختیار می‌کنید.

۲ - به طور خصوصی، پشتیبانی خود را از دوست خود [به او] اعلام می‌کنید.

۳ - به طور علنی از دوست خود پشتیبانی می‌کنید.

۴ - به طور خصوصی پیشنهاد حمایت می‌دهید و با برخی از اعضای گروه صحبت می‌کنید تا چاره‌ای مسالمت‌آمیز پیدا شود.

هـ - در خیابان قدم می‌زنید، که ناگهان به زنی برمی‌خورید که روی یک پتو نشسته است، و اعلانیه‌ای در دست گرفته است که روی آن نوشته شده است: «گرسنه هستم، و برای خوراک به پول احتیاج دارم.» یک سبد با کمی پول خُرد پیش روی او است. آیا شما:

۱ - نخست مطمئن شوید که او مواد مخدر مصرف نمی‌کند، و بعد به او پول می‌دهید.

۲ - بدون زیر سؤال بردن شخصیت یا انگیزه‌هایش، در سبد او پول می‌گذارید.

۳ - به راه خود ادامه می‌دهید، امّا مطمئن می‌شوید که حتماً به ذخیرهٔ غذایی محلّی کمک کنید.

۴ - بدون هیچ گونه توجه یا توقفی، به راه خود می‌دهید.

و) پیانوی خود را فروخته‌اید و پذیرفته‌اید که خریدار پول آن را به اقساط پرداخت کند. امّا پس از دو پرداخت اول، خریدار به شما تلفن می‌کند که بگوید که از شغل خود اخراج شده است. او با درماندگی از شما می‌پرسد که آیا می‌تواند با خرج خود، پیانو را به شما برگرداند و پول پرداخت شده را دریافت کند تا اجاره بهای خود را بپردازد. شما از نظر مالی وضع خیلی خوبی دارید، و باز گرداندن پول او هیچ مشکلی برایتان ایجاد نمی‌کند، امّا می‌دانید که فروش مجدّد پیانو دردسر بزرگی است. آیا شما:

۱ - پیانو را پس می‌گیرید و پول او را، منهای هزینهٔ فروش مجدد پیانو، باز می‌گردانید.

۲ - پیانو را پس می‌گیرید و همهٔ پول را باز می‌گردانید.

۳ - درخواست او را ردّ می‌کنید و قاطعانه می‌خواهید که او به پرداخت به موقع اقساط ادامه دهد.

۴ - به او می‌گویید که خودش پیانو را دوباره بفروشد.

ز) در یک مهمانی با حضور جمعی از دوستان، کسی لطیفهٔ نژاد پرستانهٔ به ظاهر «بی آزاری» می‌گوید. همه می‌خندند، اما شما احساس توهین می‌کنید. آیا شما:

۱ - همراه دیگران می‌خندید.

۲ - هیچ نمی‌گویید و نمی‌خندید.

۳ - علناً به همه می‌گویید که باور دارید لطیفه‌های نژادی توهین‌آمیز و غیر اخلاقی هستند.

۴ - به طور خصوصی به گویندهٔ جوک می‌گویید که لطیفه‌های نژادی را توهینی به خود تلّقی می‌کنید.

ح) عضو هیأت مدیرهٔ یک کنیسا هستید. هیأت برای تبادل نظر بر سر نیاز به بازسازی دستشویی اصلی کنیسا، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای رفاه معلولین، تشکیل جلسه داده است. در خزانهٔ ساختمانی کنیسا،

پول کافی برای پرداخت هزینهٔ کار و دریافت اجازه نامه وجود ندارد. از این رو، بیشتر اعضای هیأت می‌خواهند که بدون کسب اجازه نامه، مراحل بازسازی را شروع کنند. آیا شما:

۱ - دلیل می‌آورید که عدم دریافت اجازه نامه غیر قانونی است، امّا می‌پذیرید که با نظر اکثریت همراه شوید.

۲ - اظهار می‌کنید که چنین عملی غیر قانونی است، و شما در موافقت نامه‌ای غیر قانونی شریک نمی‌شوید.

۳ - اظهار می‌کنید که داشتن اجازه نامه امری اساسی است، و خود در جمع آوری اضافه بودجهٔ لازم کمک خواهید کرد.

۴ - می‌پذیرید که عمل بازسازی بدون دریافت اجازه نامه انجام پذیرد.

ط) شما در جریان ساخت یک قطعه از ساختار یک هواپیما هستید. از این رو که مدت زمان تولید بیش از آن چه که انتظار می‌رفته است به درازا کشیده است، وقت کافی برای آزمایش قطعه و تحویل در موعد مقرّر وجود ندارد. سرپرستِ شما می‌گوید که قطعهٔ مزبور به گونه‌ای صحیح ساخته شده است، و او همهٔ مسئولیت آن را بر خود می‌پذیرد. سپس شما با یکی از معاون‌های شرکت تماس می‌گیرید، که به اطمینان می‌دهد که مظنونیّت و تردیدهای شما بی پایه هستند، و آزمایش‌های مربوط سطحی هستند و صرفاً به جهت روال کار انجام می‌گیرند. شما:

۱ - هیچ کار دیگری نمی‌کنید.

۲ - به خریدار هواپیما اطلاع می‌دهید.

۳ - نگرانی‌های خود را نزد مقامی بالاتر از معاون مزبور در شرکت مطرح می‌کنید.

۴ - در پرونده‌های مربوط، یک یادداشت قرار می‌دهید و نگرانی‌های خود را فهرست می‌کنید.

ظ) کنیسای شما در بحبوحه حرکت گسترده‌ای در جهت جمع آوری اعانه برای ساختمان کنیسا است. شخصی که به عنوان مالکی بی انصاف، و دارای ساختمان‌های فراوان در نواحی فقیرنشین شهرت دارد، می‌خواهد که کمک مالی بکند. در جلسهٔ هیأت مدیرهٔ کنیسا بحثی پیرامون این مسأله که آیا این پول باید پذیرفته شود یا نه، صورت می‌گیرد. آیا شما:

۱ - رأی می‌دهید که مبلغ اهدایی ردّ شود.

۲ - رأی می‌دهید که این مبلغ پذیرفته شود.

۳ - رأی می‌دهید که فقط در صورتی که نام اهداء کننده با عنوان «ناشناس» ذکر شود، این پول پذیرفته شود.

۴ - رأی می‌دهید که تنها در صورتی که بتوان مبلغ اهدایی را نشانه گذاری کرد تا برای کمک به فقرا به مصرف یک پروژهٔ صداقا برسد، این پول پذیرفته شود.

ک) شما ترجیح می‌دهید که یک محصول بسیار خوب را بخرید که در کشوری

خارجی ساخته شده است. با این حال، در مقایسه با استانداردهای آمریکایی، شرایط کاری کارگران در آن کشور بسیار نازل، و دستمزد آنان بسیار پایین است. آیا شما:

۱ - تصمیم می‌گیرید که محصول مزبور را نخرید.

۲ - تصمیم می‌گیرید که محصول مزبور را نخرید، و افزون بر آن، نامه‌ای اعتراض‌آمیز به کمپانی سازنده بفرستید.

۳ - تصمیم می‌گیرید که محصول را نخرید، و افزون بر آن، دیگران را نیز در یک اقدام منزوی سازانه (بایکوت) و بسیج نامه نگاری بر علیه آن کمپانی به حرکت در آورید.

۴ - محصول را می‌خرید.

پاسخ‌ها، لطفاً !؟

باید گفت که غالباً، پاسخی یگانه وجود ندارد که همگان آن را به عنوان اخلاقی‌ترین اقدام در یک وضعیت داده شده بپذیرند. به علاوه، عواملی افزوده که به طور کامل در پرسش‌های بالا فراهم نیامده‌اند، ممکن است که به میزان زیادی بر نتیجه گیری شخص تأثیر بگذارند، با این حال، هر یک از سناریوهای بالا مستقیماً به یکی از «یازده ارزش هسته‌ای یهود» گره خورده است. توصیف مختصری از آن ارزشها که در پایین می‌آید، در تعیین پاسخ درست به شما کمک خواهد کرد:

سناریوی الف): صداقت

این که اجازه دهیم کسی تصویری خلاف واقع در ذهن خود شکل دهد، شکلی از دزدی است. سنّت ما به ما دستور می‌دهد که راستگو باشیم و برداشت‌های نادرست را اصلاح کنیم. **«دزدی مکن!» (خروج، ۲۰/۱۳).** همچنین به ما آموخته شده است که در برابر تمام اَشکال بدگویی، توهین شخصیت، غیبت و شایعه پراکنی، و تحریف واقعیت با صراحت بایستیم و در مقابل آنها صحبت کنیم، چه این گونه حرکات بر علیه یک فرد باشند، و یا هدف آنها یک گروه، یک ملت، یک نژاد، و یا یک مذهب باشد. «آنها که با راستی **رفتار و معامله می‌کنند مایهٔ خشنودی خداوند هستند.» (امثال سلیمان، ۱۲/۲۲).**

سناریوی ب): شرافت و تمامیّت اخلاقی

بر آدمی واجب است که گفتار و کردار خود را هماهنگ سازد. ما اغلب به کودکان خود می‌گوییم که دروغ گویی کاری نادرست است، و از آن سو، از راه اعمال خود به آنان می‌آموزیم که چنین کنند. شرافت و تمامیّت اخلاقی متضمّن کامل بودن، مطابقت میان گفتار، کردار و باورهای ما است. **«انسان شریف و صالح را نشان گذار، و بر انسان پایبند اخلاق نظر داشته باش.» (مزامیر، ۳۷/۳۷).**

سناریوی ج): بریت (پیمان)

وفاکردن به کلامی که از دهانتان خارج شده است اظهاریه‌ای مقدس از تعهّد روحانی مشخص به استواری رابطه‌ای بر پایهٔ عهد با ذات الهی است. این به معنای بازتابیدن آینه‌وار خداوند از راه اداکردنِ گفتار و روح تعهدهایمان نسبت به دیگران می‌باشد.

سناریوی د): وفاداری

درگیر رابطه‌ای از روی اطمینان بودن به این معنی است که آدمی حاضر است به منظور پشتیبانی از دوستان خود، مواضعی ناخوشایند اتخاذ کند. از ما انتظار می‌رود که نسبت به خداوند، والدینمان (خروج ۲۰/۱)، سنّت خود، و آنانی که با ایشان رابطه‌ای اعتمادآمیز ایجاد کرده‌ایم، وفادار باشیم.

سناریوی هـ): صداقا (اعانه)

به ما آموخته شده است که صدقه بدهیم، از داوری‌های بیش از حدّ خودداری کنیم، مستقیماً به نیازمندان کمک کنیم، و واژگان مهربانی نیز به سوی آنان پیشکش کنیم. صداقا با هر دوی عدالت و صالح بودن ارتباط دارد. یشعیا (۱/۱۷) می‌گوید: **«عدالت را بجوی و ستمدیده را یاری رسان.»**

سناریوی و): حِسِد (نیکی)

بر آدمی واجب است که به شفقت رفتار کند، و کرداری از روی **حِسِد** (مهربانی و دلسوزی) پیش گیرد، حتی هنگامی که ممکن است چنین کاری آسان و خوشایند نباشد. همان گونه که خداوند از روی شفقت با ما رفتار کرده است، ما نیز باید با دیگران چنین کنیم. **«شفقت و دلسوزی نشان دهید، هر کس به همسایهٔ خود.»** (زخریاه ۷/۹).

سناریوی ز): احترام به وقار انسانی

لطیفه‌ها ابزارهای آموزشی قدرتمندی هستند. سکوت آدمی در برابر نژادپرستی می‌تواند به منزلهٔ موافقت شخص با آن تلقی شود. ایدهٔ ما مبنی بر ارزش بی انتهای زندگی انسان از این واقعیت ریشه می‌گیرد که همهٔ آدمیان **«به شکل خداوند» خلق شده‌اند.** از این رو، هر فرد انسانی شایستگی آن را دارد که به عنوان آفریده‌ای یگانه بدست ذات باریتعالی، مورد احترام همگان قرار گیرد.

سناریوی ح) احترام به قانون

همیشه قوانینی همچون مالیات و اجازه نامه‌ها بوده‌اند که مایل بوده‌ایم آنها را نادیده بگیریم. امّا، سنّت یهود همواره دستور داده است که شهروندی خوب باشیم، که خود مقتضیِ پیروی از قوانین منصفانه، و ابراز اعتناء نسبت به فرآیند تصمیم گیری در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌باشد. **«قانون کشور همان قانون است.»** (تلمود، گیتین، ۱۰ ب). با این وجود، این به معنای اطاعت کورکورانه از قوانین آن اجتماع، هنگامی که چنین قوانینی با ارزش‌های اخلاقی دیگر تضاد دارند، نیست.

سناریوی ط): مسئولیت پذیر بودن

آدمی قادر نیست که انگشت به سوی دیگران نشانه رود، و به این ترتیب از پذیرش مسئولیت در قبال برخورد انفعالی خود پرهیز کند. سنّت ما، ما را نه تنها برای آنچه که می‌کنیم، بلکه برای آنچه نمی‌کنیم نیز در قبال خداوند و دیگران مسئول برمی‌شمارد. **یهودیت نمی‌گوید. «اعتقاد داشته باش!» بلکه می‌گوید «چنین عمل کن!»** (مشه مندلسون، [از بنیانگذار جنبش رفورم]).

«در کنار خون همسایه‌ات بی تفاوت نایست!» (لاویان، ۱۶/۱۹).

سناریوی ی) بر دوش گرفتن مسئولیت

بهترین شیوه‌ای که آموزش می‌دهیم، شیوهٔ کردار و تماس‌های انسانی ما است. غالباً تصمیم‌هایی که به خاطر پول می‌گیریم بیش از هر چیز دیگری دربارهٔ ارزش‌های محوری ما سخن می‌گویند. انسان‌های اخلاقی مسئولیت تصمیم‌هایی که می‌گیرند را می‌پذیرند، و از این راه برای دیگران سرمشقی به جای می‌گذارند. **تفاوتی نمی‌کند که عمل از روی قصد و یا بدون هیچ گونه نیّتی صورت گرفته باشد، آدمی در هر صورت مسئول است.** (میشنا، بابا کما ۱/۲).

سناریوی ک): تیکون عولام (بهبود جهان)

در عین این که قادر نیستیم تمام مصائب جهان را برطرف کنیم، به ما فرمان داده شده است که به کسانی که از بخت کمتری برخوردار

بوده‌اند، منجمله آنها که تحت ستم و استثمار به بیگاری کشیده شده‌اند، کمک کنیم. مفهوم **تیکون عولام**، که در لغت به معنای «تعمیر جهان» است، به تدریج به نشانهٔ تعهّد یهودی ما به امر مهرآمیزتر و دلسوزانه‌تر کردن جهان تبدیل شده است. در میان اجتماعات ما شمار فراوانی روح‌های از هم پاشیده، این کوزه‌های مقدس شکسته شده، وجود دارند. رسالت ما این است که آن روح‌ها را ترمیم بخشیم، و هر آنچه را که خداوند به ما داده است با آنان که از خوشبختی کمتری برخوردارند شریک شویم.

یک استراتژی پیشنهادی برای تصمیم‌گیری اخلاقی

یکی از راه‌ها برای کمک در تصمیم‌گیری اخلاقی استفاده از مدلی فرضی برای آن تصمیم است. ساده‌ترین مدل این است که فرض کنید تصمیم شما از طریق تلویزیون ملّی به اطلاع همگان خواهد رسید، و والدین و ربای شما آن را تماشا خواهند کرد. اگر هنوز با تصمیم خود راحت هستید، پس احتمالاً این تصمیم اعتبار اخلاقی دارد. در مورد وضعیت‌های اخلاقی پیچیده‌تر، مدل پایین را آزمایش کنید:

۱ - **مسئله را با دقت تعریف کنید.** اطمینان حاصل کنید که تمام حقایق مربوطه گردآوری شده‌اند.

۲ - **به همهٔ کسانی که ممکن است به واسطهٔ این تصمیم تأثیر بپذیرند توجه کنید.** تصمیمی که شیوه‌های تأثیر خود را بر دیگران در محاسبه وارد نمی‌کند، تصمیمی اخلاقی نیست، حال عواقب عملی آن هر چه که باشند.

۳ - **فهرستی از همه ارزش‌های محوری یهودی را که به این تصمیم مربوط می‌شوند و در آن نقش دارند، تهیه کنید.** صداقت، شرافت و تمامیّت اخلاقی، بریت (پیمان؛ وفای به عهد) وفاداری، صداقا (اعانه)، حِسِد (احسان، نیکی، شفقت)، احترام به وقار انسانی، احترام به قانون، مسئولیت پذیر بودن، به دوش گرفتن مسئولیت، تیکون عولام (بهبود جهان).

۴ - **فهرستی از همهٔ چاره‌های ممکن تهیه کنید.** اغلب، باور داریم که شمار چاره‌های ما محدود هستند، حال آن که در واقعیت، تعداد بسیار زیادی از گزینش‌های دیگر نیز وجود دارند که ممکن است وضعیت داده شده را به شیوه‌ای بهتر و یا کم ضررتر حلّ کنند.

۵ - **برگزینید و رتبه بندی کنید.**

الف) از میان همهٔ کسانی که در بالا فهرست کردید، کسی را که باور دارید مهمترین کسی است که باید در این تصمیم گیری مورد توجه قرار گیرد، برگزینید.

ب) از میان همهٔ ارزشهای اخلاقی محوری یهود که فهرست کردید، مهمترین آنها را برگزینید.

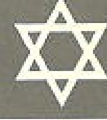
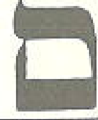
ج) از میان همهٔ چاره‌هایی که فهرست کردید، آن را که باور دارید بیشترین خیر و یا کمترین زیان را موجب خواهد شد، برگزینید.

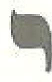
د) تصمیمی بگیرید.

ه) یک استراتژی تمهید کنید که بطور مؤثر تصمیم شما را تحقق بخشد و به مرحلهٔ اجرا در آورد.

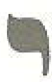
شماره تلفن سازمان سیامک: ۹۸۴۶ - ۸۴۳ (۳۱۰)

آدرس سازمان: P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212









SINAI

کیترینگ گلت کاشر

שומר שבת

شومر شبات

سایناى

به مدیریت دانیل جوانفرد

سایناى کیترینگ ارائه دهنده لذیذترین و خوشمزه ترین غذاهای گلت کاشر

پذیرائی از جشنهای عروسی - نامزدی - برمیتصوا - بت میتصوا
کنفرانسها در منازل و سالنهای متنوع و مجلل با بهترین کیفیت

قبل از برگزاری هرگونه جشن و میهمانی با ما مشورت کنید

SINAI GLATT CATERING

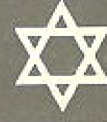
CATERING FOR ALL OCCASIONS

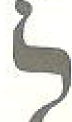
Persian, Middle Eastern, Eroupian & American Food

(310) 820-0048

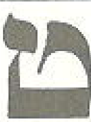
Pager: (213) 390-3566

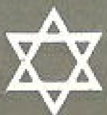
12233 Santa Monica Blvd., W. Los Angeles, CA 90025



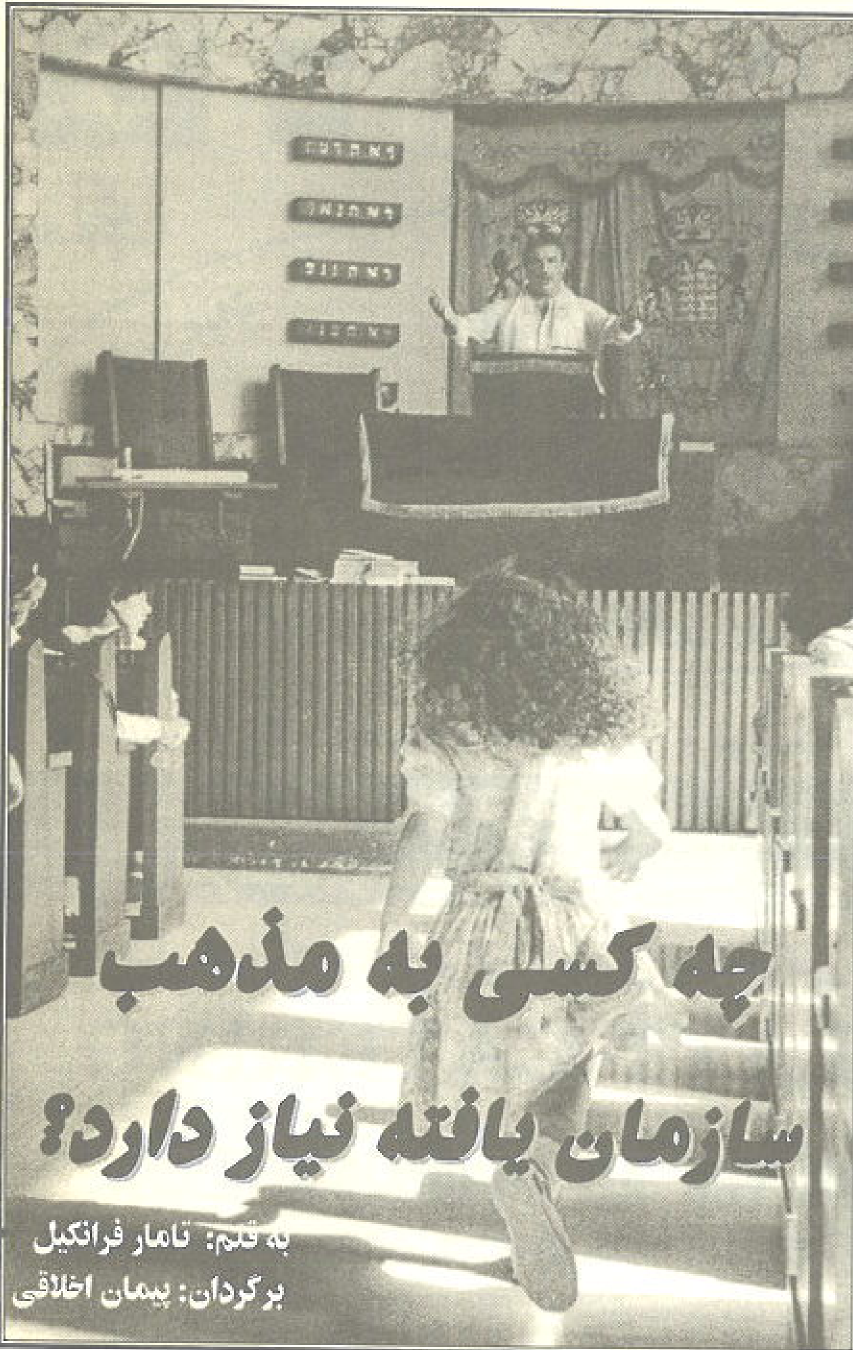









* خانم دکتر تامار فرانکیل (PHD) پژوهشگر مطالعات تطبیقی مذاهب، و در حال حاضر، عضو کادر آموزشی مدرسهٔ الهیات کِلرمونت و دانشگاه کالیفرنیا، ریور ساید است. او مؤلف *The Voice of Sarah* (آوای سارا) و یکی از نویسندگان *Minding The Temple of the Soul* (اعتناء به معبد روح) می‌باشد. آخرین کتاب او، با عنوان *Entering the Temple of Dreams* (ورود به معبد رؤیاها) به زودی منتشر خواهد شد.



چه کسی به مذهب سازمان یافته نیاز دارد؟

به قلم: تامار فرانکیل

برگردان: پیمان اخلاقی

مطمئناً ماکه نیازی نداریم. هر چه باشد، ما از نوادگان ابراهیم هستیم، مردی که مستقلاً خدا را می‌جست، که به آوای شخصی خداوند گوش فرا داد که از او خواسته بود تا خانه و زادگاه خویش را ترک کند. او «مذهب سازمان یافته» بین‌النهرین (Mesopotamia) را پشت سر گذارد و هرگز مذهبی از آن خود بنیاد ننهاد. مگر نه آن که «پیامبران» [یشعیا، یرمیا،...م.] بر علیه تأثیرات تحمیق کنندهٔ مذهب سازمان یافته به شکایت می‌خروشند؟

یهودیت همواره از زمرهٔ کم سازمان یافته‌ترین مذهب بوده است، و هر آدمی می‌تواند استدلال کند که این در نهایت، کمال مطلوب روحانیت است. ما می‌توانیم بیشترین فرامین (میتصواها) را به عنوان یک فرد و یا یک خانواده در حریم خصوصی خانه‌های خود انجام دهیم. برای اجرای یک مراسم نیایش کامل، صرفاً به حد نصاب ده نفر نیاز داریم. و اگر هم بخواهیم آموزش ببینیم، به سادگی می‌توانیم با شخصی که از ما بیشتر می‌داند نشست و برخاست کنیم. به سختی می‌توان این را «مذهب رسمی» نامید. ما چه نیازی به کنیساهای بزرگ، با کمیته‌ها و برنامه‌های منظم سخنرانی داریم؟ احتمالاً بهترین استدلال به نفع سازمان دهی مسئلهٔ آموزش کودکان است، امّا حتّی آن را نیز می‌توان در مقیاسی کوچکتر حلّ کرد.

هر گاه از مذهب رسمی شکایت می‌کنیم، از این رو است که ما تشخیص می‌دهیم مذهب رسمی می‌تواند به سادگی [از محتوی] تهی شود. راو بزرگ، ژوزف سولوایچیک در کتاب خوک با عنوان تنهایی مرد با ایمان (The Lonely man of Faith)، از همین گرایش سخن گفته است. اجتماعات مذهبی ما اغلب به چیزی تبدیل می‌شوند که او «اجتماع شاهانه» (Majestic Community)

می‌خوانند: طرح‌هایی از بشریت (Project of humanity) در بعد خلاّق سلطه بر جهان. مذهب راهی برای آفرینش لذت و خشنود سازی می‌شود، و تنها با صِرف فراهم آوردن آسایش و خوشحالی از سطح بقای حیوانی بالاتر می‌رود.

امّا اغلب فقدان چیزی بارز است - **احساس ملاقات «دل با دل»** در در تشکل آنچه که راو سولووایچیک «اجتماع هم پیمان» (Covenantal Community) خوانده است. در اجتماع هم پیمان ما خود را به یکدیگر، با عمیق‌ترین جوهر خود نمایان

آن گاه که کنیساهای ما فاقد آن کیفیت ویژه هستند، وسوسه می‌شویم که خود را به قید ضمانت آزاد کنیم و در جستجوی روابط حقیقی و عمیق به هر جای دیگری سر بزنیم.

می‌سازیم: ما حقیقت یگانهٔ یکدیگر را می‌بینیم. این را به سختی می‌توان در بسیاری از سازمان‌های مذهبی ما پیدا کرد، جایی که ما به سرعت با مسئلهٔ تسلّط بر بی نظمی و حفظ خود سازمان کاملاً مشغول می‌شویم. از همین رو، آنجا که کنیساهای ما از آن کیفیت ویژه بی بهره هستند، ما وسوسه می‌شویم که خود را به قید ضمانت آزاد کنیم تا در جستجوی حقیقت و روابط عمیق به هر کجای دیگر، و اغلب، صرفاً در دوستی‌هایی که زندگی برایمان پیش می‌آورد، سر بکشیم.

با این حال، این کار مسئله را حل نمی‌کند، چرا که هنوز پاسخی دیگر به این پرسش که «چه کسی به مذهب رسمی نیاز دارد؟» وجود دارد.

پاسخ این است: **خداوند.**

خداوند به آدمی نیاز دارد. خداوند از ما می‌خواهد که دنیا را دگرگون کنیم. اگر ما مذهب شخصی بخواهیم، می‌توانیم آن را در خانه‌های خود داشته باشیم. امّا ما همچنین فرا خوانده شده‌ایم تا به جهان در سطح وسیع تحوّل ببخشیم. ما ممکن است که شخصاً ترجیح دهیم تا راه خصوصی‌تر ابراهیم و همراهانش را بپیماییم. امّا خداوند همچنین از ما می‌خواهد که **داوید** پادشاه و فرزند او، **سلیمان** را نیز به خاطر داشته باشیم که معبدی بر پا کردند که نور آن به بیرون، یعنی به درون دنیا می‌تابید.

ما خوراک روح خود را (Personal Nourishment) در روابطی که با هدایت الهی، چه در درون یا بیرون کنیسا، شکل می‌دهیم، پیدا می‌کنیم. سرچشمه‌های الهام ما می‌توانند همسران یا دوستانمان، گردهمایی‌های دوستانه (Chavura) یا پیک‌نیک‌های ماهانه، راو یا دندانپزشک ما باشند. امّا، منبع این الهام هر چه که هست باشد، ما باید آن انرژی را به سود اجتماع به کار ببریم - اجتماع هم پیمان که در درون اجتماع شاهانه عمل می‌کند. یهودیت بر این مورد پافشاری می‌کند که در نهایت هیچ گونه جدایی میان قلمروی شخصی و قلمروی عمومی وجود ندارد. خواست خداوند در هر دوی آنها یکسان جلوه می‌کند.

امّا ما ممکن است که نسبت به هر یک از این دو سطح اجتماع احساسی گوناگون داشته باشیم. این از آن رو است که ما از یک احساس جدایی میان روح و جسم، آنچه درونی است و آنچه بیرونی است، رنج می‌بریم. چالش ما این است که بر آن جدایی غلبه کنیم، و کاری کنیم که اجتماع شاهانه به گونه‌ای هر چه تمامتر صداقت و استواری اخلاق حریم اجتماع صمیمیِ هم پیمان را باز بتابد.

ذوب این دو جهان در یکدیگر مقتضی میزانی از ایثار است. این ممکن است به معنای آن باشد که در شن‌زار کاغذ بازی به سختی گام برداریم، و با کسانی که روی همان طول موج روحانی نیستند، شکیبایی کنیم. هر روز، ما باید با بردباری، اجتماعی را که در نهایت می‌خواهیم بیافرینیم از نو تصور کنیم، چنان که این اجتماع نسبت به آن چه آغاز کردیم نور و مهربانی عاشقانهٔ بیشتری را منعکس کند. این عملِ فداکارانه، طبیعت پیشکش به خدا است. در این وضعیت، ما نه برای گرفتن چیزی، بلکه برای پیشکش چیزی به کنیسا می‌رویم.

هر گاه چنین کنیم، حقیقتی دیگر نمایان می‌شود: سازمان‌های مذهبی جاهایی هستند که در آنها احتمال بیشتری دارد که ما آن چه را کبالا «همراهان» ما می‌خواند، یعنی کسانی که همان طُرُق روحانی را می‌پیمایند که ما راهی آنها هستیم، پیدا کنیم. بله، کسانی در کنیسا هستند که به دلایل بیرونی در آنجا حاضرند - به خاطر این که فرزندانشان در کلاس عبری هستند، و از این رو که در قبال ایمان والدین خود احساس وظیفه می‌کنند. امّا حتی همان دلایل، ریسمانی از ارتباط، نشانه‌ای از میل درونی به بودن در اجتماع هم پیمان است که در طول نسل‌ها امتداد دارد.

و البته بیشتر مردم به دلایلی بسیار عمیق‌تر در آنجا حاضرند. آنها هم جستجو کنند. هنگامی که شروع به نمایان ساختن خود به گونه‌ای عمیق‌تر بکنیم، ممکن است دریابیم که در یکی از همان جلسات پایان ناپذیر کمیته‌ای، یک «همراه» جدید کنار ما نشسته است.

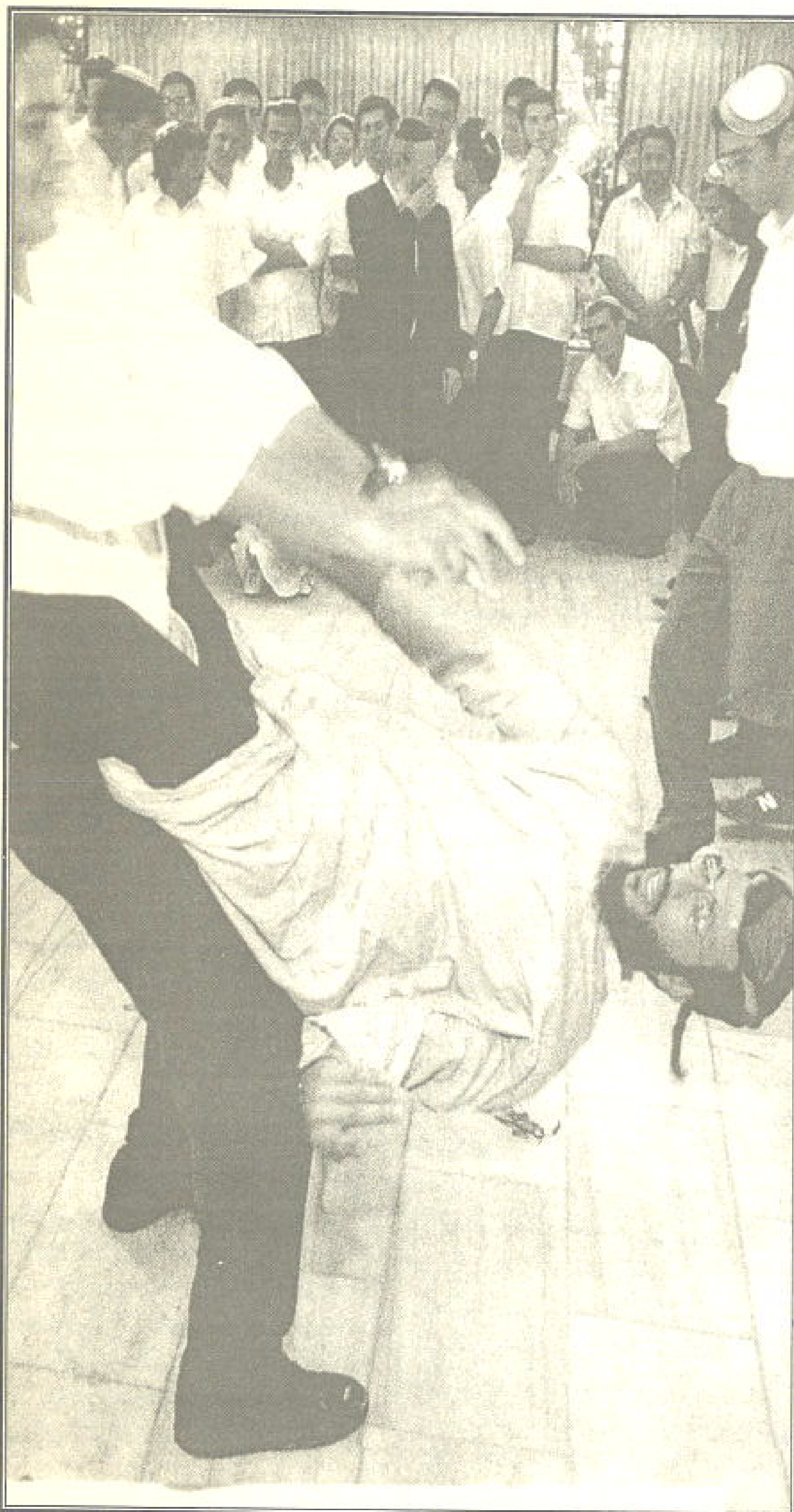
پس، پیش از آن که عضویت خود را لغو کنید، به رابطهٔ خود با مذهب رسمی نگاه کنید. برخی اوقات، ممکن است به این نتیجه برسید که پاسخگوی حساسی [برای شما] نیست، و ممکن است مجبور باشید برای جستجو جاهای دیگر بروید. امّا این امکان هم هست که شما، همان جا که هستید، راهی دیگر و آدمهایی دیگر را پیدا کنید که به شما کمک کنند مذهب سازمان یافتهٔ محلّی خود را به سطح یک موجود مذهبی زنده تحول تبدیل کنید - مرکز تابانی از شور زندگی، شعف، و امید. □

حکایتی واقعی

از حادثه‌ای کمیاب و افسانه‌ای

Once upon a Blue Moom

به قلم: دکتر لورا سلیزینگر *
برگردان: پیمان اخلاقی



* خانم دکتر لورا سلیزینگر (MFCC, PHD) از اعضای سابق کادر علوم زیست شناختی دانشگاه کالیفرنیای جنوبی (USC)، و کادر آموزش دورهٔ عالی و تخصّصی روانشناسی در دانشگاه پپردائین می‌باشد. سه کتاب به قلم او در زمرهٔ فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز در آمدند، و برنامهٔ رادیوی او با عنوان برنامهٔ دکتر لورا (The Dr. Laura Show) به طور رسمی از راه کانال‌های متعدد در سراسر کشور پخش می‌شود.

اغلب گفته‌ام که ازدواج رابطه‌ای از هم پیمانی، رابطه‌ای بر اساس توافق و تعهد میان یک مرد، یک زن، و خداوند می‌باشد. من همواره این سخن را با عشق، امید، و صداقت بر زبان آورده‌ام، امّا خود من هرگز حقیقتاً آن را احساس نکرده بودم، تا آن که اخیراً طی یک رخداد، تجربه‌ای را از سر گذراندم که مرا از جنبه‌های فراوانی که قادر به درک همهٔ آنها نیستم، دگرگون ساخت.

من به مذهب خود عشق می‌ورزم، امّا راستش هرگز احساس نکرده‌ام که خداوند مرا دوست دارد. حداقل نه به شیوهٔ ملموس کودکی که می‌گوید: «مامان! دوستت دارم!» احساس می‌کند.

من در ازدواج‌های دوست داشتنی فراوانی حاضر بوده‌ام که میان انسانهایی دوست داشتنی پیوندهای ازدواجی دوست داشتنی با خانواده‌هایی دوست داشتنی برقرار کرده است. همهٔ ما در چنین مراسمی حاضر بوده‌ایم. امّا آیا هرگز در جشن ازدواجی حاضر بوده‌اید، که طی آن، عملاً سِحر حضور الهی را چون بخشی از مراسم ازدواج احساس کرده باشید؟ نه آن که بخواهم تشبیه «**راد استرلینگ**» حرف بزنم، امّا باید بگویم که اخیراً در یک جشن ازدواجی شرکت کردم که در آن، برای نخستین بار در زندگیم، عملاً احساس کردم که خداوند در آن نقش دارد.

من نسبت به مذهب خود عشق می‌ورزم، امّا راستش هرگز احساس نکرده‌ام که خداوند مرا دوست دارد – حداقل نه به شیوه‌ای چنان ملموس کودکی که می‌گوید: «مامان، من ترا دوست دارم!»، احساس می‌کند. برای من، این جشن عروسیِ ویژه چون پلی بر فراز این خلاء بود.

این ازدواج میان یک ربای حاسید جوان، که از پیش او را می‌شناختم، و بانویی جوان از بروکلین برگزار شد. هر دو کاملاً مناسب یکدیگر بودند، و گویی که از ازل برای هم ساخته شده‌اند. آنها مجبور به انجام هیچ‌کاری نشده بودند. هر دو با یکدیگر آشنا شده بودند نه آنکه یک میلیون ساعت با یکدیگر حرف زده یا کمی بیشتر یکدیگر را دیده و یک میلیون ساعت دیگر با هم گفتگو کرده و پس از آن تا تصمیم خود را گرفته باشند. گویی پیوند آنان در آسمان‌ها بسته شده است. درست همان گونه که یکی از ربی‌ها گفت: **«آنان دو روح هستند که از سوی خداوند برگزیده شده‌اند تا به سوی یکدیگر بیایند».**

این نخستین ازدواج حاسیدی بود که در آن حاضر بودم، و طبیعتاً پرسش‌های فراوانی داشتم. چنان که به من توضیح داده شد، هر دوی آنان در روز ازدواج روزه می‌گیرند، چراکه این موقعیتی بسیار جدی است که طی **آن دو روح برای ابد، در پیوندی با خداوند و همهٔ بشریت، به یکدیگر ملحق می‌شوند.**

هنگامی که برای دیدن **داوْ** (داماد) پیش از مراسم ازدواج مسیر راهرو را طی کردم، او را در اتاقی بزرگ، میان گروهی از مردان حاسید یافتم. آن چه دیدم مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار داد: آنها در حال نیایش و سرود خواندن بودند. داماد، با آن که در تمام طول روز چیزی نخورده بود، بر نیایش خود متمرکز بود، و متون خود را می‌خواند. این یکی از عمیق‌ترین و مهم‌ترین گذرها در زندگی او است، حتی شاید بتوان گفت عمیق‌ترین و مهم‌ترین آنها است. این تا حد امکان از «جشن تجرّد» (**Bachelor Party**) فاصله دارد. این تمرکز روحانی حقیقی است.

در طول تاریخ، اندیشهٔ یهودیتِ ارتدوکس، مرد را تا هنگامی که ازدواج نکرده، ناکامل در نظر گرفته است. این زن است که قادر است به ارتباط روحانی بیشتری با خداوند دست یابد. مرد باید تلاش بسیار بیشتری بکند تا بتواند چنین ارتباطی را برقرار کند. با یکدیگر، روح‌های آن‌ها کامل می‌شوند.

یک نکته مسحور کنندهٔ دیگر قرارداد پیش از ازدواج است که قدمت آن به ۲۳۰۰ سال می‌رسد، و طی آن داماد همه چیز خود را پیشکش عروس می‌کند. روحش را، زندگیش را، دارایی‌اش را، خلاصه هر چه که دارد. امّا در قبال آن، عروس چه چیزی به او می‌دهد؟ پاسخ، آن گونه که من دوست دارم آن را بیان کنم این است: عروس آن چه را نهفته دارد نمایان می‌سازد.

در این فاصله، عروس در اتاقی مجزّا، در یک صندلی که به تخت شاهی می‌ماند، نشسته بود. دوستانم به من گفتند که باید به او تبریک بگوییم و دعای برکتی نثار او کنیم. من در پاسخ گفتم که دقایقی پیش او را در آسانسور دیده‌ام و به او گفته‌ام که چه اندازه زیبا به نظر می‌آید. امّا آنها گفتند: «نه، نه، نه!» این موقع، یعنی درست پیش از آن که یک زن ازدواج کند، هنگامی است که او نزدیک‌ترین ارتباط را با خداوند دارد. از همین روست، اگر هر چیزی از خداوند می‌خواهی، مثل یک دعا، وقت آن همیشه حالا است که از عروس بخواهی. او تقریباً شبیه یک کانال ارتباط است.» ارتباط با خداوند.

شخصاً، هر موقع که در فکر آن هستم که از خداوند چیزی بخواهم، نخستین چیزی که به ذهنم خطور می‌کند کودکانی هستند که به علت سرطان در بیمارستان‌ها بستری هستند - اگر خداوند آنها را بهبود ببخشد. من خودم می‌توانم هر طور شده زندگی خود را بگذرانم. غیر از این، هیچ چیز دیگری را از خداوند استدعا نمی‌کنم. آن دسته از دوستان من که عمیقاً متوسّل به نیایش هستند، هنگامی که این حرف را از من می‌شنوند، اغلب کلافه می‌شوند. امّا من صرفاً نمی‌توانم خودم را وادارم که کاری خودخواهانه انجام دهم و چیزی برای خودم بخواهم. از همین رو، به عروس نزدیک شدم و به طور خصوصی به او چیزی گفتم.

پس از آن، داماد که به سختی می‌توانست راه برود، به همراهی دو مرد که هر یک زیر یکی از بازوان او را گرفته بودند تا او را سر پا نگاه دارند، به داخل اتاق راهنمایی شد. من و داماد در جریان شرکت در برنامه‌هایی از خباد با یکدیگر آشنا شده‌ایم و با هم دوست هستیم: هنگامی که او را دیدم، فهمیدم که در حالی است که کاملاً دگرگون شده است. دیدن حالتی که بر چهره‌اش نقش بسته بود دوست داشتنی بود. قطره‌های اشک نیز در چشمان او حلقه بسته بودند. او به شدت با معنایی که این چیزها برای تمام ابدیت در بر داشتند تحت تأثیر قرار گرفته بود.

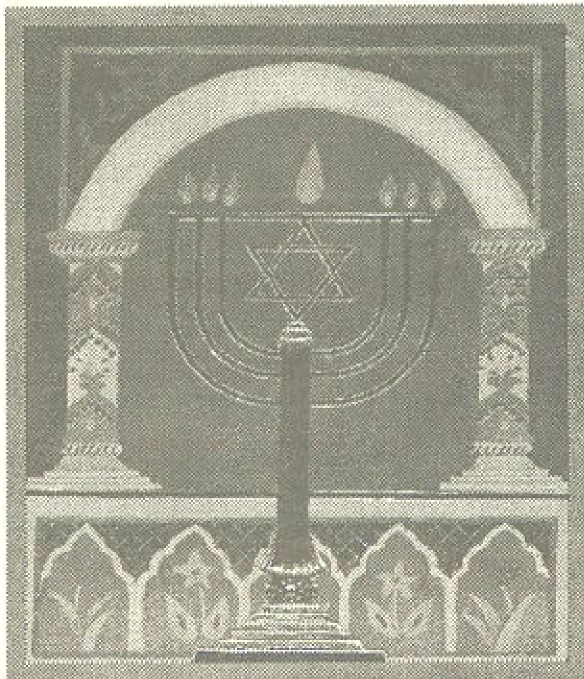
داماد هنگامی که به عروس نزدیک شد، روبند را بر چهرهٔ او قرار داد، چنان که عروس اصلاً قادر نبود از پس آن چیزی ببیند، از این لحظه به بعد، عروس با راهنمایی کسی دیگر گام برمی‌داشت، وگرنه به دیوارها اصابت می‌کرد. در اینجا به تعبیر فلسفی و روحانی‌ای که در پس این روبند نهفته است توجه کنید: **ما از این رو ازدواج می‌کنیم که به شدت به شخص دیگر علاقه پیدا کرده‌ایم، به نظر می‌رسد که آنها دقیقاً همان چیزی هستند که ما میخواهیم.** آنها زیبا، خوش قیافه به نظر می‌رسند، آنها این جور هستند، آنها آن جور هستند،...امّا ما واقعاً آنها را نمی‌شناسیم. ما حقیقتاً اعماق وجود آن دیگری را نمی‌شناسیم. این اعماق پنهان هستند، و برای آن که خود را آشکار سازند به زمان نیاز دارند. بر همین منوال، همهٔ ما جوانب تاریکی هم داریم که لزوماً آنها را نمایش نمی‌دهیم. بخشی از آیین پوشاندن چهرهٔ عروس مبتنی بر این است که داماد عروس زیبایش را نمی‌بیند، بلکه بر تمامیت آن چه که دارد و زندگی خود را با اعتماد به آن می‌سپرد، نظر افکنده است - و از آن جمله‌اند چیزهایی که نمی‌داند و قادر نیست ببیند. عروس نیز خود را به دست همان زندگی مشترک می‌سپارد.

در پی آن، مراسم به فضای باز، زیر آسمان پر ستاره، منتقل شد. داماد زیر خوپا ایستاد، و عروس هفت بار به دور او گردید تا قلعه‌ای بسازد که درون آن هستهٔ روحانی نیرومندی از عشق و سرسپردگی جای دارد. این نیروی زن است، چرا که او است که ارتباطی چنان نزدیک با خداوند دارد. هنگامی که عروس در زیر خوپا به داماد پیوست، آنها حتی یکدیگر را نبوسیدند. هیچ یک از حاضران چیزی پرتاب نکرد. فقط هنگامی که مراسم خاتمه یافت آنها به اتاقی رفتند تا تنها باشند، جایی که با یکدیگر روزهٔ خود را گشودند، دستان همدیگر را گرفتند و بوسه‌ای نثار هم کردند آن زمان نخستین باری بود که همدیگر را لمس می‌کردند.

دیدن این که چگونه همه چیز ویژگی خاص خود را داشت و درک این نکته که آفرینش این لحظهٔ ژرفناک و منقلب کننده به هزاران سال (بله، **هزاران سال**) زمان نیاز داشته است، باور نکردنی بود. آنجا، زیر چشمک ستارگان، من حقیقتاً حضور خداوند را احساس کردم. برای نخستین بار، فهمیدم که آنجا یک مرد و یک زن در حضور خداوند ایستاده‌اند. من وقوع آن حادثه را با چشمان خود دیدم. □



GLATT KOSHER



«گلات کوشر»

سازمان جشنها

پرسابقه ترین واولین
کیترینگ ایرانی درآمریکا

باتاسیس بزرگترین آشپزخانه

«گلات کوشر»

درکالیفرنیا زیرنظر ربانوت محترم ایرانی و
آمریکائی – به سرپرستی وزیرنظر مستقیم

RABBI
YEHUDA BUKSPAN

وباچندین سال سابقه کار دربرگزاری بزرگترین جشنها و میهمانیها دربسیاری از
هتل های درجه اول لوس آنجلس – تمپلها – ومنازل شما





سازمان جشنها

بامدیریت استثنائی بهزاد مسرور

میهمانیهای شمارا مجلل ، شاهانه ، وغیرقابل تصور برگزار میکند

غذاهای خوشمزه و **«گلات کوشر»** سازمان جشنها متفاوت ومتمایز ازهرغذای دیگری است



فراوانی ، قیمت های مناسب و بسیار ارزان
برای هرتعداد میهمان پذیرفته میشود

فقط به

سازمان جشنها

تلفن کنید

(818) 884-0054

راندوُ خارج از مذهب



برگردان: شهره نوفر

جمله «انتظار دارم که تو با یک یهودی ازدواج کنی» یا دیگر تکرار نمی‌شود و یا کسی به آن گوش نمی‌دهد. در اکثر اینگونه ازدواجها همسر غیریهودی به یهودیت نمی‌گرود و ۳/۴ کودکان این ازدواجها یهودی بزرگ نمی‌شوند.

هدر لوی دختر ۱۹ ساله مقیم مریلند، دختریست سرزنده و شاد و متکی به خود. او تا کنون فقط با پسرهای غیر یهودی رابطه دوستانه داشته و عقیده دارد که مذهب نباید سدی برای عاشق شدن باشد. او تصدیق می‌کند که مشکلات فرزندان زوجهایی که از دو مذهب هستند، بیشتر از سایرین است ولی خود را سالها دور از ازدواج می‌بیند.

هدر که سال قبل رابطه دو ساله و نیمه خود را با پسری غیر یهودی قطع کرده می‌گوید: «فقط با پسرهای یهودی بیرون رفتن، امکان انتخاب را برای من بسیار محدود می‌کند» مادرش خانم بورلی، نوشته‌های روی دیوار را بخوبی درک می‌کند.

دختر بزرگتر بورلی، لورا سال گذشته به ازدواج یک مسیحی در آمده است، بورلی هر روز با احساسات گوناگون خود را در جدال می‌بیند. هر کدام از احساسات و خواسته‌های گوناگون اثرات متفاوتی بروی حس تصمیم گیری او می‌گذارد. سعی بورلی در این است تا بهر قیمت شده توازنی بین یهودیت که در قلبش جای دارد و با آن بزرگ شده و مسیحیت که به خانه‌اش راه باز کرده بیابد. او هنوز آرزوی داشتن نوه‌های یهودی را غیر ممکن نمی‌داند.

بورلی آرزوی خود را اینگونه بیان می‌کند: «تا آنجایی که پاتریک همسر لورا به عقاید و مذهب ما احترام بگذارد و به لورا این امکان را بدهد که فرزندان آینده‌شان را یهودی بار بیاورند، من مشکلی نخواهم داشت». بورلی اعتراف می‌کند که همیشه آرزوی قلبیش داشتن داماد یهودی بوده ولی هیچ گاه این آرزو را با دخترش در میان نگذاشته است. گزارشها و آمارهای کنونی

پنج نکته مهم برای ازدواج یهودی پایدار:

۱ - همیشه به کودکانتان تذکر دهید که آنها می‌باید با یهودی ازدواج کنند و چراغ یهودیت را روشن نگاه دارند.

۲ - به آنها بگویید که سعی کنند با دوستان یهودی آشنا شوند و بازی کنند و بیرون بروند.

۳ - صحبت در این موارد را از کودکی آغاز کنید. وقتی کودکان به سن نوجوانی میرسند و یا شروع به دوستی و بیرون رفتن میکنند، معمولاً پیچ گوششان خاموش است.

۴ - خانه خود را یهودی کنید. غذاهای سنتی یهودی بپزید. مراسم شب شبات را با هم اجرا کنید. بخوص اعیادی که کودکان میتوانند در آنها شرکت مستقیم داشته باشند را بیاد داشته باشید. آوازهای عبری بخوانید و از اسباب بازیها و کتابهای یهودی در تعلیم و تربیت کودکانتان استفاده کنید.

۵ - فرزندانتان را به کلاسهای عبری بفرستید. در اردوهای تابستانی یهودی نام نویسی کنید تا از این راه بتوانند با سایر کودکان یهودی آشنا شوند.

نشان از آن دارد که تعداد ازدواجهای خارج از مذهبی «رو به فزونی است و از مرز ۵۰٪ نیز گذشته است. جمله «**انتظار دارم که تو با یک یهودی ازدواج کنی**» یا دیگر تکرار نمی‌شود و یا کسی به آن گوش نمی‌دهد. در اکثر اینگونه ازدواجها همسر غیریهودی به یهودیت نمی‌گرود و ۳/۴ کودکان این ازدواجها یهودی بزرگ نمی‌شوند.

شب‌های شبات موعد نیسان‌ها، روش هشاناها و روزهای کیپور، نوای خواندن توراه که دخترهای برای آماده شدن بخاطر بت میتصوایشان هر روز تمرین می‌کردند، همگی به خانه لوی‌ها گرمی بخشیده است.

فاصله بین بورلی و دخترهایش نه تنها یک نسل، بلکه یک دنیاست. هدر در جامعه‌ای رشد یافته که فردیت جوانان را محترم می‌شماردند و آزادی فکر و عقیده را ارج می‌نهاده‌اند. او در خانواده‌ای به دنیا آمده و رشد یافته که والدینش بر این فرض بودند که چون یهودی به دنیا آمده‌اند، یهودی باقی خواهند ماند و فرزندانشان نیز با یهودی ازدواج کرده و این زنجیر یهودیت را بیشتر خواهند تافت.

پدر بورلی یهودی‌ای ارتدکس بوده و به زبان ساده و بدون تعارف بارها به او گوشزد کرده بوده که حتی خیال ازدواج با غیر یهودی نیز در خانواده آنان غیر قابل قبول می‌باشد. لورای ۲۷ ساله می‌گوید: «من و خواهرم در خانواده‌ای رشد یافته‌ایم که می‌دانستیم پدر و مادرمان به ما عشق می‌ورزند و نه تنها به ما آزادی انتخاب می‌دهند بلکه ما را در انتخابمان نیز پشتیبانی می‌کنند». وقتی من به پاتریک گفتم که می‌خواهم او را به خانواده‌ام معرفی کنم می‌دانستم او بخوبی درک خواهد کرد که من از زندگی آینده‌ام چه انتظاری دارم». لورا و همسرش به مذهب و اعتقادات یکدیگر احترام می‌گذارند. آنها نه تنها پسخ را جشن می‌گیرند و شمع‌های حنوکا را روشن می‌کنند بلکه عید پاک را نیز جشن می‌گیرند و درخت کریسمس را هم تزئین می‌کنند. لورا اضافه می‌کند: «همسرم می‌داند که یهودیت برای من بیشتر جنبه اعتقاد را دارد نه رسم و ما به عنوان یک خانواده یهودیت راگرامی می‌داریم».

بورلی عقیده دارد که خاطرات یهودی بودن قسمتی از یهودیت است و یهودی ماندن رابطه بسیار نزدیکی نیز با آنها دارد. به همین دلیل لورا و پاتریک نیز سعی دارند که برای خود خاطرات یهودی بیابند.

بورلی با افتخار می‌گوید که وقتی لورا به موقع برای روشن کردن شمعهای حنوکا به خانه نرسیده همسرش نه تنها شمعهای حنوکا را روشن کرده بلکه براخا نیز گفته است.

* * *

«**من از تو انتظار دارم که با یهودی ازدواج کنی و یهودی باقی بمانی**» این یکی از ده موردی است که به گفتهٔ ربای **Jack Moline** والدین می‌باید مرتب به فرزندانشان گوشزد کنند. او عقیده دارد که این موضوع باید قبل از اینکه کودکان به سن بلوغ برسند و یا به راندو بروند با آنان در میان گذاشته شود. برای برداشت از میوه یهودیت باید تخم آنرا سالها قبل کاشت.

برای والدینی که از آینده مبهم بیم دارند باید خاطر نشان کرد که (نه) گفتن نه تنها دلیل قانع کننده‌ای نیست بلکه باعث شروع

ستیزه‌جویی از طرف نوجوانان نیز می‌گردد. قوانین خانواده خود را بدون خجالت و واضح بیان کنید.

جالب اینجاست که والدین همیشه با کودکان و نوجوانان در مورد ارزشهای مختلف در زندگی، کار، تحصیل، دوستی و وفاداری با آنها به گفتگو می‌نشینند ولی بندرت در مورد ارزشهای خانوادگی و مذهب و آینده بدون آنها با آنان به گفتگو می‌پردازند.

با این وجود روانشناسان، مسئولان آموزش و پرورش و ربائوت زیاد باور ندارند که آینده مذهبی نسل آینده رابطه مستقیمی با آموزش مذهبی در کودک دارد.

Ellen Roy Rosenthal از یهودیان رفروم اهل مریلند عقیده دارند که یهودیت به آنها حس غرور و خود اتکایی می‌دهد. به همین دلیل سه دختر خانواده که در مدارس دولتی درس می‌خوانند هفته‌ای چند روز در کلاسهای عبری بعد از ظهر کنیسای محل شرکت می‌کرده‌اند. دختر بزرگ خانواده به ازدواج یک یهودی در آمده و او عقیده دارد که یهودی بودن دامادش اثر بسیار بزرگی در انتخاب و تصمیم‌گیری دخترش داشته است.

هلن **Ellen** یادآور می‌شود که او همیشه به یهودی بودنش افتخار می‌کرده و به هیچ کس هم بخاطر یهودی بودنش بدهی نداشته است. او اضافه می‌کند: «با وجودی که دخترانم به مدارس دولتی می‌رفته‌اند ولی من همیشه دخترانم را به شکل سفیران یهودی در نظر می‌آورم که مسئول آشنا کردن غیر یهودیان با یهودیت هستند». **Roy** اضافه می‌کند: «ما همیشه به دخترانمان گوشزد می‌کرده‌ایم که ازدواج و پایدار ماندن در ازدواج کار آسانی نیست و ازدواج با غیر یهودی این مشکل را دو چندان خواهد کرد».

آینده نگری در دید جوانان در بسیاری از مواقع، احمقانه به نظر می‌آید: «پدر و مادری که می‌خواهند بدانند فرزندانشان با چه کسانی معاشرت دارند و بیرون می‌روند در بسیاری از مواقع جواب خواهند شنید که: «من فقط با او بیرون می‌روم، نمی‌خواهم که عروسی کنیم!».

در بسیاری از مواقع گفتگو در مورد آینده و ازدواج به یهودی منجر به پرخاش بین نوجوانان و والدین می‌گردد. به نتیجه قطعی رسیدن در این گفتگوها به معنی شکست و باختن نیست و در مواقع گوناگون می‌باید این موضوع دوباره به آنها گوشزد شود.

آیلین کوپر Iyleen Cooper از اهالی واشنگتن زندگی خود و فرزندانش را اینگونه توجیه می‌کند: «از کودکی یهودیت قسمتی از وجود من بوده است. بنابراین قبل از آشنایی با همسرم ازدواج با غیر یهودی هیچ‌گاه در فکرم نگنجیده بود و به همین جهت با همسرم که یهودی است ازدواج کردم. به هنگامی که



دختر و پسرم بزرگ می‌شدند ما در ایالت **Minnesota** زندگی می‌کردیم و آن‌ها تنها یهودیان مدرسه بودند. با این وجود هر دو تعلیمات یهودی را بعد از مدرسه می‌گرفتند. من و همسرم هر دو از فعالان کنیسای شهر خود بودیم. بعدها که به مریلند آمدیم فرزندانم توانستند با یهودیان بیشتری در مدرسه آشنا شوند.

من هیچگاه گفتگویی جدی با فرزندانم راجع به مسئله ازدواج و یهودی بودن زوج آینده آنها نداشتم. از آنجایی که پدر و مادرم نیز هیچ گاه در این مورد با من صحبت نکرده بودند، آنرا امری طبیعی می‌دانستم. در ضمن نمی‌خواستم بخصوص بعد از اینکه فرزندانم وارد دانشگاه شده بودند در تصمیم‌گیریهای آنها دخالت کنم. وقتی روزی احساس کردم که دوستی دخترم با یک غیر یهودی جدی شده است با او درباره نتایج آینده ازدواج با یک غیر یهودی صحبت کردم. در میان صحبت‌ها دریافتم که دخترم هیچگاه با دوست پسر خود راجع به آینده، بچه‌دار شدن و چگونگی تربیت فرزندان آینده‌شان حرفی به میان نیاورده است. چند هفته بعد که دخترم با او به گفتگو نشسته بود معلوم گردید که او هرگز دلش نمی‌خواسته که فرزندان آینده‌شان یهودی بزرگ شوند. یک هفته بعد از این موضوع دوستی آنان به انتهای خط خود رسید. با وجودیکه همه بر این امر واقفند که بقای یهودیت رابطه مستقیمی با یهودی آموزی و رابطه والدین با فرزندان دارد، متأسفانه این داستان هر روزه میان زوجهای نیمه یهودی تکرار می‌شود. حتی در میان زوجهای یهودی که ارزش یهودیت را به کودکانشان گوشزد نمی‌کنند، یهودی ماندن نسل آینده خوش فرجام‌گرا، به نظر نمی‌رسد. با وجود همه اینها خانم کوپر هنوز عقیده دارد که نوجوانان می‌باید با بالهای گسترده به استقبال آینده بروند و زندگی را همانطور که هست تجربه کنند. **«راندوُ خارج از مذهب می‌باید هشداری برای زندگی آینده باشد».**

Heather Levy که در زمان دبیرستان فقط با پسرهای غیر یهودی بیرون می‌رفت و بعد از ورودش به دبیرستان رفتن به کلاسهای بنی بریت و جلسه‌های جوانان یهودی را وقت تلف کردن می‌پنداشته، اینروزها ساز دیگری می‌زند.

Heather سال قبل وارد دانشگاه ایالتی شد. او از کلاسهای عبری بعد از ظهرها و هنگامی که برای بت میتصوایش حاضر می‌شده را بعنوان خاطرات شیرین گذشته یاد می‌کند. صورت مادرش را به هنگام روشن کردن شمعهای شبات و یادبود و خواندن براخا را روحانی توجیه می‌کند. او همه اینها را جزو خاطرات بیاد ماندنی دوران کودکی و نوجوانی‌اش می‌داند.

سال قبل، بعد از ترک خانه پدری و ورودش به دانشگاه بطور غیر منتظره‌ای خود را آماده رفتن به کنیسا حس کرد و این بار با میل و علاقه و بدون فشار از طرف پدر و مادر در جلسات و مراسم شبات شرکت می‌کند. برای اولین بار با پسری یهودی دوست شده مرتب با یکدیگر به جلسات «هلیل» می‌روند. به نظر **Heather** در «هلیل» همه وجه مشترک تاریخی، احساسی، اعتقادی و سنتی دارند. حتی داستانهای خانوادگی و شوخی‌ها هم آشنا بنظر می‌رسد **Heather** دوباره به آغوش اجتماعی که از آن گریخته بود بازگشته است. □

شرح حالی از دو بانوی عالیقدر

سازمان بانوان شهر لس آنجلس مجلس بزرگداشت آنان را اخیراً برگزار نمود

دکتر مهوش نوازش



دکتر مهوش نوازش در شهر شیراز در سال ۱۹۵۳ متولد شد. مهوش بعد از گذراندن دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه در شیراز در سال ۱۹۷۷ موفق به اخذ درجه دکترای دندان پزشکی با دریافت عنوان دانشجوی ممتاز در این رشته از دانشگاه پهلوی شیراز شد.

وی در سال ۱۹۷۸ در رشته دندان پزشکی عمومی **General practise Residency** و در سال ۱۹۸۰ در رشته دندان پزشکی دهان و دندان **Oral Medicine** و در سال ۱۹۸۱ در رشته تحقیقات کلینیکی **Clinical Research Investigation** موفق به اخذ مدرک گردید. او با گذراندن امتحان بورد با عنوان ممتازترین کاندید، موفق به اخذ عنوان دیپلمات در آکادمی دهان و دندان شد و در سال ۱۹۸۳ درجه دکترای دندان پزشکی عمومی را از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. وی اولین دندان پزشکی بود که در سال ۱۹۸۳ به داشتن عنوان **Clinical Associate Physician** از **National Institute of Health** نایل آمد.

دکتر مهوش در سال ۱۹۸۵ با سمت استادیار بخش دندان پزشکی در دانشگاه تمپل **Temple** مشغول بکار شد. او در سال ۱۹۸۶ به بقیه افراد خانواده خود در لوس آنجلس پیوست. سپس با سمت استادیار در بخش دندان پزشکی دانشگاه **U.S.C.** شروع به کار کرد و همزمان با آن به عنوان سخنران میهمان در دانشگاه **U.C.L.A.** به تدریس دندان پزشکی مشغول شد و در سال ۱۹۸۸ ریاست کلینیک دهان و دندان بخش دندان پزشکی دانشگاه **U.S.C.** را دارا شد. مهوش در سال ۱۹۹۰ رئیس بخش **Oral Diognosis and Patient Admitting** و در سال ۱۹۹۳ رئیس بخش **Fair Section of Oral Medicine and Oral Diognosis** گردید. در سال ۱۹۹۵ به مقام ریاست بخش **Medical Affairs** و معاونت بخش **DMPH** نایل شد. مهوش در سال ۱۹۹۶ استاد بخش **Oral Medicin** و در سال ۱۹۹۷ به سبب دارا بودن تحصیلات ویژه و خاص دندان پزشکی با تقاضای جامعه دندان پزشکان برجسته به عضویت این سازمان جهانی در آمد.

رشته مورد علاقه مهوش در زمینه تحقیقات دندان پزشکی شامل غدد مترشحه دهان و بیماریهای ناشی از اختلال چشایی می‌باشد. او در این زمینه‌ها بطور مفصل تحقیق کرده و مقالاتی ارائه داده که در ژورنالهای دندان پزشکی به چاپ رسیده است. در این موارد مهوش سخنرانی‌های بسیاری نیز نموده است. او راه حل‌های جدیدی برای تشخیص و درمان خشکی دهان ارائه داده است و در این مورد دکتر نوازش در خارج و داخل آمریکا شناخت شده و مورد تحسین می‌باشد. دکتر نوازش اخیراً مشغول تحقیق و بررسی رابطه بیماری ایدز و آلودگی ویروس **H.I.V.** و غدد مترشحه دهان می‌باشد.

وی علاقه فراوان به تدریس دارد و از نقطه نظر تدریس بارها از طرف دانشگاه **U.S.C.** عنوان بهترین استاد به او تعلق گرفته است. دکتر نوازش عضو ۱۲ سازمان برجسته مخصوص دندان پزشکان در داخل و خارج آمریکا است. □

دکتر مینو بینا



مینو بینا در ۱۱۵ کتبر ۱۹۴۵ برابر با ۲۳ مهر ۱۳۲۴ در تهران متولد شد.

مینو بینا دوره دبستان و دبیرستان را در مدرسه فرانسوی ژاندارک و دبیرستان رازی به دو زبان فارسی و فرانسه به اتمام رساند.

مینو پس از مهاجرت به آمریکا در سال ۱۹۶۶ تحصیلات خود را در دانشگاه‌های

امریکا ادامه داد و لیسانس خود را از دانشگاه تمپل Temple University در سال ۱۹۷۰ و دکترای شیمی و بیوفیزیک را از دانشگاه یل Yale University در سال ۱۹۷۴ دریافت کرد.

تمرکز تحقیقات او در دانشگاه یل درباره Structure of RNA in solution بوده است. پس از دریافت دکترا، مینو بینا برای گسترش وسعت تحقیقات در رشته بیولوژی به National Institute of Health (NIH) رفت و مدت پنج سال تحقیقات خود را در آزمایشگاه‌های معتبر در NIH ادامه داد. در طی آن زمان او رشته تحقیقاتی جدیدی دربارهٔ:

DNA Computation and Chromosome Structure و Regulation of Genes شروع کرد. سپس دکتر مینو بینا در دانشگاه پردو دو موضوع مورد علاقه خود را که عشق به تعلیم جوانان و تحقیقات علمی بود ادامه داد.

مینو بینا، همسرش دکتر آرنولد ستاین Dr. Arnold Stein را در دانشگاه تمپل ملاقات کرد و به مرور زمان علاقه مشترک به تحقیقات علمی آن دو را بیکدیگر نزدیک کرد در حال حاضر دکتر مینو بینا و همسرش در دانشگاه پردو به تدریس و تحقیق مشغول هستند و هر دو موفق به انتشار چند مقاله مشترک علمی شدند. دکتر ستاین در دانشکده بیولوژی و دکتر بینا در دانشکده شیمی تدریس می‌کنند. او پس از ارتقاء رتبه در رشته‌های مختلف علمی و تدریس، به مقام پروفسوری نائل گردید. ایشان پس از مستقر شدن در مقام استادی در دانشگاه، به فعالیت‌های موفق آمیزی برای پذیرش زنان دانشمند در رشته‌های مختلف علمی و بخصوص در رشته شیمی دست زده و درهای جدیدی را برای ارتقاء زنان به مقامهای استادی باز کرد.

از جمله موفقیت‌های پروفسور مینو بینا انتشار مقالات متعدد علمی در مجلات برگزیده علمی است. در حال حاضر موضوع تحقیقات او مطالعه ژن و کنترل HIV-1 میباشد. هدف کلی این تحقیقات شناختن نحوه ترادف عناصر DNA در Gene انسانی میباشد.

پروفسور مینو بینا عضو انجمن‌های علمی زیر هستند:

American Association for the Advancement of Science.
American Chemical Society.
American Society of Biological Chemistry and Molecular Biology.
American Society of Cell Biology.
American Society of Microbiology.
Biophysical society.
The New York Academy of Sciences.

پروفسور مینو بینا مفتخر به دریافت جوایزی در رشته شیمی و سرطان هست. پروفسور مینو بینا علاقه عمیقی به تدریس دارد و معتقد است که از طریق تدریس و دانش می‌تواند هدیه‌های معنوی و بی نظیری که از والدین، خانواده، دوستان و استادان دریافت کرده به نسل آینده منتقل کند. □

یهودیت در نیمه راه استقلال

ارکان پنجگانهٔ یهودیت

۲ - تورات، آموزشگر بزرگ

دستاوردی از بنیاد فرهنگی لوی
نوشتهٔ: دکتر هوشنگ ابرامی

تورات، مادر ارکان یهودیت است چراکه ارکان دیگر، از جمله اعتقاد به خدای یکتاکه نظر به اهمیت آن در آغاز بدان اشاره داشتیم، پایه در کتاب مقدس دارند. تورات، تنهاکتاب قانون نیست. رهگشا و رهنمای زندگی است. این سند والای یهودیت به آدمی جهانشناسی و جامعه شناسی و اقتصاد و آمار و پزشکی و بهداشت و روابط اجتماعی و تاریخ و حقوق و انساندوستی می‌آموزد و سایه مهر و انسانیت را بر جامعه می‌گستراند. تورات آموزشگر زندگی است: کسی که خود را یهودی می‌داند ناگزیر است که از عمق و گستردگی این کتاب عظیم آگاه باشد.

تورات کتبی

کتابت در یهودیت اهمیتی بسزا دارد و از اینرو عالمان مذهبی ما میان تورات کَتبی یعنی اسفار پنجگانه و تورات شفاهی که بعداً به صورت تلمود و دیگر منابع مذهبی تدوین گردید تفاوت قائلند. ما در این مقال فقط به تورات کتبی توجه داریم. موسی، در بین ادیان توحیدی تنها پیامبریست که در زمان حیاتش اثر کتبی از خود بجای گذاشت. کتابت فقط با قلم و کاغذ یا حروف و چاپ انجام نمی‌گیرد. هر نوشته‌ای با هر وسیله‌ای بر هر جنس و ماده‌ای نقش پذیرد کتابت است. اهمیت کتابت در دین یهود بدان حد است که ده فرمان به روی الواح بر قوم نازل شد. و چون الواح نخستین خُرد گردید موسی، مرد خردمندی که می‌توانست بسادگی همان فرمانها را برای «فرزندان اسرائیل» از حفظ بخواند چهل شبانه روز دیگر میان کوه رنج



گرسنگی و تشنگی و خستگی را بر خود پذیرفت تا آنکه توانست بار دیگر «ده فرمان کتبی» را به نخستین پیروان خدا ارمغان دهد. در تورات که از همان آغاز عطای ده فرمان، پس از اعتقاد و پرستش خدا عنصر «خانواده» مطرح می‌گردد، صریحاً دستور داده می‌شود که ازدواج باید با عقد شرعی یعنی قرارداد کتبی باشد (لاویان ۱۹:۲۹) و نیز اگر قرار است طلاق انجام گیرد آن نیز باید بصورت کتبی عمل شود (دواریم ۲۴:۱). در اسفار پنجگانه، پنج بار گفته شده است که

موسی قوانین و فرامین الهی را به نوشته در آورده است (خروج ۱۷:۱۴، ۲۴:۴ و ۲۸-۳۴:۲۷، اعداد ۳۳:۲، دواریم ۲۶-۲۴ و ۳۱:۹). همهٔ اینها و شواهد دیگر نشانگر این واقعیت است که «کتابت» در یهودیت جایگاهی ویژه دارد. در دوران دراز پراکندگی از جمله بحثهای میان پیشوایان دینی و در نتیجه شاخه شاخه شدن یهودیت مسئله بودن و نبودن نکاتی خاص در تورات کتبی و تفاسیر و تعابیر گوناگون بر پاره‌هایی از آن بوده است. از فریسیان و صدوقیان دوران کهن گرفته تا بنیادگرایان و نوگرایان امروزین، این جدالها همیشه ادامه داشته است.

اسفار پنجگانه یا تورات کتبی محک درستی یا نادرستی تمامی گفته‌ها و نوشته‌ها دربارهٔ دین یهود است، از شیوخ بزرگواری که تلمود را فراهم آوردند تا آن ملایان کم سواد محله‌ها، از عالم ارجمندی چون هارامبام تا آن شاگرد مکتب کبالیسم و از استاد برجسته‌ای که در دانشگاهی معتبر درس یهودیت می‌دهد تا آن بانوی خانه‌داری که یهودیت را فقط در دیدن روی تورات می‌داند، هر کدام اگر بر فرض سخنی بگویند که بوی خرافات دهد بر خلاف تعالیم تورات سخن گفته‌اند. چراکه تورات کتبی دشمن سرسخت هرگونه اندیشه و عمل خرافه‌آمیز است. سند کتبی استواری که ما در دست داریم رهنمای ما در زندگی همهٔ نسلها است. این سند نه ما را در سیر قهقهرائی می‌خواهد و نه اجازهٔ بی بند و باری و هرج و مرج به ما میدهد و دریغا که در دنیای امروز، ما یهودیان روی بسوی هر دو قطب داریم.

۶۱۳ میتصوا

بزرگان ما شماره‌های فرامین تورات را ۶۱۳ نوشته‌اند. ۲۴۸ دستور مثبت یا امر به انجام کار خوب و ۳۶۵ دستور منفی یا نهی از انجام کار بد. شمارهٔ دستورات مثبت مطابق اعضای بدن انسان است و شمارهٔ دستورات منفی برابر با ایام سال، با همهٔ اختلاف عقیده‌هایی که بین دو قطب تند روی یهودیان وجود دارد هر دو دسته به ویژه بنیادگرایان معتقدند که به سبب انهدام بیت همیقداش، عدم ظهور ماشیح و اینکه قوم هنوز زیر بار سنگین گناهان گذشته سر می‌کند، بسیاری از این میتصواها چه آنهاکه امر به کار خوبند و چه آندسته که نهی از کار بدند در عصر ما کاربرد عملی ندارند.

به عنوان نمونه این دستور که کاهنان هر روز باید در معبد شمع روشن کنند (شمارهٔ ۲۵ مثبت، خروج ۲۷:۲۱) یا هر مادری پس از تولد نوزادش باید هدیه قربانی به بیت همیقداش بیاورد (شمارهٔ ۷۶ مثبت، لویان ۱۲:۶) یا عدم وقفه در حفاظت از بیت همیقداش (شمارهٔ ۶۷ منفی، اعداد ۱۸:۵) و یا عدم فروش زن اسیر به عنوان برده (شمارهٔ ۲۶۳ منفی، دواریم ۲۱:۱۴) و بسیاری دیگر از دستورها در عصر ما از دایره عمل بدور افتاده‌اند. شگفت‌آور می‌نماید که بگوییم جمع اینگونه دستورات را تا ۳۲۳ دانسته‌اند و آنچه برای عصر ما باقی گذارده‌اند ۹۰ دستور مثبت و ۲۰۰ دستور منفی است. در همین ۲۹۰ دستور مواردی هست که یک فرمان معین در هر دو دستهٔ مثبت و منفی آمده است. مثلاً یهودی باید تنها به وجود خدای یکتا اعتقاد داشته باشد (شماره ۱ مثبت، خروج ۲۰:۲) و یهودی نباید جز به خدای واحد اعتقاد به معبود دیگر داشته باشد (شمارهٔ ۱ منفی، خروج ۲۰:۳).

با استفاده از خلاصهٔ تقسیم بندی هارامبام در کتاب ספר המצוות او که متن انگلیسی آن در دانشنامه جودائیکا زیر عنوان (Commandments, the 613) آمده و ترجمه فارسی آن توسط «بهرام آقالرپور» با عنوان «کتاب فرمان‌ها یا ۶۱۳ میتصووت تورات مقدس» منتشر شده و با حفظ دقیق یکایک شماره‌های ۲۹۰ میتصوا می‌توان آنها را در اینجا در دوگروه تقسیم بندی موضوعی کرد. گروه اوّل راکه جنبهٔ فردی دارند و در دایره‌ای قرار می‌گیرندکه دین را به عنوان یک مسئله درونی مطرح می‌کنند و یا به طبقهٔ خاصی از جامعه مانند روحانیان تعلق می‌پذیرند «انفرادی» می‌خوانیم و گروه دوّم راکه از روابط انسانها سخن می‌گویند «اجتماعی» می‌نامیم. تا حدی می‌توان گفت گروه اول میتصواها رابطه انسان با خدا را باز می‌گویند و گروه دوّم رابطه انسان با انسان را. تورات در تلاش است تا یک جامعه ایده‌آل نمونه بوجود آورد. هدف نهایی آن، ایجاد جامعه‌ای از انسانهاست که با حفظ قوانین، همچون طبیعت و کائنات، تحت نظم در آیند. تورات در دستورات گروه اوّل آموزش می‌دهد که چگونه باید دوستی را از طریق عشق به خدا آموخت و آنگاه فرد را متوجه آن می‌کند که همنوع خود را دوست بدارد. یهودیت، در حد کمال آن، صرفاً ستایش خدا به تنهایی و انتظار بی حد و حصر از او نیست. این دستورات اجتماعی است که در نهایت مورد نظر یهودیت است.

گروه انفرادی

۱ - **خدا پرستی** - اعتقاد به خدای یگانه و پرستش او، پیروی از فرامین خدا و نیایش به درگاه او، فراگیری و آموختن تورات، یوم کیپور، تفیلین، صیصیت، مزوزا، تقدس شبات و دوری از کار در روزهای مقدس، عدم اعتقاد به هر گونه بت، تحریم بت سازی و بت پرستی، پرهیز از بت پرستان.

الف - ۲۹ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۱۵ - ۱، ۵۵ - ۱۵۴، ۱۵۹-۶۷ و ۱۷۲.

ب - ۴۳ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۶-۱، ۲۱-۱۰، ۲۵-۲۷، ۳۰، ۴۷، ۵۱ -۵۰، ۶۵-۶۰، ۱۴-۳۱۳ و ۲۹-۳۲۰.

۲ - **حفظ تاریخ** - بیاد سپردن رویدادهای تاریخی قوم یهود. برگزاری اعیاد سه گانه پسح، سوکوت و شاووعوت، اجرای مراسم رش هشانا، ندای شوفار و پیوستگی نسل جدید باگذشته‌اش.

الف - ۵ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۵۴، ۱۵۷ و ۷۰-۱۶۹.

ب - ۴ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۴۶، ۵۹، ۲۰۰ و ۲۰۱

۳ - **کاهنان و قاضیان** - دعا از برای جماعت توسّط پیشوایان

روحانی، سهم کاهنان، رأی اکثریت در بت دین، اجرای عدالت مطلق و عدم تبعیض در قضاوت، بررسی دقیق در دادرسی، بیطرفی کامل قاضی و عدم پذیرش هدیه از طرفین دعوا، بی توجهی به دارایی یا ناداری و یا خوشنامی و بد نامی افراد در امر قضاوت، عدم توجه به شهادت بستگان طرفین دعوا.

الف - ۹ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۲۶، ۴۴-۱۴۳، ۷۷-۱۷۴ و ۸۰-۱۷۹.

ب - ۲۲ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۸۸-۲۷۳، ۹۲-۲۹۰ و ۹۶-۲۹۴.

۴ - خوراک و پوشاک - آنچه می‌توان خورد و آنچه نباید خورد. دستورات خوراکی در ایام معین از سال، ذبح حیوانات حلال گوشت، قوانین کشروت، گوشت و لبنیات، خوراکها و آشامیدنیهای ناپاک، جدایی جامه زنان از مردان، پارچه تولید شده از پشم و پنبه.

الف - ۱۰ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۵۸، ۹۸، ۴۷-۱۴۶، ۵۲-۱۴۹، ۱۵۶ و ۱۵۸.

ب - ۲۸ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۴۰-۳۹، ۴۲، ۱۰۱، ۸۱-۱۷۲، ۸۷-۱۸۳، ۹۱-۱۸۹ و ۹۹-۱۹۴.

۵ - سلامت تن و جان و پاکی معنوی و جسمی - محافظت از بدن و لطمه نزدن به آن حتی از طریق خالکوبی و یا چنگ زدن بر سر و سینه هنگام عزاداری، دوری از منابع عفونت مانند اجساد مردگان، علائم ناپاکی در زنان و مردان. تلاش در نجات کسی که جانش در خطر است، حفظ حیات آدمی.

الف - ۸ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۷-۹۶، ۱۰۰-۹۹، ۵-۱۰۴، ۱۰۷ و ۱۰۹.

ب - ۹ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۴۱، ۵-۴۳، ۱۷۱، ۲۸۹، ۸-۲۹۷ و ۳۰۰.

گروه اجتماعی

۱ - خانواده - اهمیت عقد شرعی وکتبی بودن ازدواج و طلاق، آیین زناشویی، داشتن اولاد و ازدیاد نسل، مقام پدر و مادر، حمایت از همسر، آزادی در انتخاب همسر، منع ازدواج با خویشان، روابط جنسی سالم، منع نزدیکی با حیوانات، منع همجنس بازی، منع ازدواج با کافران.

الف - ۸ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۱۶-۲۱۰ و ۲۲۲.

ب - ۳۴ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۳-۵۲، ۱۹-۳۱۸، ۵۷-۳۳۰ و ۶۱-۳۶۰.

۲ - گرویدن به دین یهود - پذیرش دیگران به یهودیت، تساوی حقوقی «نو یهودیان» با سایر یهودیان و حفظ احترام آنان.

الف - ۱ دستور مثبت: میتصوای شمارهٔ ۲۰۷.

ب - ۴ دستور منفی: میتصواهای شماره ۵۵-۵۴ و ۵۳-۲۵۲.

۳ - روابط بازرگانی و مالی - درستکاری در داد و ستد. احترام به مالکیت فردی، قوانین وام و بهره، وام بدون بهره به نیازمندان، حقوق کارگران، جبران خسارت، دیون مشمول مرور زمان، عدم اعمال زور و تهدید در وصول طلب، اجتناب از نیرنگ و فریب در معاملات، احتراز از تقلب و غصب اموال دیگران.

الف - ۷ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۱۹۴، ۸-۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۸ و ۲۴۱.

ب - ۲۳ دستور منفی: میتصواهای شماره ۳۱-۲۳۰، ۴۰-۲۳۴، ۴۹-۲۴۴، ۵۱-۲۵۰، ۶۶-۲۶۵، ۶۹-۲۶۸ و ۷۲-۲۷۱.

۴ - رهایی از بند موهومات و ستیز با منادیان خرافات - کیفر شدید برای ساحران و جادوگران، گریز از خرافات و طلسم و جادو و جنبل و فالگویی و طالع بینی و پیشگویی و احضار ارواح.

الف - دستور مثبت (؟)

ب - ۱۰ دستور منفی: میتصواهای شمارهٔ ۹-۸ و ۳۸-۳۱.

۵ - اعتلای انسانیت - قبول وجود دیگران، صلح با ملل دیگر، نوعدوستی، شهامت در اعتراف به گناه، پایداری در قول و تعهد و دوری از پیمان شکنی، یاری به دیگران در بر حذر داشتن از ارتکاب گناه، احترام به بزرگان و خردمندان، راستگویی و صداقت، حفظ جان و مال دیگران، کمک به نیازمندان، مدد به آنها که نقص جسمی و فکری دارند، حمایت از جانداران، احتراز از گمراه کردن همنوعان، دلیری و بیباکی در مبارزه، دوری از حسد و چشم تنگی و سخن چینی و نفرت و شرمنده ساختن دیگران وکینه توزی و انتقام جویی و ناسزا گویی و فریب و خشونت و نادیده گرفتن در کمک رسانی.

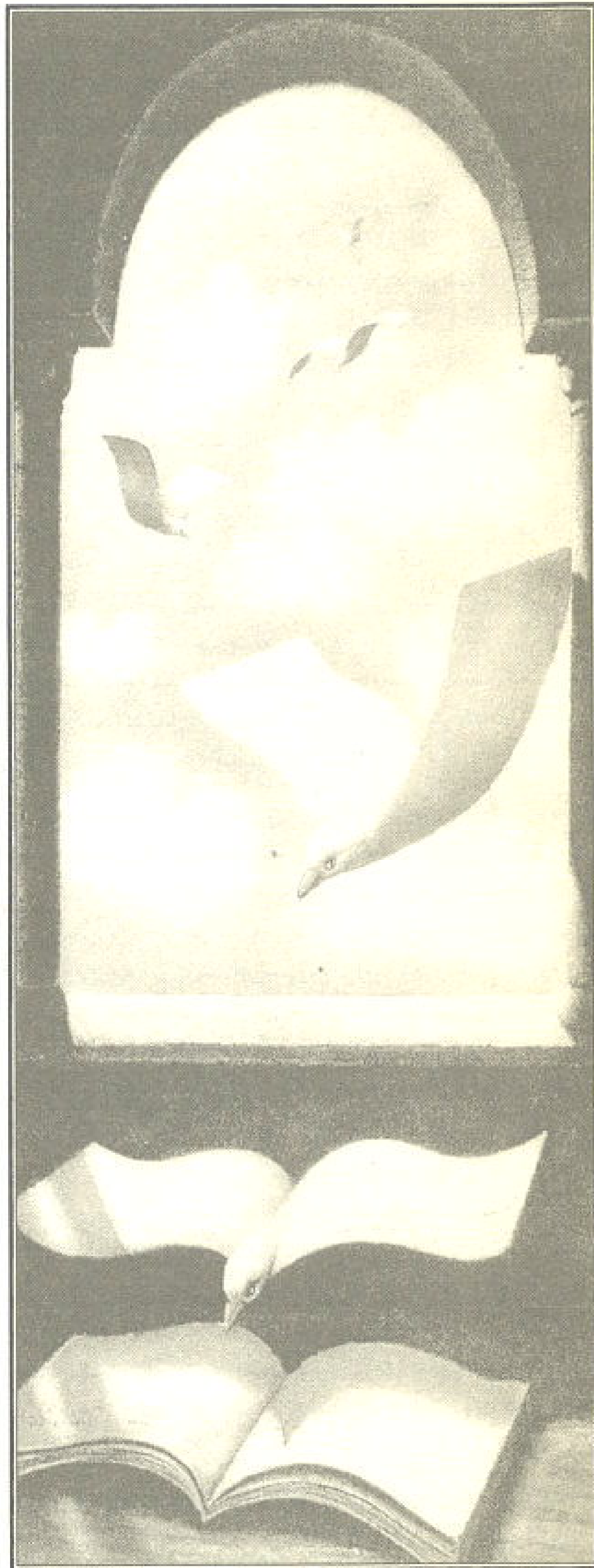
الف - ۱۳ دستور مثبت: میتصواهای شمارهٔ ۳۲، ۷۳، ۹۴، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۵، ۳-۲۰۱، ۶-۲۰۵ و ۲۰۹.

ب - ۲۳ دستور منفی: میتصواهای شماره ۵۸، ۷۳، ۱۵۷، ۱۸-۲۱۷، ۲۳۲، ۴۳-۲۴۱، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۹۳، ۲۹۹، ۵-۳۰۱، ۳۱۲ و ۱۷-۳۱۵.

*

گو اینکه در این گروه بندی موضوعی تقدم و تأخر خاصی را در نظر نداشته‌ایم اما در همین صورت ساده که ۲۹۰ میتصوای قابل اجرا در عصر حاضر را آورده‌ایم می‌بینیم که در یهودیت، آغاز با شکوه خداپرستی، یهودی اصیل را به مرحله اعلای آدمیت سوق می‌دهد و از او انسانی نمونه ببار بیاورد. در فصول بعد خواهیم دید که دوران هولناک پراکندگی، یهودیان را از این مرحلهٔ متعالی بدور نگهداشته و اجباراً آنها را برای حفظ دین خود بسوی رسوم و دعاکه هر یک در جای خود اهمیت خاص خود را دارند کشانده است. اما یهودیت فرقه‌ای دور افتاده نیست که فقط اجرای رسومی خاص آنرا از دیگر قبایل و فرقه‌ها و دسته‌ها مشخص کند. هدف عالی یهودیت، خلق انسانیت در وجود مخلوقی است که انسان نامیده می‌شود.





اگر می‌توانستم از اول زندگی‌ام را شروع کنم

برگردان: فلورا پوراطی

این نوشته کوتاه توسط ایرما بام‌بک که یک فکاهی نویس بود کمی قبل از مردنش از بیماری سرطان نوشته شده است.

- کمتر حرف می‌زدم و بیشتر گوش می‌دادم.

- بیشتر دوستانمان را برای شام دعوت می‌کردم حتی اگر فرش خانه‌مان لکه‌دار بود و یا مبلمان اطاقمان پوسیده بود.

- پاپ کورن را روی مبل خوبمان در اطاق پذیرایی می‌خوردم و کمتر در مورد کثیف شدن احتمالی اطاق و وقتی چوب در بخاری دیواری می‌گذاشتند نگران می‌شدم.

- بیشتر وقت صرف می‌کردم و به پدربزرگم که خاطرات جوانیش را تعریف می‌کرد گوش می‌دادم.

اصرار نمی‌کردم که شیشهٔ ماشین را در یک روز خوب تابستانی بالا بکشم چون تازه موهایم را آرایش کرده بودم.

- شمع مجسمه‌ای صورتی رنگ قشنگی راکه داشتم بجای اینکه در زیرزمین خراب شود می‌سوزاندم و از آن لذت می‌بردم.

- با بچه‌هایم روی علفها می‌نشستم و بازی می‌کردم بدون اینکه نگران لکه‌های سبزه بروی لباسهایمان باشم.

- بیشتر به شوهرم در مورد وظایفی که به او محول شده است کمک می‌کردم.

- وقتی مریض می‌شدم به رختخواب می‌رفتم و استراحت می‌کردم نه اینکه فکر کنم اگر من به رختخواب بروم دنیا از گردش می‌ایستد.

- هیچوقت دیگر چیزی را بخاطر اینکه قابل استفاده است و یک عمر، عمر می‌کند نمی‌خریدم.

- بجای اینکه آرزو کنم ۹ ماه حاملگی بزودی سپری شود، از هر لحظهٔ آن کمال لذت را می‌بردم و احساس می‌کردم که موجودی که در وجود من پرورش می‌یابد یکی از معجزه‌های الهی است که من با او و در آن شریکم.

- هرگز دیگر اگر بچه‌هایم از من سئوالی کردند به آنها نمی‌گویم که «حالا نه»، «بروید دستایتان را بشوئید وقت شام است».

- بیشتر از جمله‌های «دوستت دارم» و «متأسفم» استفاده می‌کردم اما پیش از همه اگر شانس این را داشتم که زندگی را از سر بگیرم از هر لحظهٔ آن حداکثر استفاده را می‌کردم و به آن لحظه نگاه می‌کردم و واقعاً نگاه می‌کردم و آن را زندگی کرده و هرگز پس نمی‌دادم.

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله چهل و هشتم

۸۰ ـ یادی از شادروان راب کوک

دو سه روزی از ابتدای جنگ اکتبر (۱۹۷۳) گذشته بود که خودم را در اطاقی محقر در کنار دو رزمندهٔ دیگر یافتم: دکتر اریه گورن Goren، استاد تاریخ و فرهنگ آمریکا در دانشگاه عبری اورشلیم، و دکتر افرایم شاخ، متصدی آموزش بزرگسالان در وزارت فرهنگ اسرائیل. هر سه ما کم و بیش در سنین چهلم زندگانیمان بودیم. ما متعلق به سپاه ژنرال اریه شارون بودیم و او هنوز با رزمندگان خودش از کانال سوئز عبور نکرده بود ـــ این عبور سرنوشت ساز در ۱۸ اکتبر انجام گرفت. پادگان ما، به نام عربی بیر جَفجَفَه (در تلفظ مصری: بیر گفگفه)، که اسرائیلی ها نامش را به رفیدیم تغییر داده بودند، یک ناحیهٔ بسیار وسیعی بود که میشد آن را یکی از حساس ترین و پر قدرت ترین مرکز ارتشی در شبه جزیره سینا دانست. علاوه بر نیرو های زمینی و زره ای، قسمت اعظم هواپیماهای جت جنگنده اسرائیل در این محل مستقر شده بودند.

در این پادگان تعداد بیشماری پناهگاه های زیر زمینی ساخته بودند تا بتوانند در مواقع اضطراری ـــ مانند همین جنگ اکتبر ـــ از آن استفاده کنند. از همان ابتدای جنگ، تمام همّ ستاد ارتش مصر متوجه متلاشی ساختن این پایگاه نظامی بود. آنها این کار را از سه طریق مختلف عملی میدانستند: پراکندن کماندو های مصری در اطراف رفیدیم؛ شلیک پی در پی موشک های عظیم الجثه روسی که به نام انگلیسی فروگ (قورباغه) معروف شده بودند؛ و بالاخره، بمباران این محل با هواپیما های جت جنگنده روسی از نوع میگ.

شب اول ما را، بجای انتقال به زیر یکی از چادر های بی شمار، درون یک اطاق جا دادند. هنوز کوله بار ارتشی خودمان را روی زمین نگذاشته بودیم که صدای گوش خراش آژیر ما را هراسان از اطاق بیرون راند. در آن تاریکی شب به دنبال پناهگاه زیر زمینی میگشتیم که خوشبختانه آن را در دویست متری محل خواب پیدا کردیم. من در حال دویدن بسوی پناهگاه، پایم به سنگ خورد و نقش بر زمین شدم و زانویم صدمه دید و نتوانستم خودم را به پناهگاه برسانم. افرایم با سرعت خودش را بمن رسانید مرا روی دوش خود سوار کرد و به طرف پناهگاه کشانید. پناهگاه شلوغ شده بود و صدای بریده و نوسانی آژیر، که علامت خطر بود، همراه با رگبار توپخانه رزمندگان اسرائیل جایی برای گفتگوهای زائد باقی نمیگذاشت. من در گوشه ای ساکت خزیده بودم. افرایم بهت زده و نگران در کنارم ایستاده بود. گاه به گاه صدای اعتراض چند تن از پناه گیران این پناهگاه، که تقریباً همه سرباز ذخیره بودند و بیشتر بار و مسئولیت جنگ بر دوش آنها بود، شنیده میشد. یکی میگفت باید گلدا مئیر (نخست وزیر)، مُشه دیان (وزیر دفاع) و ژنرال شلومو گونِن معروف به گورودیش (فرمانده سپاه جنوب) را پس از خاتمهٔ جنگ محاکمه کرد. دیگری فریاد میزد: بس است! این حرفها را وسط جبهه جنگ نباید زد. سومی هشدار میداد که در بسیاری کشورها، سران ارتش، نظامیانی را که چنین سخنانی در جبهه میزنند، تیرباران میکنند. چهارمی یادآور میشدکه اسرائیل یک کشور دمکراسی است و باید همه جا آزادانه حرف زد. من خیال ندارم خاطرات خودم را از این جنگ در اینجا بیان کنم. مقصودم ابراز سخنی است که در بالا عنوان شده است از این رو ناگزیر بیاد افرایم افتادم که با او برای نخستین بار در رفیدیم آشنا شدم.

افرایم سحرگاه هر روز، پس از دو سه ساعتی خواب بریده، از تخت خواب پایین میپرید، تفیلین می بست و نیایش میکرد. من و اریه که از بی خوابی رنج میبردیم دلمان میخواست چند دقیقه ای بیشتر در رختخواب بمانیم شاید بتوانیم بیخوابی شبهای گذشته را جبران کنیم. افرایم پسر راب الیعزر شاخ معروفست که سالهاست جامعه اسرائیل را به تفکر و گاهی به تشنج وا داشته است. راب شاخ هم اکنون (مارس ۲۰۰۰) در سن نزدیک به صد سالگی در اورشلیم زندگی میکند و با وجودیکه توپ و تفنگ ندارد، باید گفت ارتشی از جوانان یشیوایی (مدارس مذهبی) به دور خود جمع کرده است. او و چند راب اشکنازی دیگر در واقع هر کدام برای خودشان «دربار» (חצר) ساخته اند که بی شباهت به ستاد فرماندهی در بار شاهنشاهی نیست. یکی دربار ویژنیتص Vižnitz را اداره میکند. دیگری دربار حاسید های بلز Belz را زیر فرماندهی خود دارد ـــ همین طور چند دربار دیگر ... . اینها حتی لب به غذای کاشر دیگری نمیزنند و شنیده میشود که حتی دختر به پسران دربارهای رقیب نمیدهند.

در یکی از فرصت ها، که دقایقی برای گفت و شنود داشتیم، به افرایم گفتم: «شما ارتدکس های اشکنازیِ متعصب و افراطی بالاخره کشور اسرائیل را از لحاظ دینی به دو پارچگی خواهید

کشانید. پدرت هم یکی از این افراطی هاست!» گرچه در آن حال و هوای جنگ، هیچکدام ما حوصلهٔ یک و دو کردن را نداشتیم، مع هذا هر موضوعی که با آینده کشور اسرائیل مربوط میشد، ما را به مشاجره میکشانید ــ یکی از اینها عدم خدمت در ارتش از سوی مذهبیون اَبَرارتدکس Ultra-Orthodox حارِدی (افراطی) بود.

افرایم با متانت و حوصله ادعای مرا در این کلی گویی رد کرد. اقرار کرد که پدرش خیلی تند میراند، ولی معتقد بود که بیشتر ربان های ارتدکس، که سر و صدا راه نمی اندازند، افرادی معتدل هستند که در عشق به سرزمین اسرائیل و بشر دوستی دست کمی از آزاد اندیشان (حیلونی ها) ندارند. پرسیدم آیا مقصودش مذهبیون ملی «کلاهک بافته ها» ست که در جنگ ها در صف اول میایستند و جان فدای وطن و ملت میکنند. گفت: «خیر، آن بجای خود محفوظ، مقصودم مذهبیون اشکنازی کلاهک سیاه ارتدکس است.» نام چند راب را برایم شمرد که هیچکدام را نمی شناختم. آنگاه مثل اینکه چیزی بیادش آمده باشد گفت: «برو زندگی نامه راب کوک، راب اعظم اشکنازی های ارتدکس را بخوان تا متوجه بشوی که برچسب فناتیک زدن به اشکنازی های ارتدکس دور از انصاف است.» افرایم چند حکایت از افکار عرفانی و بشردوستانه راب کوک برایم نقل کرد و مرا به شناخت این مرد روحانی علاقه مند ساخت.

جنگ تمام شد. هر سه نفر نامبرده، که غفلت آنان مصیبتی ببار آورده بود، محاکمه شدند. این غفلت باعث کشته شدن سه هزار جوان و زخمی و علیل شدن هزاران نفر گردید. گلدا مئیر استعفا داد. گورودیش از ارتش مستعفی (اخراج؟) شد. مُشه دیان از این محاکمه جان سالم بدر برد ولی نه از محاکمه ملت. سالها گذشت و فشار کار بمن اجازه نداد فرصتی پیدا کنم و سری به رسالات و کتب راب کوک بزنم. تا اینکه بار دیگر سخنان راب شاخ علیه یهودیان آزاد اندیش، و بخصوص پیشاهنگانی که در کیبوتص ها زندگی میکنند، مرا آزرده کرد. بیاد سخنان آموزنده پسرش، افرایم، افتادم. به سراغ نوشتار های راب کوک رفتم و مطالبی چند از افکار او را در جایی یادداشت کردم. اینک این چند کلمه را بخاطر راهنمایی های افرایم شاخ و محبتی که بیست و هفت سال پیش نسبت بمن روا داشت به وی و خانواده اش تقدیم میکنم.

* * *

طلوع صیونیسم، که یک نهضت ملی و سیاسی ملت یهود و از ضرورت های زمان خودش بود، در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم اغلب مذهبیون افراطی اروپای شرقی را در برابر یک چالش ملی ــ مذهبی قرار داد. بر خلاف اشکنازی ها، گزاف نگفته ایم اگر بگوییم تمام یهودیان سفارادی و شرقی طرفدار نهضت صیونیسم بوده اند. در هر حال، روی سخن ما در این مقاله با یهودیان اشکنازی است.

اصولاً و بطور کلی دو گروه مذهبیون (داتی ها) و آزاد اندیشان (حیلونی ها) هر کدام پدیدهٔ نجات (گئولا) را برای ملت یهود از دیدگاه های مختلف ارزیابی میکردند. در داخل قشرهای مذهبی دسته های یافت میشدند که با نگاهداشت مراسم و فرائض دینی، عقایدی مشابه دسته آزاد اندیشان داشتند و صیونیسم را به عنوان وسیله ای از وسایل و راهی از راههای مختلف در راستای نجات یابی مطرود نمیدانستند. یکی از رهبران بنام این دسته، علامه معروف راب اوراهام اسحاق هَکهن کوک متولد لیتوانی بود که در سال ۱۹۰۴، در سن ۳۹ سالگی، به سرزمین اسرائیل مهاجرت کرد و از همان ابتدا کوشید همهٔ همّ خود را بکار برد تا نوعی سازش و هماهنگی میان نهضت صیونیسم و اصول دین یهود ایجاد کند. با شکل گیری تشکیلات مرکزی ربانوت در سرزمین اسرائیل، این راب ارتدکس به عنوان نخستین راب اعظم اشکنازی ها انتخاب شد (۱۹۲۱) ــ نباید ناگفته بماند که موافقت راب اعظم سفارادی آن زمان، ریشون لصیون راب بنصیون عوزیئل، تنها راب اعظم سرزمین اسرائیل، باعث گردید که راب کوک به سمت راب اعظم اشکنازی ها انتخاب شود، وگرنه تا آن زمان اشکنازی ها راب اعظم نداشتند.

راب کوک در مسیر مساعی خود، یشیوای معروف به «مرکز هاراب» در اورشلیم را، که از ابتکارات فکری اوست، پایه گذاری کرد. از طریق این مؤسسه بود که وی، علی رغم مخالفت ها از سوی چند راب ارتدکس اشکنازی، بالاخره توانست میان اصول دین یهود و افکار صیونیستی هماهنگی بوجود بیاورد.

آنچه در دیدگاه راب کوک، به عنوان یک راب ارتدکس جالب بنظر میرسد برخورد فکری اش با ترقیات روز افزون دانش در نیمه اول قرن بیستم است. او در سخنرانی ها و نوشته هایش تأکید داشت که دین را باید از حالت انجماد و تحجر بیرون آورد و به موازات پیشرفت های علمی، تحرکی مشابه در روند افکار دینی بوجود آورد ــ **بدون اینکه به پایه های اصول دین صدمه ای وارد گردد.** راب کوک همچنین خواهان آن بود، که برای جلوگیری از رویارویی خصومت آمیز **دین ودانش**، نوعی هماهنگی فکری میان تئوری های مربوط به تکامل آفرینش و کائنات و باور های دینی ایجاد نماید. بدیهی است، این روند اندیشه وری، آنهم از سوی راب اعظم اشکنازی، نمی توانست با

مخالفت قشر افراطی سنت گرایان دینی مواجه نگردد.

راب کوک در دورهٔ خودش شاهد فرار تعداد زیادی از جوانان از دایره دین بود. آنها دسته دسته به نهضت های سیاسی و اجتماعی غیر مذهبی (حیلونی) می پیوستند و پیروی از باورهای دینی را مانع بزرگی در پیشرفت اجتماعی و علمی جوامع بشری می پنداشتند. راب کوک، برخلاف معمول در میان پاره ای از ارتدکس های افراطی، بجای اینکه این «جوانان فراری» را مورد سرزنش قرار دهد، تقصیر این ناهمگونی و فرار از دین را به گردن رهبران روحانی انداخت و در نتیجه تعدادی از دینمردان ابرارتدکس آن دوره را با خود دشمن کرد.

در سالهای قبل از تأسیس کشور اسرائیل، و نیز در سالهای نخستین برپایی این کشور، اکثر شهروندان این کشور نظر مساعدی نسبت به دسته های دینی نداشتند. نویسنده این سطور، که از سال ۱۹۵۰ در کشور اسرائیل زندگی میکند، بارها شاهد صحنه هایی بود که جوانان آزاد اندیش (حیلونی) افراد مذهبی (داتی) را مورد استهزا قرار میدادند و آنها را «عقب افتاده و طفیلی» توصیف میکردند. بیاد دارم در سال ۱۹۵۵ یکی از دانشجویان کلاهک بسر ایرلندی، که تنها جوان مذهبی کلاس ما بود، به مجرد رسیدن به دالان دانشگاه کلاهک را از سر دور کرده در جیب میگذاشت تا مبادا مورد تمسخر و گاهی نیز آزار دانشجویان آزاد اندیش قرار بگیرد. راب کوک در سالهای قبل از تأسیس کشور اسرائیل پیامبرانه پیش بینی کرد روزی خواهد رسید که این روند نا بسامانِ فرار از دین جای خود را رفته رفته به گرایش بسوی دین خواهد داد. تاریخ پنجاه سال اخیر نشان میدهد که پیش بینی راب کوک از بسیاری جهات، نه تنها در کشور اسرائیل، بلکه در اغلب جوامع بشری، صائب آمد.

راب کوک دین و اصول آن را **هدف نهایی** بشریت نمیدانست. او معتقد بود که باید از این قدرت ایمانی در راه به زیستی همهٔ انسانها (نه تنها یهودیان) و گسترش دانش در خدمت بشریت منتهای استفاده را کرد. او بار ها روی این موضوع تکیه میکرد که اگر تضادی میان **علم** و **ایمان** وجود دارد، به هیچ روی تقصیر متوجه علم نیست، بلکه این ایمان است که باید خود را آماده پذیرش علم نماید — **با این باور که ایمان باید همیشه چراغ راه خوشبختی و آرامش انسان ها و ایجاد دوستی میان آنها باقی بماند.** جالب است، که طبق باور راب کوک، آنچه غنی شدن زندگی بشر را موجب میگردد فقط «خوبی ها» نیستند، بلکه وجود «بدی ها» و نزاع دائم میان این دو هستی متضاد است که موجودیت و زندگی ما را غنی میسازد و معنی می بخشد. به عبارت دیگر، باید چیزی نا مقدس در برابر مقدس قرار بگیرد تا تقدس معنی واقعی خود را کسب کند و هدف و آرزوی جهانیان گردد.

در جشن گشایش دانشگاه عبری اورشلیم (۱۹۲۵)، راب کوک سخنرانی جالبی ایراد کرد و خواهان آن شد که دانشگاه به جایگاه هماهنگی میان **علم** و **ایمان** تبدیل شود. وی یادگیری علوم غیر مذهبی را ضروری دانست و معتقد بود که آموزش علوم دینی را نباید از آموزش علوم غیر مذهبی جدا نمود.

راب کوک در مورد تکامل انسان و آفرینش، بخصوص تئوریهایی که نام «داروینیسم» بخود گرفته و در دوره راب ورد زبانها بودند، نکته ای جالب ابراز کرد. او معتقد بود که چنین تئوری هایی، درست یا نا درست، فی نفسه آنقدر حائز اهمیت نیستند — فرضیه ها یکی پس از دیگری می آیند و تغییر شکل میدهند و میروند (میمیرند). آنچه مهم است این است که چه باید کرد که انسانی انسان دیگر را استثمار نکند و آزار ندهد و رویداد هابیل و قابیل تجدید نشود. او شدیداً با هر نوع زجربنفس، خود آزاری و هرنوع آسیب رسانی به جسم و روح از قبیل عزا گرفتن های بی مورد مخالف بود.

راب کوک در بسیاری از رسالات خود به جنبه های اونیورسالیستی دین و انسان گرایی آن (در محدوده الهیات) بیشتر از هر چیزی دیگر توجه داشت. اگر اشتباه نکنم، میخواهم با احتیاط زیاد بگویم که راب کوک در روند تمایلات اونیورسالیستی، «ناسیونالیسم» را یک «پدیدهٔ منفی»، ولی در عهد خودش لازم و ضروری میدانست. بدون شک، این ضرورت تا حدی با جنبش صیونیسم و حیاتی بودن آن در سالهای قبل از استقلال اسرائیل ارتباط داشت. ولی این احتیاط نگارنده در مورد افکار راب کوک با ماهیت دین یهود ارتباط دارد که به عللی، که شرح و تفسیرش جدل انگیز است و در این مختصر نگنجد، نمی تواند با اونیورسالیسم (و حتی هومانیسم در مفهوم کلاسیک آن) هماهنگی داشته باشد — این طرز تفکر فلسفی را پروفسور یشعیاهو لیبوویچ (۱۹۰۳ - ۱۹۹۴)، که یک متفکر ارتدکس بود، در رسالاتش (درست یادم نیست در کدام یک آنها) به نحوی شایسته و عالمانه بیان داشته است.

راب کوک در این راستای «اونیورسالیسم»، از لحاظ جهان بینی، در مجموع تفکری عرفانی داشت و معتقد بود که آنچه را یهودیت «تیقون عولام» (اصلاح عالم) میخواند، چیزی نیست جز همان تئوری تکامل عالم و کائنات که افسار آن به دست انسانها سپرده شده و حاکم آن آمیزه ای است از **علم و ایمان** که دستور چنین تکاملی را بسوی کمال میدهد — و این «اصلاح عالم»، بطوریکه از مفاد این عبارت پیداست، برای

عالمیان است و نه فقط برای یهودیان. او معتقد بود که با بهره گیری از لذائذ سالم آفرینش در راه نیک بختی، انسان ها باید، بدون اینکه خود را عمداً در معرض زجر و ریاضت ناخواسته و بیهوده قرار دهند، سیر تکامل خود را از رده پایین نردبان زندگی بسوی پله های عرفانی و الهی طی کنند.

راب کوک کتب و مقالات فراوانی منتشر ساخته که همهٔ آنها به زبان عبری است و تعدادی از آنها به زبان انگلیسی ترجمه شده اند. در بارهٔ او و عقایدش نیز چندین کتاب نوشته اند. این راب اعظم ارتدکس اشکنازی در سال ۱۹۳۵، در سن هفتاد سالگی، در اورشلیم درگذشت. روانش شاد که با گفته ها و نوشته هایش یک پل ارتباطی میان مردم داتی و حیلونی بر پا کرد تا هر کدام با حفظ عقاید خود و احترام متقابل در جوار یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنند و آرمانهای انسانی یهودیت را بر اساس علم و ایمان غنا بخشند.

اِوان لِـــویت (Evan Levitt) هشت تابستان متمادی و هر سال به مدت چهار هفته تعطیلات خود را در کمپ ایری (Airy) در کوههای مری‌لند گذرانده است. او هر بهار مشتاقانه به انتظار تابستان و بازگشت به کمپ شـــبانه‌روزی روز شـماری کـرده است. او می‌گوید «کمپ» اولین تجربهٔ مثبت او در یهودیت بوده و ادامه می‌دهد، «من در یک خانواده یهودی بزرگ شده‌ام و به مدارس یهودی رفته‌ام ولی شرکت در کمپ، یهودیت را برایم لذت بخش و خوشایند کرده است». او هـم مـانند والدینش، پـدربزرگهایش و عموهایش، «کمپ» را عنصر مؤثر در رشد تکامل یهودیت می‌داند.

اِوان لویت (Evan Levitt) که در حال حاضر مدرک فوق لیسانس خود را در جامعه شناسی یهودیت از دانشگاه فیلادلفیا می‌گیرد، می‌گوید «علاقه و توجه من زمانی به یهودیت ایجاد گردید که در کمپ تابستانی ایری شرکت کردم».

باید در اینجا متذکر شد که ارتباط مابین کمپ و یهودیت در میان خانواده‌ها بسیار مهم است.

«مایک اشنایدر» مسئول و مدیر کمپ



کمپ های تابستانی و معنویت یهودی

ایری می‌گوید: تعداد زیادی از خانواده‌ها کمپ ما را به این علت برمی‌گزینند که بتوانند با جامعهٔ یهودی و یا با دیگر بچه‌های یهودی ارتباط برقرار کنند.

ارتباط یهودیان با یکدیگر در نقاط مختلف شهرها و ایالت‌ها متفاوت می‌باشد. بطور مثال، تمامی مردم از امکاناتی که یهودیان بالتیمور با تماس دائم با یکدیگر و داشتن محیطی یهودی بهره‌مندند، برخوردار

در آتلانتا ۴۵ درصد اعضای کنیساها، در فیلادلفیا ۵۶ درصد اعضا و در دنور ۴۵ درصد از مدارس یهودی در اینگونه کمپ‌های تابستانی شرکت می‌کنند.

کمپهای یهودی نقش با قدرتی را در تشکیل، استحکام و ادامهٔ هویت یهودی بازی می‌کنند

برگردان: مینو مقیمی

نیستند. شرکت در کمپ‌های یهودی تجربهٔ مثبتی را برای فرزندانمان به ارمغان می‌آورد. آنها خود را بخشی از یهودیت می‌بینند و از دریچهٔ مثبتی بدان می‌نگرند.

آموزشها و برنامه‌هایی مانند مراسم شبات، رقص‌های قومی، روز اسرائیل، تیشا به آو و ایدیش و یا مراسم دیگر مهمترین بخش کمپ را در بر می‌گیرد برای بسیاری از بچه‌ها برنامه‌های کمپ ارزش و اعتبار خاصی دارد.

بطور مثال، توپ بازی کردن و هر نوع خودش دیگر به فردا این احساس را می‌دهد که جزئی از خانواده‌ای بزرگ است.

محققین و جامعه شناسان معتقدند که شرکت در کمپ‌های یهودی در اطفال و نوجوانان تأثیری عمیق و در بزرگسالی در رشد و انتقال میراث یهودیت نقش بسزایی بازی می‌کند.

شرکت جوانان در کمپ‌ها، دایمی‌ترین و طولانی‌ترین اثر یهودیت را می‌گذارد. در کمپ‌های یهودی آنچه که مورد احترام و با ارزش می‌گردد معنویت و ارزشهای یهودی می‌باشد. افراد می‌توانند نحوهٔ ارتباط با یکدیگر را بر اساس احترام دو جانبه آموزش ببینند. تحقیقات جدید بر روی مؤسسات یهودی نشان می‌دهد که ارتباطی مستقیم مابین کنیساها و کمپ‌ها وجود دارد. بطور مثال، در آتلانتا ۴۵ درصد اعضای کنیساها، در فیلادلفیا ۵۶ درصد اعضا و در دنور ۴۵ درصد از مدارس یهودی در اینگونه کمپ‌های تابستانی شرکت می‌کنند.

در بررسی‌ای که در سال ۱۹۹۴ بر روی درخواستهای تعداد زیادی برای اخذ پذیرش از دانشگاههای بزرگ بعمل آمد، که از جمله در میان آنان ربایان، حزان‌ها و مشاوران خانوادگی را می‌توان نام برد، ۶۳ درصد این افراد در کمپ‌های تابستانی شرکت کرده بودند.

ربای آرین (Arian) می‌گوید: کسانی که تمایل دارند رهبریت جامعه را بعهده بگیرند و یا تخصص خود را در این رشته اخذ نمایند، گذراندن تابستان در این کمپ‌ها کاملاً آنها را در این زمینه‌ها یاری می‌دهد.

در حال حاضر کمپ‌هایی که در آمریکا مشغول به فعالیتند توسط سازمانهای بزرگی مانند JCC و یا دیگر سازمانها و کنیساها اداره می‌گردند.

آقای Eller رییس کمپ Beth Tfiloh می‌گوید: «والدین به من می‌گویند که وقتی فرزندانشان از کمپ بر می‌گردند آوازها و سرودهای یهودی می‌خوانند و از قوانین و آداب و رسوم یهودی صحبت می‌کنند و تأثیر کمپ‌های تابستانی به مراتب بیشتر از مدارس یهودی است». و همچنان ادامه می‌دهد «کمپ‌های تابستانی یهودی تخصص و آیندهٔ مرا شکل داده‌اند.



زناشویی در محاصره ازدواج و طلاق

نوشته: دکتر عطا لاوی

شنیده‌ایم که مرگ از لحظه تولد شروع می‌شود چون اگر تولدی نبود مرگی هم بوجود نمی‌آید. با این اندیشه قدم اول در راه طلاق نیز ازدواج است چه اگر ازدواجی نبود طلاقی هم اتفاق نمی‌افتاد. ولی آیا هرگز فکر کرده‌اید که قدم اول در راه ازدواج و یا تشکیل زندگی زناشوئی در دین یهود چیست؟ قدم اول را بعضی‌ها می‌گویند عشق است و عده‌ای می‌گویند طبیعت و جاذبه و یا اجبار یا خواست خانواده و یا نادانی و یا طمع و یا پول و مادیات و یا بد شانسی و بالاخره ممکن است شانس خوب باشد. ولی هیچ کدام از این‌ها قدم اول در راه تشکیل زندگی زناشویی در دین یهود نیست.

تمام مراحل آشنایی که طی شد و انجام گردید، دید و بازدید و هدیه دادن‌ها، پاگشاها و ساز و آوازها، نامزدی‌ها و مهمانی‌ها، پیدا کردن سالن و چند نفر دعوت بشوند و از همه مهمتر چند نفر دعوت نشوند، عکاس و گل آرا، کیترینگ و هتل، ربای و فیلم بردار هیچ کدام قدم اول شناخته نمی‌شوند و هنوز کاری مهم انجام نشده است چون این، مقدمات مراسم عروسی است و ممکن است پس از تمام این تشریفات ازدواجی هم صورت نگیرد.

شخص یهودی وقتی زیر خوپا می‌ایستد و هفت براخا را می‌گوید هنوز تعهدی انجام نگرفته. با گفتن براخاها او خدا را شکر می‌کند که چنین زمانی و زندگی را به ما اعطا کرده و ما را تا این لحظه آورده است ولی هنوز قدم اول برداشته نشده است.

قدم اول و لحظه اول و نفس اول در شروع زندگی زناشویی یهودی از این جا آغاز می‌شود که داماد به عروس می‌گوید:

הֲרֵי אַתְּ מְקֻדֶּשֶׁת לִי בְּטַבַּעַת זוֹ

כְּדַת מֹשֶׁה וְיִשְׂרָאֵל:

یعنی اینکه تو برای من مقدس هستی با نشانی این انگشتر طبق طریقت **مُشه و ایسرائل**. داماد می‌گوید **تو مقدس هستی** نه کفلت هستی نه شریک من هستی و نه تاج سر من هستی بلکه بالاتر از همه چیز **مقدس هستی** آنهم طبق اصول و روش **مُشه** و نه جمعیت حمایت خانواده. یا طبق مؤسسه ازدواج و طلاق کالیفرنیا و یا طبق **American First Amendment** و یا طبق دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲ تهران بلکه طبق راه **مُشه و ایسرائل**. و عروس هم در جواب می‌گوید:

אֲנִי לְדוֹדִי וְדוֹדִי לִי

یعنی من هم برای محبوبم و محبوبم برای من مقدس است.

زناشویی در دین یهود از یک کلام مقدس، تصمیم مقدس، رابطهٔ مقدس شروع می‌شود. متأسفانه کسی این رابطه مقدس را برای زوج تشریح نکرده و نمی‌کنند وگاهی از پدر و مادر عروس یا داماد و یا خانواده آنان تعریف و تمجید می‌شود. این تقدس کمتر از اورشلیم، کعبه آمال یهود و خاطره جانگداز خرابی آن و با امید مجدد به آبادانی آن نیست که در چنین لحظه‌ای آن را یادآوری می‌کنیم. این همبستگی و دلدادگی با تمام عشق و لذت

و جاذبه و شور و اشتیاقش از مرحله مادی و ملموس خود بالاتر رفته و به جایی رسیده است که این زوج خود ازین پس خالق و سازنده خواهند شد. در زیر خوپا که این رابطه مقدس باید یادآوری شود تا هر دو، عروس و داماد و نیز مردم حاضر و حتی اشخاصی که بعداً این ویدیوها را تماشا می‌کنند بدانند که رابطه این خانواده تازه و نوخاسته رابطه‌ای است مقدس که با دخالت روح و تقدس خداوندی پایه گرفته و استوار شده است. شراکتی مقدس و نه تجاری. این شراکت در مالکیت نیست بدین معنی که اینک ما شریک می‌شویم تا چیزی را در شراکت تصاحب کنیم و یا حق مالکیت نیست که یکی مالک دیگری باشد.

اینک اگر کسی را عقیده بر این است که در شب ازدواج زیر خوپا داماد پایش را باید روی پای عروس بگذارد تا ازین به بعد او آقا و بالادست باشد، اینان از همان ابتدا این عهد مقدس را تبدیل به شرایطی ناميمون و ناخرسند و غیر انسانی می‌کنند. چون می‌گویند و باور دارند که گربه را در جلو حجله باید کشت.

اجتماع ممکن است این گونه درس بدهد ولی **تورا و دین یهود** این گونه نیست. تورا دختر غریبه‌ای را برای مرد تا درجه زن مقدس بالا می‌آورد و بلند مرتبه می‌کند و محترم می‌سازد. در هیچ جای تورا زن را از مقام با ارزش خودش پایین نیاورده، کثیف نکرده و کوچک ندانسته و زیر پا قرار نداده و نجس ندانسته است.

حالا می‌بینیم که چرا در ده فرمان گفته است زنا نکن. یعنی رابطه مقدس و پاک را لجن آلوده نکن. در زنا با دیگری هم او را و هم خانواده خودت را کثیف و ملوث کرده‌ای هم او را و هم خودت را از تقدس دور کرده‌ای. انسان مقدس برای شخص مقدس دروغ نمی‌گوید. طهارت خانواده را نگه می‌دارد - دزدی نمی‌کند - قتل نمی‌کند - شهادت دروغ نمی‌دهد - طمع نمی‌کند - شنبه را محترم می‌دارد - خدا را می‌شناسد.

درین جاست که متوجه می‌شویم ده فرمان در خانه مقدس چه مقام و ارزش بالایی دارد. فقط منحصر به تابلوهای جورواجور و طلاکوب و قالی‌هایی نیست که بر دیوارها آویزانند. جنگ و دعوای خانواده‌ها برای آنست که خیال می‌کنند دو نفر با هم شریک شده‌اند و حالا یکی دارد سر دیگری کلاه می‌گذارد. متأسفانه زندگی زناشویی را مردم زمان ما و دوره ما از خیابانها و مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و مردم کوچه و خیابان یاد می‌گیرند. سلمانی‌چی‌ها برای ما معلم می‌شوند. نظام خانواده در سالن آرایش پیاده می‌شود. مردم یهودی زندگی زناشویی را که باید محترم و مقدس باشد اینک از تلویزیون یاد می‌گیرند. شاید رهبران و رهروان همه با هم غرق در تلاش مداوم و بی امانی شده‌اند که این موضوعات روحانی جنبه ثانوی پیدا کرده و اهمیت خود را از دست داده است. نتیجه آن شده که کسی توجهی به جانب معنوی این تعهدات نمی‌کند و علاقه‌ای نشان نمی‌دهد، و زحمت تفکر هم به خود نمی‌دهد.

همه ما میدانیم که فرزندان خود را چگونه بزرگ کنیم ولی نمی‌دانیم که آنها را چگونه مهیا کنیم تا وقتی که به پای خوپا میرسند خود و همسر خود را مقدس و محبوب و محترم بدانند. نه اینکه وقتی سرمان به سنگ خورد دست بدامان روانشناس و روانکاو و روان پزشک و روان بخش و روان‌کاه شویم.

کودکان این خانواده‌ها از کی و از کجا و توسط چه کسی باید یاد بگیرند که در خانواده‌ای مقدس به دنیا آمده‌اند که رابطه‌ها روی احترام متقابل و روی اصل مقدس بنا



شده و یا خوب بود بنا شده باشد؟

ما اینک در طی دوران هفته چند ساعت در مورد مطالب و زیربنای اصلی خانواده یهودی که در تورا آمده است صحبت می‌کنیم؟ هفته‌ای چند ساعت درباره آن حرف می‌زنیم؟ هفته‌ای ۷۰ ساعت روزی ۱۰ ساعت تلویزیون روشن است و این جعبه سحرآمیز معلم تمام اصول و ضوابط و طرز فکر و کردار ما یهودیان شده است. از تلویزیون یاد می‌گیریم که چگونه عروسی کنیم یعنی مراسم عروسی براه بیاندازیم - نه ازدواج کنیم - ما یادگرفته‌ایم که چگونه گل آرایی - کیترینگ - هتل - عکاس - خبرنگار - سازمان دهنده جشن‌ها - آرایش - و بقیه را با یکدیگر ترکیب کنیم و ساز و آواز راه بیاندازیم ولی تقدس و احترام و انضباط را نه فرصت کرده‌ایم یاد بگیریم نه بخود زحمت داده‌ایم و نه اهمیتی می‌دهیم.

در دین یهود وقتی ازدواج صورت می‌گیرد اسم براخای آنرا براخای قیدوشین یعنی براخای مقدسین گذاشته‌اند نه براخای ازدواج.

تفاوت ازدواج اصیل و صحیح که از راه مقدس انجام گرفته با این ازدواج‌های سطحی و نوظهور این دوره، در تاریخ چهار هزار ساله آن ثبت است. سنت و اصالت این ازدواج‌ها امتحان خود را داده‌اند. فرمول تقدس ازدواج یهودی را اشخاصی احمق و نادان ننوشته‌اند که بزور بخورد ما بدهند. تفاوت این جمله مقدس با جملات سایر ادیان در این است که آنها در عقد ازدواج می‌گویند: اینک من شما را زن و شوهر و یا همسر صدا می‌کنم حالا می‌توانی عروس را ببوسی - آنها سالهاست که یکدیگر را بوسیده‌اند و تو با این حرف فرمول اصیل و مهمی برای آن ایجاد نکرده‌ای - در آیین یهودی چهار هزار سال تاریخ تقدس در امر ازدواج برای یک لحظه شهوت و میل و هوس نیست. چهار هزار سال تاریخ یهود در امر ازدواج برای یک صیغه دو سه روزه ملاها نیست. در دین یهود وقتی ازدواج صورت می‌گیرد اسم براخای آنرا براخای قیدوشین یعنی براخای مقدسین گذاشته‌اند نه براخای ازدواج.

ازدواج مقدس امری الهی است و آنرا پایانی نمی‌باشد.

هر ازدواج مانند تیری است که از کمان خارج می‌شود، باید دارای هدف باشد. موفقیت ازدواج مثل تیر بستگی کامل به قدرت پرتاب و سرعت پرتاب و هدف دارد. اگر هر کدام از این جزییات بی پایه و اساس انجام گیرد ازدواج به هدف خود نخواهد رسید. ازدواج مقدس ربطی به قراردادهای قبل از ازدواج ندارد ربطی به بیمه حیات و بیمه حوادث و شروط و تعهدات و معاملات پیش پا افتاده ندارد.

ازدواج مقدس تا ابد ادامه می‌یابد و وقتی یک عضو فوت کرد دیگری بیاد او و با خیال او دلخوش و راضی و سرگرم است تا در دنیای دیگری در ابدیت با هم در کنار هم قرار گیرند و با یکدیگر ابدی شوند. زیرا ازدواج مقدس امری الهی است و آنرا پایانی نمی‌باشد.

سازمان سیامک تقدیم می‌کند

برنامه‌های نوجوانان

- سفر اسکی
- جشن گردهمایی حنوکا
- تغذیه گرسنگان در داون‌تاون
- پخش اسباب بازی بین کودکان مبتلا به سرطان
- کمک به آگاهی دادن جامعه در مورد بیماری آرم
- گپی با ربای
- نشریه نوجوانان در چشم‌انداز

آموزشی

- کلاسهای برمیتصوا و بت میتصوا
- کلاسهای مخصوص بانوان برای آشنایی با یهودیت
- کلاس ۵ هفته‌ای فشرده برای یادگیری زبان عبری

ازدواج

- جشن گردهمایی پیوند دلها

مواد مخدر - اعتیاد

- کمک و راهنمایی به معتادین و خانواده آنان

امور خانوادگی

- کمک به کسانی که مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرند

نیازمندان

- کمک‌های غذایی و پوشاکی برای خانواده‌های نیازمند





راه رسیدن به رابطه‌ای دائمی از طریق تحسین، عشق و اعتماد به یکدیگر بوجود می‌آید

نوشته: ای کاس و لئون کاس
برگردان: فلورا پوراطی

چند ماه پیش برنامهٔ تلویزیونی «چه کسی می‌خواهد با یک میلیونر ازدواج کند» تماشاگران زیادی را که اغلب آنها زنان جوان زیر سن ۳۵ سال بودند به خود جلب کرد.

این مطلب نشانگر این بود که جوانها خیلی مایل به ازدواج هستند ولی هیچ نمی‌دانند که چگونه خودشان به تنهایی می‌توانند جفت مورد نظر خود را پیدا کنند.

ما یک پیشنهاد جالب داریم - بگذارید رابطهٔ دوستانه و محترمانه و اصیل دوباره اجراء شود. (Courtship) تعداد بیشتری از جوانان آمریکایی از رابطهٔ جنسی بدون احساس مسئولیت قبل از ازدواج روگردان می‌شوند. در

در زمانهای قدیم رابطهٔ دوستانه و اصیل دختر و پسر با یکدیگر باعث می‌شد که بدون داشتن رابطهٔ جنسی با یکدیگر هر دو طرف سعی می‌کردند که تا آنجاکه ممکن است از خصوصیات اخلاقی، عشق و محبت برای رسیدن به هدف نهایی یعنی ازدواج استفاده می‌کنند.

عوض آنها در جستجوی یک رابطهٔ معنوی خیلی قوی و استوار هستند که نتیجتاً به ازدواج ختم شود. بیشتر دانشجویانی که ما امروز به آنها درس می‌دهیم بخصوص دختران جوان بین ۲۰ تا ۳۰ سال مرتب در حال عوض کردن یک رابطهٔ بد فرجام به یک رابطهٔ بد فرجام دیگر می‌باشند و حالا به آن نتیجه رسیده‌اند که می‌خواهند یک رابطهٔ استوار و محکم که منجر به ازدواج شود داشته باشند.

متأسفانه موقعیت کنونی اجتماع راه چارهٔ زیادی به آنها پیشنهاد نمی‌کند.

در زمانهای قدیم رابطهٔ دوستانه و اصیل دختر و پسر با یکدیگر باعث می‌شد که بدون داشتن رابطهٔ جنسی با یکدیگر هر دو طرف سعی می‌کردند که تا آنجاکه ممکن است از خصوصیات اخلاقی، عشق و محبت برای رسیدن به هدف نهایی یعنی ازدواج استفاده می‌کنند. این موقعیتی بود برای هر دو طرف که از مقدار توجه، عشق، استقلال فکری و فداکاری یکدیگر مطلع شوند. بنابراین این دوستی قبل از ازدواج در واقع تمرینی بود برای خود ازدواج. این نوع رابطه با روابط کنونی قبل از ازدواج جوانان کنونی که بیشتر با مسایل جنسی توأم است تفاوت زیادی داشت.

تولد دوبارهٔ رابطهٔ اصیل قبل از ازدواج با سدهایی روبرو است:

- روابط جنسی بدون قید و شرط
- اشتغال فکری ناشی از شغل افراد
- احترام کافی قائل نبودن برای ازدواج
- ترس از نزدیکی زیاد و باختن قلب
- عدم اعتماد به طرف مقابل و شنیدن خبرهای ناامید کننده
- طلاقهای مکرر والدین و اطرافیان

تمام اینها باعث بدبینی جوانها در مورد عشق طولانی و ازدواج می‌باشد.

در کلاسهای ما که در مورد روابط سالم و مفید قبل از ازدواج می‌باشد دانشجویان ما معتقدند «حتی فکر کردن ۵۰ سال زندگی مشترک با یکنفر خیلی جالب و هیجان‌انگیز است» ما نباید تا قبل از ۲۸ سالگی ازدواج کنیم. پس ما از اول می‌دانیم که رابطهٔ دوستانهٔ

ما موقتی است. دانش‌آموزان من با وجود اینکه مایل به حفاظت خود هستند ولی علاقهٔ زیادی به بیدار کردن دوستی‌های دراز مدت و جدی که احتمالاً به ازدواج منجر شود دارند ولی آنها فقط می‌ترسند و هیچکس نیست که به آنها امیدواری و یا راه چاره‌ای نشان دهد. چیزی که آنها احتیاج دارند یک تعلیمات روابط جنسی غنی‌تر است که به قلب و مغز آنها عشق و علاقه‌ای را که به ازدواج منجر شود بیآموزد.

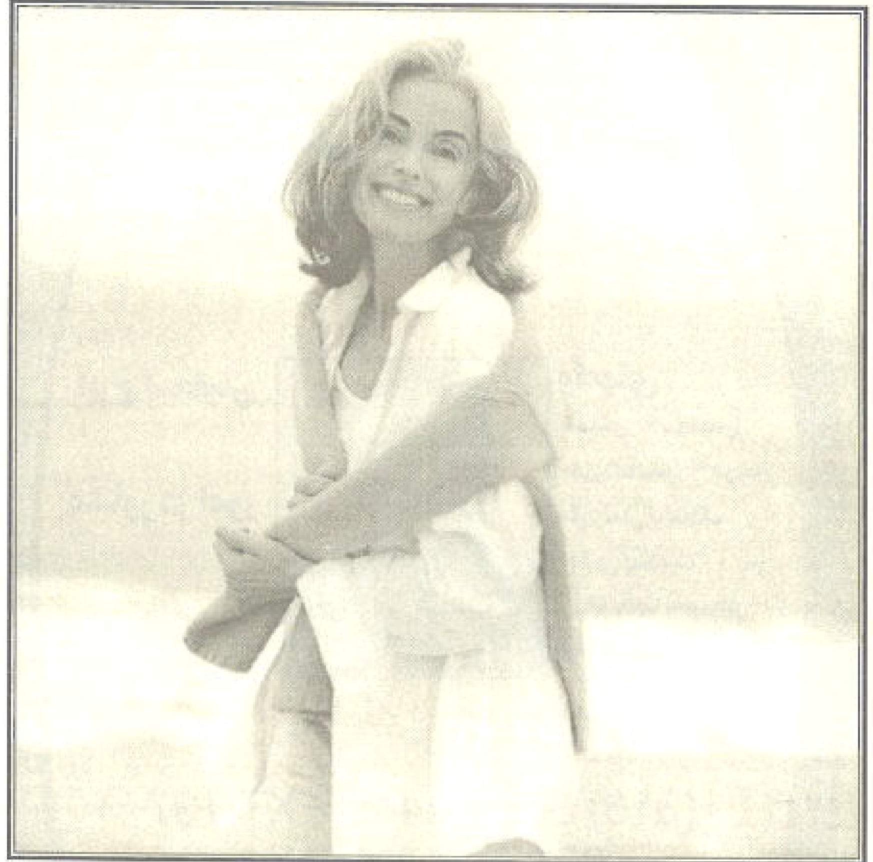
ما به جوانان می‌آموزیم که سکس چیست، عشق و محبت چیست و ازدواج چیست. به آنها می‌آموزیم که چگونه شخصیت افراد را بشناسند و روابط عمیق و طولانی را از روابط سطحی زودگذر تشخیص دهند. ما می‌خواهیم که افراد کمتر به رابطهٔ جنسی مطمئن فکر کنند و بیشتر به رابطهٔ دوستانهٔ دراز مدت که با اتحاد و نظم و علاقهٔ متقابل باشد فکر کنند. برای آموزش بیشتر بجای نمایشهایی مانند Seinfeld یا *Ally McBeal* به آنها نمایش *Orlando & Rosalid* اثر شکسپیر و یا امیل اثر روسو را نشان می‌دهیم. ما جوانان را دعوت می‌کنیم و از آنها می‌پرسیم که چرا زمانی که چشمهای آدم و حوا باز شد، آنها اعضای عریان خود را پوشاندند و نتیجه می‌گیریم که محافظه کار بودن و میانه روزی به عشق پایدار می‌انجامد.

و اینکه چرا رابرت فراست **Robert Frost** نویسندهٔ معروف به دختر و دامادش می‌گوید «شما دو نفر هرگز از یکدیگر جدا نخواهید شد تا زمانی که با یکدیگر توافق دارید که زندگی را با همهٔ پستی و بلندیهایش شانه به شانهٔ یکدیگر ادامه دهید.

نویسندگان این مقاله Amy and Leon Kass از مدرسین دانشگاه شیکاگو بوده و نویسنده کتابی در این مورد، که بخشی از آن را اینجا خوانده‌اید میباشند.

نامه‌ای از یک زن ۸۳ ساله خطاب به دوستش

برگردان: فلورا پوراتی



- اکنون بیشتر مطالعه می‌کنم و کمتر گردگیری. الان در حیاط نشسته‌ام و از طبیعت لذت می‌برم بدون آنکه نگران علفهای هرزه‌ای باشم که در باغچه روئیده است.

- بیشتر وقتم را با دوستان و فامیلم صرف می‌کنم و کمتر کار می‌کنم. سعی می‌کنم که از لحظه‌ها استفاده کنم و از آنها لذت ببرم.

- دیگر پس‌انداز نمی‌کنم و چیزی را برای بعد نمی‌گذارم.

از چینی‌های خوبمان و کریستال برای هر موقعیتی که پیش می‌آید حتی کم کردن یک پاوند وزن و باز شدن لولهٔ فاضلاب و یا شکفتن اولین گل بهاری استفاده می‌کنم. من کت قشنگم را وقتی به سوپر مارکت می‌روم می‌پوشم و عطر دلخواهم را برای مهمانی بخصوصی نمی‌گذارم. آنرا حتی برای فروشندهٔ مغازهٔ لوازم منزل و کارمند بانک هم استفاده می‌کنم.

دیگر از کلمات «یکروز» یا «یکی از این روزها» استفاده نمی‌کنم.

- دیدن، شنیدن و انجام دادن بسیار با ارزش است و من حالا می‌خواهم تا می‌توانم ببینم، بشنوم و کاری انجام دهم. می‌خواهم بدانم که مردم اگر می‌دانستند که شاید فردایی برای آنها وجود نداشت و امروز آخرین روز زندگی آنهاست چه می‌کردند؟ فکر می‌کنم آنها تمام افراد فامیل و دوستان خود را دعوت می‌کردند. آنها ممکن است که از تعدادی از دوستان قبلی خود هم دعوت می‌کردند و از آنها پوزش می‌طلبیدند.

فکر می‌کنم برای خوردن یک غذای چینی و یا هر غذایی که خیلی دوست دارند به یک رستوران خوب می‌رفتند. حدس می‌زنم، نمی‌دانم.

- خیلی کارهای کوچک است که انجام نشده باقی مانده و من خیلی عصبی می‌شوم وقتی می‌دانم که وقت کافی برایم نمانده که آنها را به پایان برسانم.

خیلی عصبانی و پشیمان هستم که به اندازهٔ کافی به شوهرم و پدر و مادرم نگفتم که چقدر آنها را حقیقتاً دوست دارم. سعی می‌کنم که هر کاری که باعث خوشحالی و لذت من می‌شود هم اکنون انجام دهم و چیزی را برای بعداً نگذارم.

- هر صبح وقتی چشمانم را باز می‌کنم به خودم می‌گویم که امروز روز فوق‌العاده‌ای است. هر روز، هر دقیقه، هر نفس حقیقتاً یک هدیه است از طرف خداوند - اگر آنها را دریافت می‌کنی یعنی اینکه یک نفر به تو اهمیت می‌دهد - یک لحظه وقت صرف کن و این نامه را برای افرادی که به آنها اهمیت می‌دهی و برایت مهم هستند بفرست - فقط برای اینکه آنها بدانند که تو به آنها فکر می‌کنی - مردم می‌گویند که دوستان واقعی همیشه دست یکدیگر را می‌گیرند ولی دوستان واقعی احتیاج ندارند که دستهای یکدیگر را بگیرند زیرا آنها می‌دانند که آن دستها همیشه برای یاری آنها آماده هستند - من به معجزه اعتقاد ندارم - من به دستهای دیگر اعتقاد دارم. □

برگزاری بر یا بت‌میتصوا به‌گونه‌ای دیگر

برگردان: مینو شباتفر (حکیمیان)



آیا به فکر برگزاری برمیتصوا یا بت‌میتصوا هستید؟ آیا از آن مراسم و مهمانی‌های پر هیاهو با دستهٔ موزیک خسته شده‌اید؟ آیا در جستجوی واقعه‌ای خلاق و محتوایی بیشتر مطابق با یهودیت هستید؟

شاید بد نباشد به آنچه یک خانوادهٔ آمریکایی برای برگزاری بت‌میتصوای دخترشان انجام دادند توجه کنید.

آنان علاوه بر آنکه ترتیب مراسم شبات را دادند و دخترشان براخای دورا تورا را خواند از **دنیس پراگر** که یک مکتبی و گرداننده برنامهٔ رادیویی است دعوت کردند تا در مراسمشان سخنرانی کند.

این کار در واقع آشنا کردن میهمانان و اعضاء کنیسا، با این شخصیت و عقاید ارزشمند وی بود. دنیس پراگر سالها با نوشته‌ها و گفته‌های خویش تأثیری قوی‌ای بر رشد یهودیت داشته است. (مقالات این نویسنده در بخش انگلیسی مجله چشم‌انداز دائماً چاپ می‌شود).

پدر این خانواده که کودکانش را به مدارس یهودی می‌فرستد، قوانین کاشروت را رعایت می‌کند و هر روز تفیلین می‌بندد، آنرا نتیجه و اثر عقاید پراگر می‌دانند که سنتهای مبتکرانه اخلاقی و فلسفهٔ یهودیت را در هم می‌آمیزد.

پراگر نشریه‌ای دارد که دو بار در ماه منتشر می‌شود به نام:

«**دیدگاه پراگر**» که در آن به مسایل اخلاقی زمان حاضر می‌پردازد مثل جنگ علیه تنبا کو که آنرا مبارزه‌ای غیر اخلاقی و غیر مسئول می‌خواند، و تلویزیون و برنامه‌های کودکان که آنرا نامناسب و ناسالم می‌داند.

وی معتقد است که باید نوارهای ویدیویی مناسب را جانشین تلویزیون کرد.

این خانواده پس از تحقیقات مختلف دریافت که برخی خانواده‌ها تا حدود ۳۵ هزار دلار و بیشتر هم خرج این شادی و مراسم آن می‌کنند. پس تصمیم گرفتند از پراگر برای سخنرانی در مراسم بت میتصوای دخترشان دعوت کنند، و به مردم نشان دهند که راههای بهتری برای شادمانی در مراسم ورود



دخترشان به دنیای بزرگسالی وجود دارد. مهمانان آنان نیز این مراسم را هدیه‌ای ارزشمند برای اعضاء کنیسا خواندند. به نظر آنها این بهترین میتصواه به شمار می‌رفت.

مخارج این مراسم که کنیسا نیز در آن سهیم شد، بسیار کمتر از بت میتصواهای آن چنانی بود. پراگر سه نوبت در کنیسا سخنرانی کرد، و مسایلی چون تربیت کودکان، یهودیت و تقدس را مورد بررسی قرار داد.

دختر خانواده ابتدا در مورد تغییر شکل جشن تولدش به خصوص در مقایسهٔ آن با جشنهای تجملی دوستانش نظر خوشی نداشت، ولی بتدریج آنرا بخاطر اعتقادی که به سخنگو داشت، پذیرفت و دوستانش آنرا با خوشحالی استقبال کردند و از آن لذت بردند.

ربای کنیسا آنرا سرمشق و نمونه‌ای برای آیندهٔ جشن‌های بت میتصوا و برمیتصوا خواند. به نظر وی این مراسم مذهبی، آموزشی برای والدین و کودکان بشمار می‌رود که دو سال قبل از بت میتصوا شروع می‌شود. و کودکان تشویق می‌شوند که در این جشن و سرور خود نیازمندان را یاری رسانند. آنان با دادن هدیه به نیازمندان و انجام امور خیریه و داوطلبانه سهم خود را در خدمت اجتماعی بخوبی ایفاء می‌کنند. برخی بجای مراسم پر هزینه و جشن‌های پر تجمل برای چشم و هم چشمی، هزینهٔ آنرا به سازمان‌های یهودی می‌پردازند. در واقع اینک والدین بجای آنکه بپرسند مهمانی چه کسی چشم‌گیرتر است؟ بهتر است بپرسند: کدامیک آموزنده‌تر می‌باشد. ربای کنیسا معتقد است که برگزاری جشن‌ها در نزد بعضی‌ها از کنترل خارج شده است. وی در کتابی به نام **«خدا را در فهرست مهمانها وارد کنید»** اظهار می‌دارد که بهتر است میتصوا را در مراسم خود بگنجانیم.

دعوت از افراد صاحب نظر یهودی در میهمانها و شنیدن سخنان آنان بهترین کمک به طبقهٔ جوان ما است، قبل از آنکه گرفتار رقابت‌های تجملی گردند.

وی پیشنهاد می‌کند که سازمانی تشکیل شود که رهبران فرهنگ یهود را در رویدادهای یهودیت دخیل سازد.

بسیاری از رهبران مذهبی و خانواده‌ها با خلق الگوهای شخصیتی یهودی برای کودکان خود موافق هستند. ولی البته باید پذیرش و موافقت کودکان را در این میان بدست آورد. آیا آنها حاضرند روزی راکه خاص آنهاست و در آن مرکز توجه قرار می‌گیرند، از دست بدهند؟ کودکان باید به درجه‌ای از رشد اخلاقی رسیده باشند و این کوششی مهم از جانب والدین است، که فرزندان خود را آماده سازند. البته دعوت از افراد صاحب نظر لزوماً مانع برگزاری جشن نیست. می‌توان هر دو را داشت بی آنکه آنقدر به تجملات پرداخت.

اثرات مثبت این نگرش را بزودی می‌توان در کودکان مشاهده کرد. بخصوص که در پایان مراسم سخنرانی فوق در کنیسا، نوجوانان دیگر نیز خواستار دعوت از سخنگوی یهودی در مراسم بت‌میتصوا و برمیتصوای خود شدند. □

خودتان را آزمایش کنید

برگردان: فلورا پوراطی

دو سئوال اخلاقی

سئوال اول

اگر شما زن حامله‌ای را می‌شناختید که در حال حاضر ۸ فرزند دارد که سه تای آنها کَر، دو تا نابینا و یکی از آنها از لحاظ ذهنی عقب افتاده است و خود زن دچار بیماری سیفلیس می‌باشد آیا شما به این زن پیشنهاد سقط جنین می‌کنید؟

سئوال دوم

زمان آن است که یک رهبر جهانی را انتخاب کنند و شما هم حق رأی دارید.

اینها حقایقی است در مورد سه کاندیدای نهائی:

کاندیدای اول: او با ستاره شناسان مشورت می‌کند تا تصمیم بگیرد، با دو زن رابطهٔ نامشروع دارد، یک سیگارکش قهار است و روزانه ۱۰-۸ گیلاس مارتینی می‌نوشد.

کاندیدای دوم: او دو بار از مقامش برکنار شده است، تا ظهر می‌خوابد، وقتی در کالج بوده مواد مخدر مصرف می‌کرد و هر شب یک بطری ویسکی می‌نوشد.

کاندیدای سوم: او یک قهرمان شناخته شدهٔ جنگ است، به گوشت لب نمی‌زند و سبزی خوار است. سیگار نمی‌کشد و گاهی اوقات یک آبجو می‌نوشد و هیچوقت هم با زنی رابطهٔ نامشروع نداشته است.

کدام یک از این کاندیداها را انتخاب می‌کنید؟ اول تصمیم بگیرید. جواب صحیح در پائین صفحه می‌باشد.

جواب:



کاندیدای اول: فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا



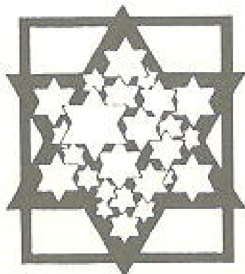
کاندیدای دوم: وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلستان



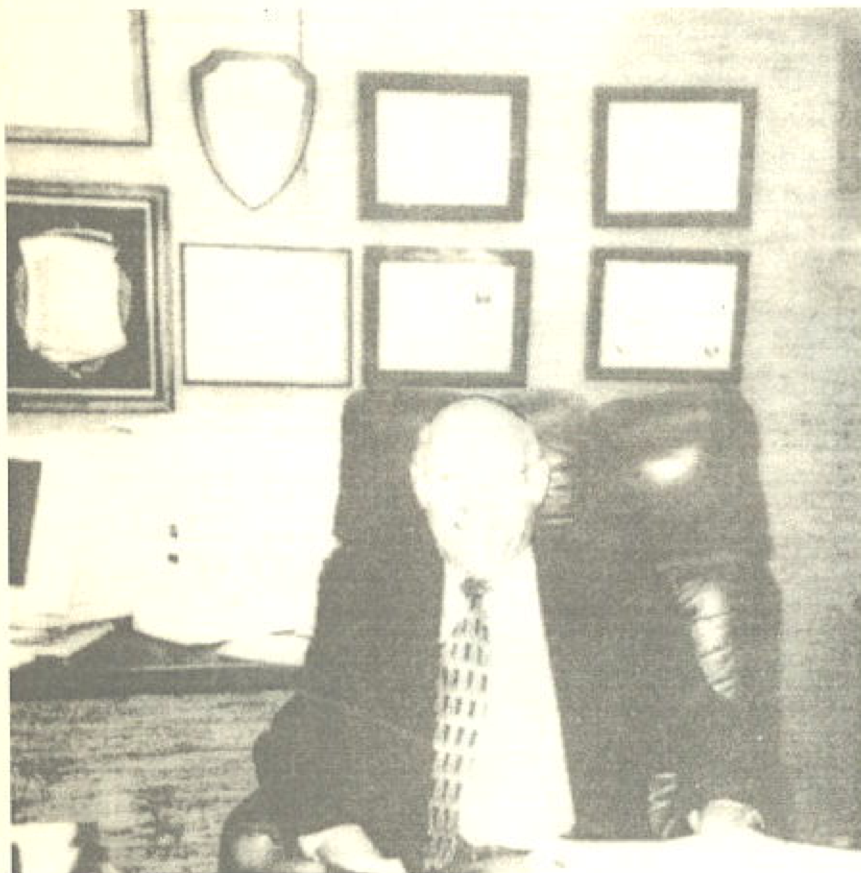
کاندیدای سوم: آدولف هیتلر



و در ضمن جواب سئوال سقط جنین - اگر جواب شما بله بوده با این تصمیم‌تان بتهوون را کشتید.



ربای وایز به لندن می‌رود



مینو مقیمی

ربای آبنر وایز **Abner Weiss** رهبر کنیساهای ارتودکس کالیفرنیای جنوبی و ربای کنیسای بت جیکوب در بورلی هیلز، آمریکا را به قصد لندن ترک می‌کند.

او مسئولیت و مدیریت مدرسهٔ بزرگ یهودی لندن و ربای کنیسای وسترن ماربل **Western Marble** در لندن را تقبل نموده است.

ربای وایز به مدت ۱۵ سال بعنوان ربای بزرگ کنیسای ارتودکس بت جیکوب فعالیت داشته و باید در نظر داشت که بزرگترین گروه ارتودکس آمریکا وابسته به این کنیساها می‌باشند. او در آفریقای جنوبی به دنیا آمده و دارای دکترا و لیسانس در فلسفه یهودیت می‌باشد و بعنوان مشاور خانوادگی نیز فعالیت گسترده‌ای داشته و همواره آمادگی خود را در بحث و گفتگو با ربایان رفورم و کنسرواتیو اعلام داشته و دارای چند رسالهٔ معروف در فلسفه و جامعه شناسی یهود می‌باشد.

مجلهٔ **چشم‌انداز** در شمارهٔ ۷۰ با ایشان مصاحبه‌ای در مورد هالاکاست داشته. برای ربای وایز و خانوادهٔ ایشان آرزوی موفقیت داریم. □

جالب و دانستنی

درازای زندگی

کودکی که امروز به دنیا می‌آید می‌تواند انتظار داشته باشد که به گونه‌ی میانگین ۷۶ سال زندگی خواهد کرد. کودکانی که در سال ۱۹۰۰ به دنیا آمدند میانگین عمرشان ۴۷ سال بود.

از هر ۲۶ کودک که امروز به دنیا می‌آید یک نفر یکصد سال زندگی خواهد کرد.

راز بهزیستی

Mayo Clinic توصیه می‌کند، اگر می‌خواهید تندرست بوده و عُمری دراز داشته باشید به نکات زیر توجه کنید:

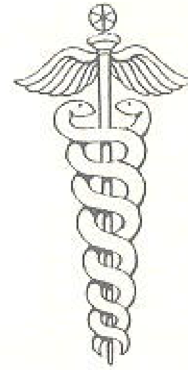
- روزی ۳۰ دقیقه ورزش کنید.
- سیگار نکشید و یا هر دودِ دیگری را به کار نبرید.
- در نوشیدن الکل رعایت احتیاط را بخرج دهید.
- غذای متعادل و متناسب مصرف کنید.
- وزن خود را متعادل نگهدارید و از اضافه وزن پرهیز کنید.
- به بهداشت و تندرستی خود حق تقدم بدهید.
- روانِ خود را آرامش بخشید.
- رفتارِ مثبتی داشته باشید.

ماهیچه‌های بدن

از سن ۵۵ سالگی، اگر یک زندگی غیر فعال داشته باشید و ورزش و حرکت نکنید، ماهیچه‌های بدن رفته رفته لاغر می‌شوند. با دید به اینکه ماهیچه‌ها مهمترین مصرف کننده‌ی نیروی بدنی هستند، لاغر شدن آنها در متابولیسم و سوختِ گلوکز و قند و نشاسته اثر ناخوشایند می‌گذارد و چربی جانشین ماهیچه‌ی از دست رفته می‌شود و حتا در گرمای بدن اختلالی بوجود می‌آید.

ورزش ماهیچه‌ها را نیرو و توان می‌بخشد. حتا در دوران کهنسالی هم فعالیت‌های بدن می‌تواند نه تنها از لاغر شدن ماهیچه‌ها جلوگیری کند، که به نیرومندی آن هم کمک نماید.

اگر تصمیم به آغازِ ورزش کردن دارید با ورزش‌های بسیار آرام شروع کنید و با احتیاط زیاد رفته رفته بر طول زمان ورزش بیفزایید. پیاده روی بهترین ورزش برای آغاز کردن است.



تازه‌های پزشکی



نوشته: دکتر نیسان بامداد
دبیر بخش پزشکی چشم‌انداز

آیا میدانید؟

- ماهی‌هایی که از دریاچه‌های داخلی شهرها صید می‌شود ممکن است آلوده به مواد سرطان‌زا باشد. ماهی‌هایی که از بخش‌های عمیق اقیانوس صید می‌شود این خطر را ندارد.

- آب پرتقال از دید ویتامین‌ها و مواد غذایی سرشارتر از آب سیب است. میزان ویتامین C در آب پرتقال ۵۰ برابر ویتامین C در آب سیب است. میزان فولیک اسید آن ۱۷۰ درصد بیشتر و میزان پوتاسیوم آن ۵۰ درصد بیشتر از آب سیب است.

- یک عدد **Hot dog** معمولی ۱۳ گرم چربی دارد که وارد خون شده و در دیوار رگها ممکن است رسوب کند.

-کافئین در فنجان قهوه و یا نوشابه‌ها مقداری از کلسیم بدن را از راه ادرار به بیرون می‌فرستد.

-گوشت جوجه معمولاً با باکتری سالمونلا آلوده است. حتی پس از کباب شدن از هر ۵ تکه گوشت جوجه کباب شده یک تکه آن ممکن است آلوده باشد که باعث اسهال و تهوع و استفراغ و تب می‌شود. گوشت جوجه را در حرارت زیاد کباب کنید.

- در کشور آمریکا مصرف نمک از راه غذا چند برابر میزان توصیه شده است. نمک می‌تواند به مرور زمان فشار خون را بالا ببرد. از سن ۵۰ به بالا از میزانِ نمک مصرفی بکاهید تا دچار فشار خون نشوید.

- اگر چه روغن زیتون بهتر از روغن‌های دیگر است ولی فراموش نکنید که روغن است و صد در صد چربی و ممکن است افراط در مصرف آن شما را چاق کند.

- در چربی، کلسترول وجود ندارد ولی مصرف آن و جذب چربی از راه روده، وارد خون و سپس کبد می‌شود و کبد از چربی کلسترول می‌سازد. امّا در گوشت قرمز مقدار زیادی کلسترولِ آماده‌ی جذب وجود دارد.

- مصرف الکل حتا با میزان کم در خانمهایی که قرص‌های ضد باروری مصرف می‌کنند، میزان استروژن خون را سه برابر می‌سازد. اگر میزان استروژن خون خیلی بالا رود خطر سرطان پستان پیش می‌آید.

- اسید فولیک خطرِ بروز بیماریهای قلبی را کاهش می‌دهد. بیماریهای قلبی عاملِ شماره یک مرگ و میر در آمریکا شناخته شده است.

-اگر دارو مصرف می‌کنید در مصرف گریپ فروت احتیاط کنید. این میوه جذبِ پاره‌ای از داروها را چند برابر می‌کند. با پزشک خود مشورت کنید.

دوران میانسالی در بانوان

اندامهای بدن انسان حتی پس از تولد تغییراتی پیدا می‌کند که تا میانسالی و پیری ادامه دارد. این تغییرات در نوزاد و کودک شامل تکامل مغزی، رشد و نمو پاره‌ای از غده‌های درونی و یا احتمالاً پژمردگی و کاهش بعضی از این غدد است.

در بلوغ در پسرها، بیضه‌ها به فعالیت می‌افتد و در دخترها تخمدان‌ها و زهدان تکامل پیدا کرده و عادت ماهیانه (قاعدگی) آغاز می‌شود و رفته رفته دختر جوان برای باردار شدن آمادگی پیدا می‌کند.

دوران میانسالی چه در مرد و چه در زن دورانِ تکاملِ پیوندِ جسم و روان است (**Body/Mind Connection**). در بانوان در این دوران تخمدانها و زهدان نیز تغییراتی پیدا می‌کنند که کاملاً طبیعی و فیزیولوژیک است و دنباله‌ی همان تکامل طبیعیِ اندامهای بدن است.

در روزگارِ پیشین که میانگینِ عمرِ آدمی ۴۰ تا ۵۰ بود، واژه‌ی یائسگی برای این دوران برای بانوان بکار می‌رفت این واژه که هم بی معنی و هم بی مناسبت است باکمال تأسف با واژه‌های پیری، کهنسالی و سالخوردگی همردیف بکارگیری می‌شد. چه این تغییرات فیزیولوژیکی و طبیعی در زنها در ده سال پایان زندگی اتفاق می‌افتاد.

در روزگارِ کنونی که میانگین درازای زندگی به ۷۰ و ۸۰ سال رسیده است، تغییراتِ طبیعی در اندامهای آمیزشی زن یعنی تخمدانها و زهدان، در دوران میانسالی قرار می‌گیرد و بخشی از تکامل اندامهای بدن بشمار می‌رود.

در دوران میانسالی در بانوان، فعالیت تخمدانها رفته رفته کاهش می‌یابد، اگر چند تخمک در تخمدان باقی باشد به مرحله‌ی بلوغ و تکامل نمی‌رسند، به لوله‌های زهدان و درون آن مهاجرت نمی‌کنند، ترشح استروژن از تخمدان کاهش می‌یابد و قاعدگی نامنظم و سرانجام قطع می‌شود.

ولی بافت همبند (**Connective Tissues**) در تخمدانها میزان کمی استروژن وارد خون می‌سازد و بافت چربی هم میزان کمی پروژستین ترشح می‌کند.

به باورِ من، علتِ این تغییرات طبیعی و فیزیولوژیک در اندامهای آمیزشی زن در دوران میانسالی بدون حکمت نیست. زیرا باردار شدن، زایمان، شیر دادن نوزاد و مراقبت ازو و بزرگ کردنِ کودک وظایفی بس بزرگ است و دارنده‌ی این وظایف یعنی مادر لازم است تندرست و جوان باشد تا این وظایف را بتواند بعهده بگیرد و بنحو خوشایند انجام دهد.

با پیشرفت بسیار چشم‌گیر در دانش پزشکی به ویژه در ۲۰ سال اخیر، دانشمندان توانسته‌اند به ویژگی‌های بدن آدمی بیشتر و بهتر

آشنا شده و نکات پیچیده آن را بررسی نمایند و تکامل اندامهای بدن و تغییرات دایم فیزیولوژیکی و طبیعی آن را بشناسند. با دانش بدین تکامل، واژه‌ی (یائسگی) که حتی برای ۵۰ سال پیش هم بی مناسبت بود، باید برای همیشه بکنار رود. در آینده در نوشتارها واژه‌ی (میانسالی) برای خانمها به‌کارگیری خواهد شد و اگر واژه‌ای مناسبتر پیشنهاد شد باکمال خوشوقتی آنرا خواهیم پذیرفت.

در پایان، تکرار این موضوع لازم است: تغییرات در دستگاه آمیزش در خانمها در میانسالی، امری است فیزیولوژیک و طبیعی و نباید بعنوان ازکار افتادگی اندام، یا فرسودگی بدن و یا پیری تلقی شود. میانسالی دورانی است پر بار از زندگی، بزرگترین برداشت را از آن بهره بگیرید.

ازدواجهای بین خویشاوندان و خطرات آن
Intermarriage and Cenetic Diseases
ژن‌ها چگونه انتقال می‌یابند

درکشور عربستان سعودی بیشتر از همه جای دنیا ازدواج‌های نزدیک و خویشاوند صورت می‌گیرد. ساکنان این کشور نه تنها همگی از یک تبار مذهبی هستند، که حتا قبایل و قوم‌های گوناگون تلاش می‌کنند نسل خود را پاک و دست نخورده باقی نگهدارند. ازدواج بین خویشاوندان در این قبایل تشویق می‌شود و حتا ازدواج دورتر از خویشاوندان ولی بین افراد همان قبیله هم بندرت صورت می‌گیرد بگونه‌ای که ۵۶/۸ درصد ازدواجها در آن کشور، بین خویشاوندان انجام می‌گیرد.

بررسی‌های تازه از سوی پزشکان و کارشناسان نشانگر همه گیری بیماریهای ارثی و ژنتیک در آن کشور است.

بیماری دیابت به شکل همه گیر در آمده است. بیماری Thalasemia و Sickle Cell Anemia و بیماریهای دیگر خونی که ریشه‌ی ارثی و ژنتیک دارند در آن کشور ۲۰ برابر دیگر کشورهای جهان دیده می‌شود.

ازدواج‌های خویشاوندی نه تنها ژن‌های ناهنجار و جهش یافته را از پدر و مادر به فرزندان انتقال می‌دهد که بیماری حاصله ناشی از ناهنجاری ژنتیک در فرزندان شدیدتر است.

فرزندان ژن‌های ناهنجار را از والدین خود می‌گیرند و فرزندان این فرزندها که با هم پسر عمو و یا دختر عمو، پسر دایی یا دختر دایی، پسر خاله یا دختر خاله، پسر عمه و یا دختر عمه هستند وقتی با هم ازدواج می‌کنند، زوج‌ها هر دو، یک یا چند ژنِ ناهنجار همانند را دارا هستند، و فرزندانِ آنها ژن‌های ناهنجار همانند را هم از پدر و هم از مادر دریافت می‌کنند و به بیماری ناشی از آن ژن ناهنجار دچار می‌شوند.

در پاره‌ای از بیماریهای ارثی و ژنتیک، اگر فرزند یک ژنِ معیوب را تنها از پدر و یا تنها از مادر خود دریافت کند ممکن است به بیماری ناشی از جهشِ آن ژن دچار نشود، ولی اگر ژن را هم از پدر و هم از مادر دریافت کند شانسِ دچار شدن بسیار زیاد می‌شود.

از سوی دیگر در گروه دیگر از بیماریهای ارثی و ژنتیک، پدر و یا مادر ممکن است بیماری را یا تنها به پسرها و یا تنها به دخترهای خود انتقال دهند. ولی هنگامی که هم پدر و هم مادر یک ژنِ معیوب همانند را به فرزندان منتقل سازند، شمار بیشتری از فرزندان دچار بیماری ارثی می‌شوند.

در نسل‌های بعد و بعدی بر شمارِ ژن‌های ناهنجار افزایش می‌یابد و در فرزندان نسل‌های آینده شمار ژن‌های ناهنجار بسیار زیادتر خواهد بود.

انقراضِ چنین قبایلی اگر چه فوری نیست ولی در دراز زمان و قرنهای آینده امکان بیشتری دارد.

ژن‌های آدمی، سرنوشتِ انسانها را بدست دارند. رنگ، قد، رنگ چشم و مو، و بسیاری از خصوصیات شخصیتی و اخلاقی را ژن‌ها هدایت می‌کنند. بدیهی است پیرامون زندگی و شرایط آن نیز تا حدی روی شخصیت انسانها اثر دارد. ولی بیماریهای ارثی و خصوصیاتی که زیر کنترلِ ژن‌ها قرار دارد قابل تغییر و یا تصحیح نیست.

ژن‌ها چگونه انتقال می‌یابند: بدن انسان از میلیاردها سلول (یاخته) ساخته شده است. سلول‌ها که به ظاهر کوچکترین واحد موجود زنده را تشکیل می‌دهند در درون خود دارای هسته هستند. در هر هسته از سلولهای انسانی ۲۳ جفت کروموزوم قرار دارد و نزدیک به ۸۰،۰۰۰ ژنِ انسانی روی ۲۳ جفت کروموزوم نشسته‌اند.

هر دو تک کروموزوم که با هم تشکیل یک جفت را می‌دهند با هم همانند هستند، به جز تک کروموزومهای جفت ۲۳ در مردها که یکی را به نام X و دیگری را به نام Y می‌نامند، X و Y در مردها با هم همانند نیستند.

سلولهای بدن مدام تقسیم می‌شوند و سلولهای تازه و جوان که جانشین سلولهای کهنه می‌شوند نیز دارای همان ۲۳ جفت کروموزوم هستند ولی در سلولهای دستگاه آمیزشی مرد و زن که در مرد اسپرم را می‌سازند و در زن در تخمدان تخمک را می‌سازند، هنگام تقسیم، هر جفت کروموزوم به دو تک کروموزوم تقسیم می‌شود، به گونه‌ای که اسپرماتوزوئید و یا تخمک حاصل از تقسیم، هر کدام دارای ۲۳ تک کروموزوم هستند.

کروموزوم ۲۳ در تخمک همگی بهم شبیه و به نام X نامیده می‌شوند. ولیِ کروموزوم شماره‌ی ۲۳ در اسپرماتوزوئیدها در گروهی X و در گروه دیگر Y است.

هنگام آمیزش اسپرماتوزوئید و تخمک برای تشکیل جنین در زهدانِ مادر، اگر یک اسپرماتوزوئید X با تخمک بیامیزد نتیجه XX و جنین دختر خواهد بود ولی اگر اسپرماتوزوئید حامل Y با تخمک آمیزش پیداکند جنین دارای کروموزوم جفت شماره‌ی ۲۳، XY خواهد شد که پسر است.

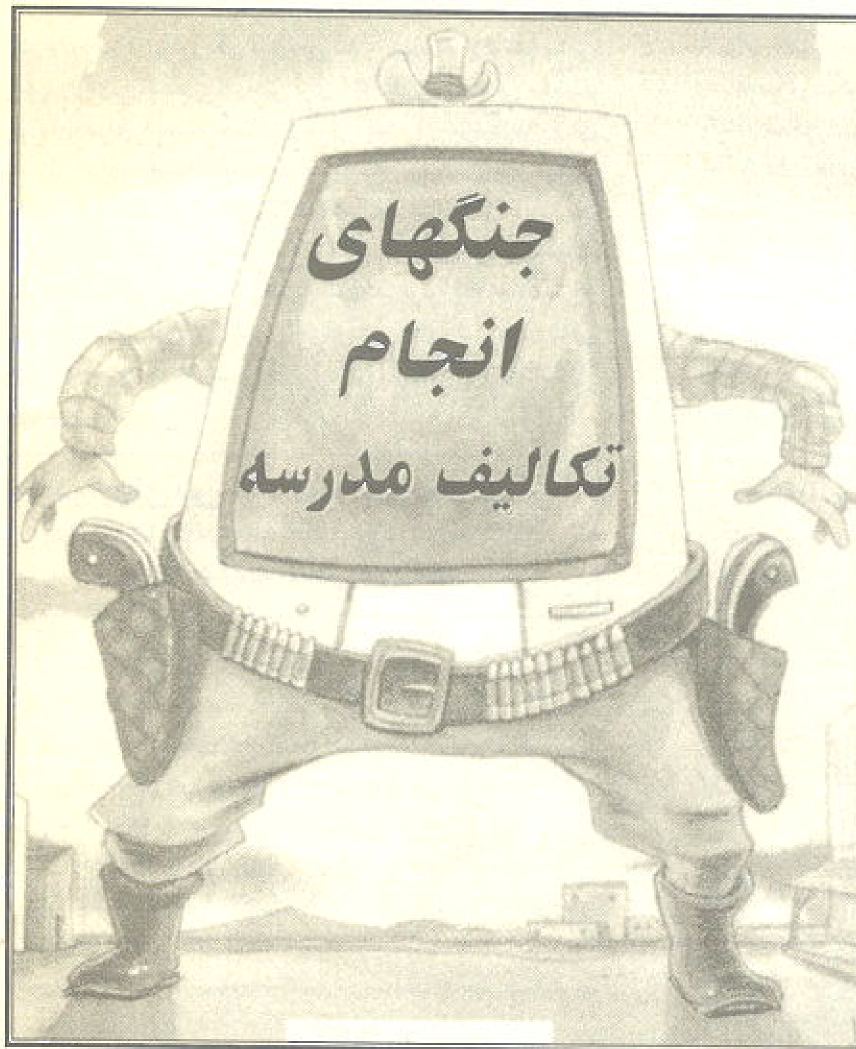
در بسیاری از منازل تکلیف مدرسه یک مبارزهٔ احساسی است. در واقع تکلیف مدرسه اغلب سرچشمه بسیاری از تیرگی روابط بین والدین و بچه‌ها است. برای بسیاری از بچه‌ها تکلیف مدرسه چیزی است که بایستی از آن اجتناب کرد، یا فراموش کرد و یا با سرعت از آن گذشت. در حالی که والدین ارزش آن را تشخیص داده و غالباً نیز از نقش خود در بخوبی انجام دادن آن مطمئن نیستند.

والدین مشتاق هستند که فرزندانشان در مدرسه موفق بوده و از اهمیت آن در موفقیتهای آکادمیک آگاه باشند. به والدین گفته می‌شود که دخالت نکنید، ولی والدین دانش‌آموزی در کلاس اول به زودی در می‌یابند که به این سادگی هم نیست. والدین بزودی متوجه می‌شوند در یک عمل تعادلی بسیاری حساس گیر کرده‌اند، اگر آنها خود را زیاد وارد انجام تکالیف مدرسه کنند و مکان اینکه فرزندان کوچکشان به آنها متکی شوند و فرزندان بزرگترشان تمرد کنند هست. اگر دخالتی در انجام تکالیف مدرسه نکنند ممکن است که از مسایل آکادمیک فرزندانشان آگاه نشده و یا تا جلسهٔ آینده انجمن خانه و مدرسه از کامل نکردن تکالیف فرزندانشان با خبر نشوند. والدین بایستی بسیار مواظب باشند، آنها در حالی که استقلال و مسئولیت را به فرزندانشان یاد می‌دهند، بایستی تکالیف مدرسهٔ آنها را نیز سرپرستی کنند.

سرپرستی کردن تکالیف مدرسه فرزند یکی از بهترین راههای ترفیع موفقیت‌های آکادمیک اوست. ولی سرپرستی کردن بدان معنی نیست که شما با او هم کار کنید.

اول و مهمتر از همه، اهمیت تکلیف مدرسه به فرزندتان تأکید کنید. به او یادآوری کنید که تکالیف مدرسه بر همه چیز اولویت دارد و تکمیل کردن آن چانه‌ای نیست. اگر یک واقعه غیر قابل پیش‌بینی مانع انجام تکالیف مدرسه‌اش شد، به او یادآوری کنید که روز آینده بایستی آنها را تکمیل کند.

همیشه فکر کنید که شما مشاور و یا مدیر برای فرزندتان هستید. آماده باشید



یاری دهنده‌های تکلیف مدرسه برای والدین

نویسنده: دکتر کِنِت شُر
برگردان: منیژه شایسته یومطوبیان

که اگر فرزندتان احتیاج به کمک داشت به شما مراجعه کند ولی کمک خود را در مورد روش انجام دادن تکالیف (بخصوص ریاضیات که روش متفاوت انجام آن باعث سر در گُمی می‌شود) به او تحمیل نکنید. شما ممکن است خط مشی خود را در مورد تکالیف مدرسه اینگونه برای فرزندتان تشریح کنید: «انجام تکالیف مدرسه وظیفهٔ توست، من حاضرم که اگر مشکلی داشتی و یا احتیاج داشتی که به آنها رسیدگی کنی، به تو کمک کنم. تا آنجایی که می‌توانی خودت آنها را انجام دهی. اگر فرزندتان کمک شما را نخواست، او را تنها بگذارید. اصرار نکنید، اذیت نکنید، و او را با سئوالات فراوان در موقع تکالیف بمباران نکنید.

هیچ فرمول معجزه‌گر برای اطمینان انجام درست تکالیف مدرسه وجود ندارد. روشی که برای بچه‌ای کار می‌کند،

برای دیگری نمی‌کند. اگر شما دریافتید که روشی برای فرزندتان کار نمی‌کند، آن را تغییر دهید. ولی همیشه به خاطر داشته باشید که تکلیف مدرسه وظیفهٔ اوست نه شما. بعضی از پیشنهادات زیر ممکن است که به شما کمک کند:

- روش خود را با سن فرزندتان تطبیق دهید.

به عنوان یک قانون عمومی، والدین بایستی بیشتر در انجام تکالیف فرزندان کوچکترشان دخالت کنند. مثلاً زمانی که فرزندتان کلاس اول، دوم و یا سوم است ممکن است که شما بخواهید به او در شروع انجام تکالیف کمک کنید و یا آنکه در تکمیل آن به او کمک کنید. او به کلاس چهارم که رسید کمی اشاره برای شروع انجام تکالیف کافی است، و اگر خیلی لازم شد گاهگاهی اظهار به کمک کردن کنید. همچنانکه فرزندتان بزرگتر می‌شود انتظار داشته باشید که او مسایل مربوط به کار مدرسه‌اش را مانند بحث در مورد تکالیف مدرسه با معلمش و تلفن به دوستانش راجع به کار مدرسه را خودش انجام دهد.

- خانه را طوری بچینید که برای مطالعه مناسب باشد.

بچه‌ها در سکوت بهتر کار می‌کنند. محیطی روشن، بدون آشفتگی و شلوغیهای فامیلی، اما بعضیها با کمی صدا مانند موزیک بهتر درس می‌خوانند. اینکه کجا تکالیف مدرسه را انجام می‌دهند اینقدر اهمیت ندارد که چگونه آنها را انجام می‌دهند. اگر که او تکالیفش را درست و با مسئولیت کامل می‌کند، اهمیتی به مکان و روش مطالعه ندهید. برای او جای مناسبی برای نوشتن، فضای نگاهداری کردن و همچنین وسایل لازم مانند کاغذ، قلم، قیچی، خط‌کش و دیکشنری تهیه ببینید. برای دانش‌آموزان سالهای آخر، تهیهٔ فرهنگ لغات، دائره‌المعارف، و نقشه نامه نیز ممکن است مؤثر باشد. یک بسته کارتهای شاخص برای انجام پروژه‌ها مهیا داشته باشید.

- از اول سال یک برنامه منظم انجام تکالیف درست کنید.

با فرزندتان صحبت کنید و بر سر یک ساعت خاص برای انجام تکالیف توافق کنید. سعی کنید که برنامه را سر وقت اجرا کنید. بعضی از بچه‌ها می‌توانند تکالیف خود را درست بعد از مدرسه آمدن کامل کنند و بعضی دیگر احتیاج به کمی استراحت دارند و بعد شروع می‌کنند. بعضی بهترکار می‌کنند اگر آنرا در دو یا سه زمان منقطع انجام دهند. از انجام تکالیف درست قبل از ساعت خواب اجتناب کنید، زیرا زمان انجام تکالیف معمولاً بیش از آنکه انتظار می‌رود طول می‌کشد و بچه‌ها در آن موقع چندان هشیار نیستند. فرزندتان را تشویق کنید که سخت‌ترین کارش را در زمان هشیاریش انجام دهد. عادت کنید که زمان طولانی برای انجام تکالیف روی تقویم بگذارید و یا بهتر آنکه فرزندتان را مجبور کنید که اینکار را انجام دهد.

- روش «انجام تکالیف قبل از تلویزیون» را به اجرا در آورید.

با وجودی که فرزندتان اصرار دارد که او می‌تواند با تلویزیون روشن تکالیف مدرسه‌ای را انجام دهد، اجازه چنین کاری این پیغام را به او می‌دهد که شما چقدر برای انجام تکالیف مدرسه ارزش قائل هستید. قانونی

بگذارید که قبل از روشن کردن تلویزیون تکالیف مدرسه بایستی تمام شده باشد. اینکه به فرزندتان اجازه دهید که بلافاصله بعد از آن که تکالیفش تمام شد تلویزیون تماشا کند، ممکن است او را تشویق کند که با سرعت و بدون دقت درسش را تمام کند که برنامه دلخواه خود را در تلویزیون تماشا کند.

- اگر درخواست شد کمک کنید ولی کار را برایش انجام ندهید.

فرزندتان را مجبور نکنید که با شما کار کند. اصرار والدین غالباً به مقاومت فرزندان ختم می‌شود. بگذارید فرزندتان بداند که شما فکر می‌کنید که انجام تکالیف مدرسه مسئولیت اوست، ولی اگر او احتیاج داشت شما حاضر به کمک هستید. در زمان انجام تکالیف، حاضر باشید که اگر او احتیاج داشت به او کمک کنید، و چند دقیقه‌ای یک بار به او سر بزنید. زمانی که با او کار می‌کنید سعی کنید که بجای حلّ مسایل برای او، با اشاره و سؤالات راهگشا او را قادر سازید که خودش مسئله را حل کند و یا راه حل کردن یک مسئله را به او نشان دهید و از او بخواهید که در حالیکه شما تماشا می‌کنید مسئله بعدی او را حل کند.

دانش آموزانی که به سختی دستورات تکالیفشان را درک می‌کنند، ممکن است از خواندن دستورات با صدای بلند و یا اینکه کس دیگری برای آنها بخواند استفاده ببرند. اگر فرزندتان به آسانی عاجز می‌شود، به او کمک کنید که تکالیفش را قدم به قدم با تقسیم کردن آن به اجزا کوچکتر که بیشتر قابل حمل است انجام دهد.

- مثبت و به فکر موفقیت باشید.

جای اول در شرح وظایف والدین کمک کننده به تکالیف مدرسه ارتقاء اعتماد به نفس است که باعث تشویق او در انجام تکالیفش بطور مستقل می‌باشد. با مسایل نسبتاً ساده و آسان شروع کنید که اعتماد به نفسش را زیاد کنید و کم‌کم به سوی مسائل سخت‌تر که هنوز در حیطه تسلط او نیست حرکت کنید. برای فعالیتها و موفقیتهایش او را تشویق کنید و از اظهارات منفی و ناامید کننده اجتناب کنید. قبول انتقاد از شما برای فرزندتان سخت‌تر از قبول آن از معلمش است. مواظب عکس‌العملهای خود باشید، اگر احساس می‌کنید که عصبانی، تند مزاج و بی حوصله مانند تمام والدین کمک کننده انجام تکالیف هستید، شما احتمالاً این احساس را به فرزندتان منتقل می‌کنید و موقع آن رسیده که توقف کنید. او را تشویق کنید که کارش را خودش به تنهایی انجام دهد. بطور کلی شما آن موقع بیشتر موفق هستید که هر دو نفر شما زمانی که با هم کار می‌کنید خسته و تحت فشار نباشید.

- انجام تکالیف از طریق بحثها و فعالیتهای فامیلی تشویق کنید.

به فرزندتان نشان دهید که چگونه انجام تکالیف به فعالیتهای روزمرهٔ واقعی زندگی مربوط است (مثلاً از فرزندتان بخواهید که با استفاده از مهارت تقسیم کردن استفاده کرده و چند مایل در گالن بنزین را برای ماشینتان حساب کنید) این باعث درک و فهم بیشتر و محرک علاقهٔ او در یادگیری در کلاس می‌شود. همچنین، ترتیب مسافرت به محلهای مورد علاقه را طوری ترتیب دهید که همزمان با یادگیری در مورد آنها در مدرسه باشد.

- با معلم او در صورت لزوم تماس بگیرید.

به عنوان یک راهنمای تقریبی، اگر فرزندتان بیش از ۲۵٪ مسایلش را غلط حلّ کرده، ممکن است که تکالیفش آنقدر سخت است که ارزش یادگیری ندارد. اگر فرزندانتان حل کند.

مرتباً در فهمیدن تکالیفش مسئله دارد، زمان بیشتر از آنکه شما فکر می‌کنید برای حلّ مسئله می‌گیرد، و یا ادعا می‌کند که هیچوقت تکلیف مدرسه نداشته است، با معلمش تماس بگیرید. شما همیشه نمی‌دانید روی معلم حساب کنید، خصوصاً در سطح کلاس دوم که اگر فرزندتان تکالیفش را انجام نداد با شما تماس بگیرد. این بحثهای با معلم ممکن است باعث تغییر در روشهای تعلیمی برنامه‌های آموزشی، و تعیین تکلیف برای فرزندتان شود. نتیجه هر چه باشد، هیچوقت از معلم روبروی فرزندتان انتقاد نکنید.

- با روش یادگیری فرزندتان کار کنید.

به عادتهای انجام تکلیف فرزندتان توجه کنید و برای حل مسائل آن خلاق باشید. اگر او به آسانی گیج و بی توجه می‌شود در برنامه‌اش زمانهای استراحت بگنجانید. از ساعتهای شماطه دار استفاده کنید و بعد از هر بیست دقیقه یک زمان استراحت بدهید (زمان استراحت نیز بایستی حساب شود) و دو مرتبه او را وادار به انجام کار مدرسه‌اش بکنید. بعضی از دانش‌آموزان که به آسانی گیج می‌شوند قادر هستند جلو صدا را با پوشیدن گوشی‌های انسدادی بگیرند. دانش آموزانی که به سختی دستورات تکالیفشان را درک می‌کنند، ممکن است از خواندن دستورات با صدای بلند و یا اینکه کس دیگری برای آنها بخواند استفاده ببرند. اگر فرزندتان به آسانی عاجز می‌شود، به او کمک کنید که تکالیفش را قدم به قدم با تقسیم کردن آن به اجزا کوچکتر که بیشتر قابل حمل است انجام دهد. وقت گذاشتن یک مسئله احتمالی دیگر است. بعضی از بچه‌ها ممکن است احتیاج به کمک در حساب کردن تعیین زمان کافی برای انجام تکالیفشان دارند.

- راههای رسیدگی به تکالیف فرزندتان حتی اگر آنجا نباشید را تعیین کنید.

بچه‌هایی که فعالیتهای عصرانه دارند ممکن است که احتیاج داشته باشند که تکالیفشان را بلافاصله بعد از مدرسه انجام دهند. اگر شما خانه نیستید که از انجام آنها اطمینان حاصل کنید، ممکن است که سر وقت انجام آنها به خانه تلفن کنید و یا از ساعت شماطه‌دار استفاده کنید که درست سر وقتی که او بایستی شروع کند زنگ بزند. زمانی را تعیین کنید که بعد از آنکه او کارهایش را کرد، به آنها رسیدگی کنید.

- شروع ارتباط تلفنی برای تکلیف مدرسه را بررسی کنید.

بعضی از مدارس در ناحیه‌های مختلف و یا گروهی از والدین کمک تلفنی از جانب معلمین برای دانش‌آموزانی که مشکل دارند (والدینی که عاجز شده‌اند) عرضه می‌کنند. معلم جواب سؤال یا حل مسئله را به فرزندتان نمی‌دهد، بلکه به او کمک می‌کند که راه حل مسئله را پیدا کند. در بعضی از نواحی برنامه‌های کمکی در کتابخانهٔ محلّ تهیه می‌بینند در حالیکه عدهٔ دیگری از تلویزیون برای کمک به دانش‌آموزان برای انجام تکالیفشان استفاده می‌کنند. ایجاد چنین خط ارتباطی تلفنی را در صورتیکه در مدرسه ناحیهٔ شما وجود ندارد به مسئولین آموزش آن ناحیه پیشنهاد کنید. بعضی از کمپانیهای محلی ممکن است که بودجهٔ آن را تأمین کنند. □



چطور مادر شوهر خوبی باشیم

عروسم روبرویم نشسته بود و در حالیکه لبخند می‌زد به من خیره شد و گفت «اگر می‌خواهی که یک مادر شوهر بد باشی باید این مراتب را از شمارهٔ یک تا ده رعایت کنی» اصولاً کلمهٔ «مادرشوهر» لقبی است که بعضی اوقات شما نمی‌خواهید به شما داده شود.

حقیقت این است که معلوم نیست مادر همسرها چه عواملی را باید رعایت کنند تا خوب بشمار آیند. بعضی‌ها را می‌بینیم که رفتار خیلی غیر قابل تحملی دارند ولی هنوز بعنوان مادر شوهر خوب بشمار می‌روند و همه آنها را دوست دارند. بعضی‌ها با اینکه خیلی سعی می‌کنند که خوب باشند ولی کمتر می‌شود آنها را تحمل کرد. پس ممکن است آسان‌تر باشد که بگوییم که چطور می‌شود یک مادر شوهر بد بود.

– در مراسم عروسی پسرتان به همه بگویید که شما با عروسی پسرتان با این زن موافق نبودند و دلایل کافی هم بیاورید.

– هر وقت به منزل پسرتان تلفن می‌کنید و عروستان گوشی را بر می‌دارد سلام و احوالپرسی را فراموش کرده و به اصل مطلب بپردازید و از او بپرسید: «می‌شود لطفاً با پسرم صحبت کنم؟»

– همیشه سعی کنید در برابر مردم در مورد عروس یا دامادتان تبلیغ منفی کنید.

وقتی خواننده و سناتور معروف Sonny Bono در یک حادثهٔ اسکی کشته شد همسر او Mary سعی کرد که در سنا جای شوهر خود را بگیرد. مادر Sonny در رادیو و تلویزیون گفت که او بر علیه این کار عروسش است چون این کار او فرزندان Sonny را یتیم می‌کند. Mary در انتخابات سنا برنده شد و می‌گوید بیشتر برای این رأی آورد که مردم برای داشتن مادر شوهر بد با او همدردی کردند.

– موذی و کنجکاو باشید سعی کنید که آنرا انکار کنید. وقتی ۴ پسر یک مادر شوهر آمریکایی برای تعطیلات به خانهٔ او آمدند سعی کرد که هر چهار اطاق خواب آنها را تزئین کند. در اطاق یکی از پسرهایش قاب عکسی از پسرش و همسر او راگذاشته بود ولی متأسفانه عکس همسر قبلی او بود. این مادرشوهر نزدیک بین است ولی نه آنقدر نزدیک بین که نتواند عکسها را تشخیص دهد.

تمام مادرها متوجه می‌شوند که مادر شوهر خوب و کامل بودن غیر ممکن است. عروسی می‌گوید: «ولی با باید سعی کنیم که

برگردان: فلورا پوراتی

این عقیده که «در دنیا شوهر خوب وجود ندارد مثل اینکه هیچ مادر خوبی وجود ندارد» را عوض کنیم.

اولین کاری که می‌کنید باید فرزند خود را رها کنید. رها کردن یعنی اینکه تمام

درد و رنجها و ناراحتی‌های خود را با عروس و یا دامادتان در میان نگذارید. اصرار نکنید که زوج جوان حتماً باید در تمام تعطیلات به منزل شما بیآیند و اینکه در مورد همه چیز به آنها نصیحت نکنید. معنی دیگر رها کردن فرزندان این است که ازدواج فرزندان برای شما یعنی از دست دادن او و شما حق دارید که غمناک باشید. ابتدای کار شما چون خورشید، ماه و ستاره‌ای برای بچه‌تان بوده‌اید و حالا شما چه هستید؟ دوم؟ سوم؟ و یا آخرین نفری که او احتیاج دارد. ولی باید در نظر داشته باشید که فقط بخاطر مادر او بودن هنوز مقداری روی پسرتان نفوذ دارید.

مطمئناً عروسهای امروزی خیلی قوی‌تر از عروسهای قدیم هستند. زمانی بود که مادرشوهرها قدرت مطلق را داشتند ولی آن روزها سپری شده است. این روزها مادرشوهرها کمی نگران و کم قدرت‌تر شده‌اند و با نگرانی می‌گویند که «هر چه باشد نوه‌هایشان را عروسشان کنترل می‌کند».

روان شناس معروف نانسی واسرمن **Nancy Waserman** در کتابش خاطر نشان می‌سازد که والدین نقش بسیار مهمی را در شکل دادن، حمایت و یا متعادل ساختن یک ازدواج بازی می‌کنند. آنها ممکن است این کنترل را با فریاد و صدای بلند و یا با زمزمه کردن، از راه دور و یا از این اطاق به آن اطاق انجام دهند ولی حضورشان در هر ازدواجی احساس می‌شود. وظیفهٔ یک زوج جوان است که صداقت و یگانگی را از والدین به همسر خود انتقال دهند. امان معتقد است که «برای مادر زیاد آسان نیست که تشخیص دهد که زوج تازه احتیاج دارند که وقتشان را با یکدیگر صرف کنند تا آنکه آنرا صرف داشتن رابطه با او کنند».

**وقتی او می‌گوید «شما به من بگویید که روز عید شکرگذاری چه کنم؟» یک حرکت ماهرانه است. وقتی زوج جوان از صرف شام با او خودداری می‌کنند و او می‌گوید «امیدوارم که روزی دوباره بتوانم نوه‌هایم را ببینم».
بعضی اوقات هم سوء تفاهم باعث کدورت بین عروس و مادرشوهر می‌شود. زیرا مادرشوهرها همه چیز را بخود می‌گیرند. بعضی اوقات ممکن است عروس با مادر خود درگیری دارد ولی در عوض تقصیر را به گردن مادرشوهر خود می‌اندازد و با او درگیر می‌شود.**

بعضی مادرشوهرها یا مادرزنها عروس یا دامادشان را عجیب و مرموز می‌دانند. آنها راهی را جز راه خودشان نمی‌دانند اگر بنا به خواستهٔ آنها عمل نشود بد اخلاق و اخمو می‌شوند.

وقتی او می‌گوید «شما به من بگویید که روز عید شکرگذاری چه کنم؟» یک حرکت ماهرانه است. وقتی زوج جوان از صرف شام با او خودداری می‌کنند و او می‌گوید «امیدوارم که روزی دوباره بتوانم نوه‌هایم را ببینم».

بعضی اوقات هم سوء تفاهم باعث کدورت بین عروس و مادرشوهر می‌شود. زیرا مادرشوهرها همه چیز را بخود می‌گیرند. بعضی اوقات ممکن است عروس با مادر خود درگیری دارد ولی در عوض تقصیر را به گردن مادرشوهر خود می‌اندازد و با او درگیر می‌شود.

مادرها اغلب نگران هستند که وقتی فرزندشان ازدواج می‌کند **«به طرف دیگر کشیده می‌شود»**. بعضی اوقات نژاد، مذهب و یا سیاست نقشی بازی می‌کند. بعضی اوقات آن طرف دیگر سیب زمینی شب عید شکرگذاری را شیرین‌تر تهیه می‌کند. مادرهای با هوش هرگز از فرزندانشان نمی‌خواهند که جبهه گیری کنند. چرا در این میان پدرشوهرها کمتر به بدی معروف هستند؟ اغلب بر این علت است که در بیشتر خانواده‌ها هنوز زن‌ها درگیر مسایل اجتماعی و احساسی هستند.

مطمئناً عروسهای امروزی خیلی قوی‌تر از عروسهای قدیم هستند. زمانی بود که مادرشوهرها قدرت مطلق را داشتند ولی آن روزها سپری شده است. این روزها مادرشوهرها کمی نگران و کم قدرت‌تر شده‌اند و با نگرانی می‌گویند که **«هر چه باشد نوه‌هایشان را عروسشان کنترل می‌کند»**.

Ellen یک مدیر کلّ با سابقه است. وقتی از نوه‌اش نگهداری می‌کرد در هنگام حمام کردن او به جای اینکه مثل پسر و عروسش اجازه دهد که او برهنه بدود حوله‌ای را به دور او بپیچید. عروس **Ellen** با ادب ولی خیلی محکم اشتباه او را به او تذکر داد. **Ellen** فکر می‌کرد که مادر شوهرش مثل این بود که داشت او را از کار برکنار می‌کرد.

بعضی اوقات در درگیری‌ها شما را ارزیابی می‌کنند.

«بعضی اوقات فکر می‌کنم که مادرشوهرم مثل تار عنکبوت است.

او در میان تارها نشسته و با هر حرکت خود همهٔ فامیل اطراف خود را به حرکت در می‌آورد».

ولی مادرشوهر او که یک زن روان شناس تحصیلکرده و با شخصیت است که در سن ۷۰ سالگی هنوز به حرفهٔ خود مشغول است، از نظر افراد دیگر به یک عنکبوت زهرآگین شباهتی ندارد. ولی او عقاید بخصوص خود را دارد، پر انرژی است و گاهی هم عقیده‌اش را به دیگران تحمیل می‌کند.

اگر همه منطقی رفتار کنند و بچگی را کنار بگذارند حتی در بدترین موقعیت‌ها همه چیز تحت کنترل خواهد بود.

درخواست آگهی پیوند دلها



نشریه چشم‌انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملاً پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید «پیوند دلها» در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند.

به هر فرد یک شماره کد داده خواهد شد.

نام و نشانی افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهند باشند، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند.

برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی لطفاً کپی کارت شناسایی خود را با فرم بفرستید.

سازمان سیامک، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی‌ها جواب می‌دهند، نخواهد داشت.

(۳۱۰)۵۳۵-۶۷۱۹

P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

- **اگر مایل به انتشار پیام خود در این صفحه نیستید خواهشمند است ما را مطلع کنید.**
- **هزینهٔ آگهی برای شش شماره ۲۴ دلار میباشد.**

آگهی دهنده

نام .... نام خانوادگی .... قد ....

تاریخ تولد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

آیا قبلاً ازدواج کرده‌اید؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله، تعداد فرزندان ....

نشانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند:

همسر مورد علاقه:

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

مجرد ☐ قبلاً متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید:

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن

۶۷۱۹-۵۳۵ (۳۱۰) تماس حاصل نمائید



آقایی هستم ۳۶ ساله، شاغل، خوش قلب و علاقه‌مند به موسیقی. از لحاظ ذهنی زیاد پیشرفته نیستم و ملایم هستم. از لحاظ جسمی بسیار فعال، خوش هیکل و خوش تیپ. مایل به آشنایی با خانمی حدود ۳۰ تا ۳۵ سال که در صورت توافق مایل به آغاز زندگی مشترک یگانه باشیم. کد ۶۴۶۲۲

آقایی هستم ۴۴ ساله دارای یک دختر سیزده ساله از همسر آمریکایی خود، شغل آزاد، درآمد کافی مایل به ازدواج با خانمی بین ۳۰ تا ۳۷ ساله، قبلاً ازدواج کرده مهم نیست، خوشگل و خوش اندام و سازگار و پای‌بند به اصول اخلاقی. کد ۶۲۷۶۲

آقایی هستم ۴۱ ساله، تحصیلکرده، قد بلند، روشنفکر، با اصالت، معتقد به ارزشهای اخلاقی و علاقمند به مسافرت و موسیقی مایل به آشنایی و ازدواج با دختر خانمی تا سن ۳۷ سال با شرایط فوق می‌باشم. کد ۶۱۹۱۴

آقایی هستم ۳۶ ساله، تحصیلکرده آمریکا و از خانواده اصیل، خوش قلب، خوش اندام، خوش تیپ، رومانتیک، با شخصیت، روشنفکر و با احساس، علاقمند به موسیقی و مسافرت مایل به ازدواج با دختر خانمی ۳۰-۲۴ ساله تحصیلکرده، خوش قلب، روشنفکر، علاقمند به تشکیل خانواده می‌باشم. کد ۶۱۴۵۵

خانمی هستم ۲۷ ساله، لیسانس در رشته تکنولوژی آموزشی، قبلاً ازدواج کرده، بدون فرزند، دوستان البته لطف دارند می‌گویند زیبا هستم، راستگو، با ایمان، احترام به دیگران و سعی می‌کنم قلب مهربانی برای همه داشته باشم، خواهان همسری سن تا ۴۳ سال، قد متوسط، تحصیل کرده، با درآمد مکفی، مجرد یا متاهل، راستگو، با ایمان و مهربان و آمادگی برای ازدواج داشته باشد. کد ۷۳۸۸۵۱

آقایی هستم ۴۳ ساله، قد ۵.۸ ، خوش اندام، خوش تیپ علاقه‌مند به خانواده و مسافرت، شاغل درجه اول، متدین، خواهان همسری ایرانی، سن زیر ۴۰ سال، متدین و متناسب با خودم. کد ۶۳۲۳۵

آقایی هستم ۴۳ ساله دارای فوق لیسانس، قد ۵/۸ با درآمد مکفی، به قول دوستان جذاب و خوش تیپ، خوش پوش، از خانواده اصیل و تحصیل کرده، بدون اعتیاد، اهل ورزش، مسافرت، قایقرانی، مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی ۲۸ تا ۴۰ ساله، زیبا، خوش اندام، خوش قلب، مهربان، غیر سیگاری، روشنفکر و اجتماعی. کد ۶۴۴۳۹

آقایی هستم ۴۵ ساله، خوش قیافه، ورزشکار، تحصیل کرده، شغل آزاد، روشنفکر، عاشق طبیعت، مسافرت، قبلاً ازدواج کرده علاقمند به آشنایی با خانم ۴۷-۳۷ ساله، مطلقه یا بیوه یا مجرد - جذاب - خوش قلب، و خوش اخلاق، برای تشکیل خانواده. کد ۷۱۲۷۴۴

خانمی هستم ۴۵ ساله، دیپلمه، شاغل، دارای سه فرزند از ازدواج قبل، خونگرم، خانواده دوست و معاشرتی، خوش اندام، اهل ورزش و مسافرت، علاقه‌مند به طبیعت و موسیقی و عاشق زندگی مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی تا سن ۵۵ سال، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده، با درآمد کافی، ورزشکار، خونگرم، انساندوست، اهل زندگی، مسافرت و معاشرت و دست و دلباز. کد ۶۳۳۲۸

دختر خانمی هستم ۲۹ ساله، خوشگل، جذاب، خونگرم، تحصیلکرده، علاقمند به طبیعت، موسیقی و ورزش میباشم. مایلم با شخصی با خصوصیات مشابه تا سن ۴۰ سال آشنا و ازدواج نمایم. کد ۶۰۹۲۱

دختر خانمی هستم ۳۹ ساله، تهرانی، با مدرک لیسانس، متدین، قد ۵/۶، چشم و ابرو مشکی، مجرد، زیبا، مایل به آشنایی با آقای مجرد بین ۳۹ تا ۴۵ سال، قبلاً ازدواج نکرده، شاغل، متدین، خانواده دوست، خوش قلب و صمیمی می‌باشم. کد ۶۷۵۸۵

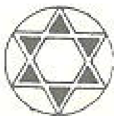
دختر خانمی هستم ۳۸ ساله، فوق دیپلم، قد "۲'۵، شغل آزاد، زیبا و مهربان، پای بند به اصول اخلاق، مایل به آشنایی با آقایی ۵۰-۴۰ ساله جذاب و با وقار، علاقمند به تشکیل خانواده، اهل ورزش و با درآمد مکفی. کد ۶۴۳۴۴

دختر خانمی هستم ۳۹ ساله، تهرانی، با مدرک لیسانس، متدین، قد ۵/۶، چشم و ابرو مشکی، مجرد، زیبا، مایل به آشنایی با آقای مجرد بین ۳۹ تا ۴۵ سال، قبلاً ازدواج نکرده، شاغل، متدین، خانواده دوست، خوش قلب و صمیمی می‌باشم. کد ۶۷۵۸۵

آقایی هستم ۳۷ ساله، قبلاً ازدواج کرده، دارای یک فرزند، فوق لیسانس، مهندس، قد ۵/۶، راستگو، جذاب، فروتن، اهل مسافرت مایل به آشنایی و ازدواج با دخترخانمی ۲۶ تا ۳۶ ساله، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده با قد حداکثر ۵/۶ با خصوصیات مشابه می‌باشم. کد ۶۹۰۸۳

دختر خانمی هستم ۳۴ ساله، زیبا و مهربان، خوش قلب و با محبت، قبلاً ازدواج کرده، بدون فرزند، مایل به ازدواج با آقایی مجرد یا قبلاً ازدواج کرده با مسئولیت و پای‌بند خانه و خانواده با درآمد کافی برای زندگی راحت می‌باشم. کد ۶۸۸۴۱

خانمی هستم ۴۳ ساله، لیسانسیه، شاغل، دارای دو فرزند، اهل معاشرت و تفریحات سالم، خوش اخلاق و خانه‌دار، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی تا سن ۶۰ سال، قبلاً ازدواج کرده، خونگرم و انساندوست با درآمد کافی می‌باشم. کد ۶۸۷۶۵



spirit of our commitments to others

Scenario D--Loyalty

Being in a trusting relationship means that one is willing to publicly take uncomfortable stands to support one's friends. We are expected to be loyal to God, to our parents (Exodus20:12), to our tradition, and to those with whom we have developed a trusting relationship.

Scenario E--*Tzedakah*

We are taught to give charity, to refrain from excessive judgements, to contribute directly to the needy, and to extend kind words. *Tzedakah* involves both justice and righteousness. Isaiah 1:17 states: "seek justice and relieve the oppressed."

Scenario F--*Chesed*

One is to practice acts of mercy, acts of *chesed* (kindness and compassion) even when it may not be convenient. As God has dealt with us in mercy, so we should deal with others. "Show mercy and compassion, every one to your neighbor." (Zach 7:9)

Scenario G--Respect for Human Dignity

Jokes are powerful teaching tools One's silence in the face of racism can be viewed as concurrence. Our notion of the infinite worth of human life stems from the fact that all people are created "in the image of God." Therefore, each individual is deserving of respect as a unique creation of the Divine.

Scenario H--Respect for Law

There have always been laws such as taxes and permits which we would like to ignore. However, Jewish tradition has always demanded good citizenship, which requires following fair laws and showing regard for the decision-making process of the community in which we live.

"The law of the state is the law." (Talmud, Gitten 10b) However, this does not demand blind obedience to the community's laws where they are in conflict with other ethical values.

Scenario I--Accountability

One cannot point the finger at others and there by avoid taking responsibility for inaction. Our tradition holds us answerable to God and to others for our inactions as well as our actions. "Judaism does not say, 'Thou shall believe' but 'Thou shall do.'" (Moses Mendelssohn) "Thou shalt not stand idly by the blood of they neighbor." (Leviticus 19:16)

Scenario J--Taking Responsibility

We do our best teaching through our actions and our associations. The choices we make for the sake of money often speak more about our core values than anything else. Ethical people accept responsibility for their decisions and set an example for others. One is responsible whether the act is intentional or inadvertent. (Mishnah Babba Kamma 1:2)

Scenario K--*Tikkun Olam*

While we cannot solve all the world's ills, we are commanded to help those who are less fortunate, including those who labor under conditions of oppression and exploitation. The concept of tikkun oam, literaly "repair of the world," has come to stand for our Jewish commitment to make the world more merciful. Within our communities there are many shattered spirits, broken holy vessels. Our mission is to help repair those spirits and to share whatever God has given us with those less fortunate.

Arthur Gross Schaefer is a professor of business law and ethics at Loyola Marymount University, Los Angeles, CA and rabbi of the Ojai Jewish Community. He developed the Eleven Core Jewish Values and the Strategy for Ethical Decision Making for the UAHC Ethics Committee drawing upon sources from the Josephson Institute for the Advancement of Ethical Effective Decision Making in the Trenches Case Studies in Business Society and Ethics Beauchampt and Business Ethical Concepts and Cases.

1. Decide not to buy the product
2. Decide not to buy the product and send a letter of protest to the company
3. Decide not to buy the product and enlist other in a boycott and letter-writing campaign
4. Buy the product

The Answers, Please

There is often no one answer which everyone agrees is the most ethical thing to do in a given situation. Moreover, additional factors not fully provided in the questions above may greatly affect one's conclusion.
However, each of the scenarios above is directly tied to one of Eleven Core Jewish values. The following brief description of those values will help you determine an appropriate answer.

Scenario A--Honest
Allowing someone to have a false impression is a form of stealing. We are commanded by our tradition to be truthful and to correct misimpressions. "Thou shalt not steal." (Exodus 20:13) We are also taught that one should speak out against all forms of slander, defamation, and misrepresentation, whether of an individual, a group, a people, a race, or a faith. "They that deal truly are God's delight." (Proverbs 12:22)

Scenario B--Integrity
One is required to be consistent in words and actions. We often tell our children that it is wrong to lie and then teach them to do so through our actions. Integrity implies completeness, a consistency in word, action, and conviction. "Mark the person of integrity, and behold the upright." (Psalms 37:37)

Scenario C--*Brit*
Keeping one's word is a sacred statement of one's spiritual commitment to be in a covenantal relationship with the Divine. This means mirroring God by fulfilling the letter and the

A Suggested Strategy for Ethical Decision Making

A key to aid in ethical decision-making is the use of the decision model. The simplest model is to presume that your decision will be made public on national television and that your parents and your local rabbi will be watching. If you still feel comfortable with your decision, then it probably has ethical validity. For more complex ethical situations try the following model.

1.Define the problem carefully. Be certain that all of the pertinent facts have been gathered.

2. Note all the people who may be affected by the decision which does not take into account the way in which it will affect others is not an ethical one, regardless of the actual consequences.

3. List all the relevant Core Jewish Values involved in the decision--honesty, integrity, brit, loyalty, tzedakah, chesed, respect for human dignity, respect for law, accountability, taking responsibility, tikkun olam.

4. Outline all the possible alternatives. Often we believe we have a limited number of options when, in reality, there are several other choices which may resolve the situation in a better or less harmful way.

5. Choose and prioritize

   A. Of all the people you listed above, select the one who you believe is the most important to address in this decision.
   B. Of all the Core Jewish Values you listed, select the most important one.
   C. Of all the options you listed above, select the one which you believe will cause the greatest good or least harm.
   D. Make a decision

Devise a strategy that will effectively implement your decision.

F. You sold your piano and agreed to be paid over time. After the first two payments, the buyer calls to tell you he was just fired from his job. Desperate, he asks if he can return the piano at his expense and receive a refund to pay his rent. You are financially well-off and would have no difficulty returning his money, but you know it will be a hassle to resell the piano.
Do you:
1. Take the piano back and refund his money, less the cost of reselling the piano
2. Take back the piano and refund all the money
3. Refuse the request and demand that he continue to make timely payments
4. Tell him to resell the piano himself

G. At a party with a group of friends, someone tells a seemingly "harmless" racial joke. Everyone laughs. You are offended. Do you:
1. Laugh with everyone else
2. Say nothing and not laugh
3. Announce to the group you believe racial jokes to be offensive and immoral
4. Tell the joke-teller privately that racial jokes offend you.

H. You are a member of a temple board which is debating the need to renovate the main temple bathroom to accommodate people with disabilities. There is not enough money in the temple's building fund to pay for the work and get the permit. Therefore, most of the board members want to proceed with the renovation without the permit. Do you:
1. Argue that it is against the law not to get a permit, but agree to go along with the majority view
2. State that such an action is illegal and you will not be a party to an illegal agreement
3. State that it is essential to have a permit and that you will help raise the extra money necessary for it
4. Agree to have the renovation done without a permit

I. You are making a structural part for an aircraft. Because production has taken longer than expected, there is insufficient time to test the part and meet the delivery date. The supervisor tells you that the part was properly made and that he/she is taking all responsibility. You then communicate with a vice president of the company, who assures you that your suspicions are baseless and the tests are only perfunctory.
Do you:
1. Do nothing
2. Inform the buyer of the aircraft
3. Go over the vice president's head and
4. Put a memo in the files listing your concerns

J. Your synagogue is in the midst of a major building campaign. A known slumlord wishes to contribute. At the temple board meeting a debate ensues regarding whether the money should be accepted.
Do you:
1. Vote to reject the money
2. Vote to accept the money
3. Vote to accept the money only if the donor is listed as "anonymous"
4. Vote to accept the money if it can be earmarked for a *tzedakah* project to benefit the needy

K. You prefer to buy a very good product made in a foreign country. Compared to American standards, however, the working conditions are poor and the compensation is very low.
Do you:

(Please circle the answer which most closely reflects what you might do in the given situation.)

A. You are being introduced to someone who may become an important contact for you. The person making the introduction describes how you planned a particularly outstanding even. In fact, you were a minor member of the planning committee and had little to do with the project's success.

Do you:

1. Remain silent
2. Act modestly and convey that others greatly assisted in making the project work so well
3. Acknowledge that you were merely a member of the committee
4. Admit that you actually had little to do with the project's achievement

B. You are taking a youth group to an amusement park, and know that there is a substantially reduced price for children under 12. While the members of the youth group all look young, you are aware that some are over 12.

Do you:

1. Order reduced children's tickets for all the children
2. Request children's tickets for all those under 12 and adult tickets for all those who are 12 and older.
3. Tell the ticket person that you are from a temple youth group, and while some of the children are over 12, you would certainly appreciate it if he/she would let you buy the reduced children's tickets for all the kids
4. Ask for a reduced children's ticket for most of the youth group except for the two or three children who look older

C. You are selling your car. A prospective buyer offers you $4,500, and, while you would like $5,500, you verbally accept the offer. A few minutes later, before anything is put in writing, another prospective buyer arrives and offers $5,500.

Do you:

1. Sell the car to the first buyer
2. Ask the first buyer to match the new offer
3. Tell the first buyer that, while you are going to accept the higher offer, you are going to split the extra money and give him/her $500
4. Accept the higher offer of $5,500

D. You have developed many deep friendships in your *chavurah*. While there has always been tension between some of the members and one of your closest friends in the group, you have never taken sides and have remained friendly to everyone. Now, however, the tension has increased. A majority of the members want your friend ejected from the *chavurah* for no particular reason. Do you:

1. Distance yourself from the friend and keep silent
2. Privately offer support to your friend
3. Publicly support your friend
4. Privately offer support *and* speak to some of the *chavurah* members to find a peaceful resolution

D. As you are walking down the street, you see a woman seated on a blanket holding a sign which reads, "I need money for food." A basket with some loose change is in front.

Do you:

1. Decide that she's drug-free, then give her money
2. Put money into her basket without questioning her character or motives
3. Walk on but make sure to donate funds to the local food bank
4. Walk by without stopping

The Jewish Ethics Challenge: Where do you stand?

"WHO AM I?" AND "WHAT DO I VALUE?"

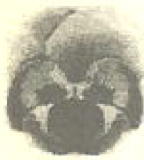
are sophisticated interrelated questions that deeply affect the decisions we make. Like a mirror placed before us, our closely-held beliefs and our personal ethical values are revealed in the many judgements and actions we take. Yet, we rarely take time to seriously consider the values that inform and motivate our behaviors. We should gaze at our reflection in light of our conduct and earnestly ask:

What ethical values do we use when making decisions? Are they consistent with our obligations as Jews? How can Jewish values guide us in making tough decisions?

Take the Ethics Challenge and see how your values compare with important Jewish considerations. Certainly, the cases presented do not provide all the information you would normally require when making a hard decision. And yes, the choice selection is limited. However, if you answer the questions truthfully and then look at "The Answers" below, you will be able to gauge your answers in relation to Jewish tradition. Finally, please be honest.

space? I do not think we do and I do not know how we can transform this way of being in our society. But perhaps if we can transform ourselves, if we get in touch with our loving essence more and more, this issue will be transformed also.

To start with, I think we need to have at least one day a month as the national day of Loving. It can be the first Monday of every month and on this day every one in the streets will tell each other "I love you" as they walk by each other. We will have the second Monday of the month designated as the national day of hugging. On this day, strangers will hug each other in the streets and then they are not strangers any more. The third Monday of the month will be the national day of forgiveness and on this day we will reach deep inside and forgive ourselves and others for the past month. And the last Monday of the month will be the national day of gratitude and we say thanks to whomever walks by us. Who knows, may be we will all look forward to Mondays and bring more loving-kindness to ourselves and others, especially to our elders.



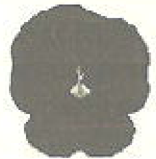
to love each other more, to forgive ourselves and others, and to be compassionate and kind. It is through this path that we purify our souls in the cycles of our learning.

Love, compassion, kindness, and forgiveness are the four pillars of life. Our essence, our being, our soul rests on these four pillars. These are the true and natural qualities of the soul that we are born with. The more we share of these essence of our being, the stronger these pillars become; rising to an empowering state that we become one with the Spirit. It is through loving, compassion, kindness, and forgiveness that we can transcend our pains and sufferings and reach a state of happiness and joy. I do not believe that we can be happy alone, and I do not believe that we can go through our sufferings alone. We need one another not just for physical survival, but for the survival of our soul. Love, compassion, kindness, and forgiveness feed our soul. Love is in sharing happiness and suffering both. Love is the highest form of energy in the spectrum of emotional states of our being, and the truth among people travels in this media of emotion. When we communicate through the media of emotion, filled with love, we can share our deepest truth and this sharing brings forward intimacy.

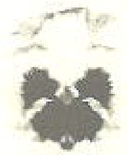
Love is not something unique to humans. It exists among animals also and perhaps in its most natural and purest way. I was watching the Wild Discovery series; one of my favorite programs. The focus was on a group of elephants; a family pack. In the midst of a drought in Africa, the young child of one of the elephants became weak



and tired, close to dying. The family pack, which was on the move to find water, waited for this child for a while and then started to slowly move on in search for water. The mother elephant had to make a decision; to stay with her child or to move on with the family pack. She, even though in desperate need of water, stayed with her child. She stayed with her child to comfort her while risking her own life. She stayed with her child, gently stroking her child with her trunk from time to time, until the baby elephant passed on. I was so deeply touched by this action of the mother elephant. This to me is a Self-honoring choice, a loving action that stems from unconditional loving. The same loving-kindness can be seen among dolphins and many other animals raising their children. We may call this way of being animal instincts. If having animal instincts means to love each other unconditionally and to stop killing our own kind, perhaps it is a good idea for us to rely on such instincts. Perhaps we can learn from the elephants and the dolphins.



We are advancing rapidly technologically, but are we going forward with the same speed in being loving toward each other and sharing our love? In my opinion, one of the biggest problems that we face today is our technological advancement without much regard for our need to love and be loved. We have managed to increase the average age of our species to 85-years old in technologically advanced countries. We use our technology to assist people to live that long and then what? In most cases, we deprive them from love by separating them from the rest of the society and confining them to retirement houses. We honor them once a year on mother's day and father's day; we spend some time with them in holidays; and we visit them every so often if our "busy" life permits us to do so. Is this how we would like our species to move froward in time and



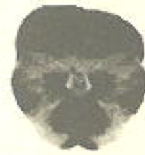
An Essay on Loving

True Love is undiscriminating, unattaching, and unconditional; we can share this love with all beings. This is called compassion. (Passage from living Buddhism)

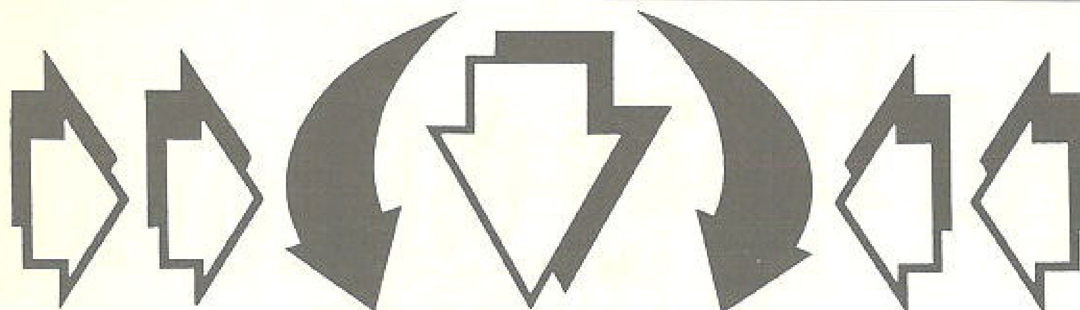
By: Behrouz Naiem

When I think of love and being loving, I remember my grandfather and the way he used to treat everyone with love, compassion, respect, kindness, and understanding. When I was young, he used to tell me that no matter what one does, just remember, everyone goes through pain, suffering, fear, doubt, and worries. It is how you relate to people in these states of being that shows how loving you are toward others. He used to tell me that God is in everyone's heart and it is in sharing of our heart that existence of God manifest itself; only then we feel the power of our being and the power of God. In relation to Self, he did not speak of self-love; perhaps culturally the notion of self-love was viewed as an egoistic way of being. However he always spoke of Self-support and Self-honoring choices, and to me these are the loving ways of being with one's Self. He used to tell me that there is nothing more fulfilling than forgiveness. When you forgive, you release your soul from darkness and only then you can celebrate the day. What a wonderful teacher he was for me. He was a spiritual man, and I am connecting with him more now than when he was here with me physically.





Love is Self-honoring choices that one makes in relation to others and in relation to one's Self. It is an action that results in the feeling we call Love rather than a feeling that results in an action we call a loving action. Love is present when I see the imperfections in myself or others and I can separate these imperfections from who I am and who others are at the core of our being. This separation between one's imperfections and the core of our being, our soul, is only possible through unconditional love, compassion, kindness, and forgiveness. I believe we are created by a higher power. We can call this power God, the White Light, Higher Consciousness, or whatever we may choose to call it. This power most certainly had the ability to create perfect humans. But then if we were all perfect and happy and joyful all the time, when and how would we learn to love, to be compassionate, to be kind, and to be forgiving. It is through acknowledging our imperfections and separating them from who we are that we learn to increase our ability



have real power in Iran. Members of the press have failed to inform the public that Iran's government, whether "liberal" or "conservative," will never have any ounce of democracy because of its illogical structure. In essence, even if the 'reformers" in Iran wanted to pass any new legislation, it would be impossible because of a group of 12 self appointed fundamentalist religious leaders. This group, which is also known as the "Council of Guardians", makes the final decisions on passage of all bills, hence they would never allow for a "reform" legislation to become law. The last I checked, I couldn't find any democratic nation in the world which had a "self-appointed" council like the one in Iran, so how can President Clinton or his advisors believe that Iran has changed and become more free?

The actions of Iran's totalitarian regime also expand beyond its own borders. The Islamic Republic still continues to support worldwide terrorism and calls for the destruction of Israel on a daily basis. It is no secret that Iran, even under Khatami's rule financially and militarily supports terrorist organizations such as Hezbollah, Islamic Jihad, Hamas, and other groups in Afghanistan. It baffles the mind how President Clinton can allow for Hezbollah's terrorism to proceed and even assists Iran economically by lifting the sanctions on them while they openly support the terror attacks in Southern Lebanon and Israel. Besides backing the terrorist groups, Iran also posses a serious threat to U.S. national security and world peace with their current development of biological and chemical weapons of mass destruction. With the assistance of Chinese and Russian technology, Iran not only has nuclear weapons capabilities but their "Shahab-3" long range missiles have the ability to hit Israel, many countries, Gulf nations and even parts of the U.S. Through and through, Iran under Khatami's reign has sent a clear message of remaining steadfast to its wicked ways and tries to deceive the U.S. and other Western powers that it has "reformed."

In the end, the Clinton administration's lifting of sanctions on Iran was a serous mistake. Not only will Iran never become a true democracy, but also the world will be at risk in the near future because of Iran's unchanging fundamentalist policies. Clearly there are no winners from the lifting of sanctions on Iran except for some large U.S. corporations, which are looking to expand their profits by tapping into the Iranian marker. Therefore no thank you Mr. President, we in the Jewish community do not want caviar or pistachios. What we really want is the release of 13 Iranian Jews, an end to Hezbollah's terrorism in Southern Lebanon and Israel, the removal of Iran's weapons of mass destruction, and most importantly for the return of full economic sanctions on Iran which has undoubtedly proven to be a menace to the free world.

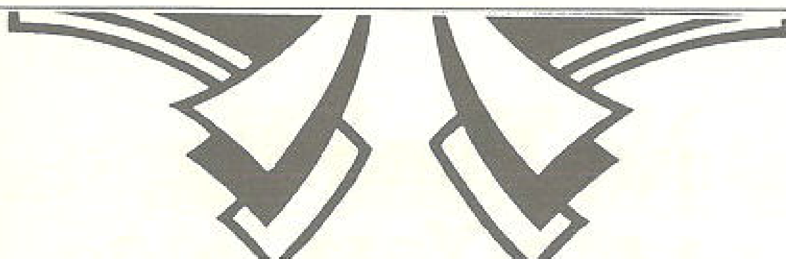
No Thank You Mr. President

By: Karmel Melamed

Most recently the Clinton Administration partially lifted the 21-year Iranian trade embargo, which now allows for the sales of various Iranian goods including, caviar, pistachios, and rugs to the United States. While the embargo is still in place for the sale of Iranian oil to the U.S., the President's "gesture of goodwill" toward Iran is premature and may result in disastrous consequences in the future. Administration officials justified this ease on Iranian sanctions by claiming that it is an incentive for Iran's newly elected "reform" government to promote more freedom in the country. With the re-election of Iran's liberal President Mohammed Khatami and other "reformers" to the Majles (Iran's "parliament"), Western leaders including President Clinton, mistakenly assume that Iran has suddenly changed and become democratic overnight. With a closer examination of Iran's domestic and foreign policies it is all too clear that these notions are utterly absurd because Iran has not changed from it's fundamentalist positions of years past.

Clinton administration officials seem to believe that Iran is opening up to the West and adopting new social reforms, yet how can this be true when persecution of religious minorities still endures in Iran. In fact under Khatami's rule, persecution of Jews, Christians, and other minorities is more prevalent than ever. One such notable example occurred last year when 13 Jews from the city of Shiraz were arrested for no reason and accused of being "Zionist spies" for Israel. These men were held for several months without even being formally charged with any crimes and were mistreated in prison. Despite tremendous opposition from world leaders and human rights groups these innocent men still have not been freed, and other cases of human rights abuses continue in Iran. If President Clinton believes that Iran, which has no tolerance for religious minorities, has moved toward democracy, then maybe he needs to rethink his definition of democracy. Likewise, if Khatami and his gang are the true "reformers" which the international media have dubbed them, then why has neither he, nor anyone else in his government, done anything to help these 13 men and resolve this issue? Moreover, why have the "reformers" in Iran jailed newspaper writers and obstructed free speech? The truth of the matter is that Iran has not changed and will never change its domestic policies of Islamic fundamentalism as long as this heinous regime remains in power.

Despite what the Clinton administration and the media would like us to know, the hard-line religious Islamic leaders after 21-years still



3. Examples:

a. The official **"Blood Value"** of a recognized minority member is one eighth ($^1/_8$) of that of a Muslim. This is the amount of damages that the family of someone who is murdered or accidentally killed may expect from the killer. **The "Blood Value" of a non-recognized minority such as a Bahaii is ZERO,** which means **the killer of a Bahaii cannot be prosecuted**. In addition of hundreds of Bahaiis officially executed for their beliefs, dozens have been brutally murdered and no investigation followed.

b. The punishment for **conversion** to a noon-Muslim religion is **death**. Already several Christian clergymen who had been Muslims themselves or had converted Muslims to Christianity have been assassinated and 23 Christians, mostly converts, disappeared in 1998. They are presumed dead.

c. A Muslim woman **marrying a non-Muslim** can be punished by death, is considered to be an adulteress and her children if not officially declared to be a Muslim is considered to be an apostate and a bastard.

d. Marriages within non-recognized minorities are considered to be null and void and their children are considered bastards.

e. Recognized minorities have **limited rights** of practicing their religion and participating in business and social activities. They are barred from teaching their own religion to their children if such education will prevent those children from converting to Islam once they grow up.

f. They are **barred from** all military positions and **high positions** in any institution in the country **including their own schools.**

g. **Employment discrimination** against religious minorities is normal in government institutions and widespread in the private sector.

h. They are allowed one Parliament representative each (three in case of different Christian Ethnic groups in Iran) even in case of future numeric advantage.

i. They are barred from any open activity, which may insinuate some kind of obvious superiority such as building higher buildings than their neighbors and etc…

j. Minorities do not have the right to build new Temples or Churches and need special permissions for many of their major religious or social activities.

k. Any minority person who converts to Islam can claim the whole inheritance of a deceased parent, spouse or grand parent.

Extensive Documents about Iranian Laws Regarding Religious Minorities Can Be Obtained from CRMRI By June 2000.

Religious Minority Status In the Year 2000

Certain religious minorities in the Islamic Republic of Iran, namely Christians, Jews and Zoroastrians are by law, **second class citizens** with limited rights and limited protection. The Shiite religion is the official religion of Iran, enjoying the full legal, financial and cultural backing of the Government. Non Shiite Muslims have more rights than non-Muslims but less than the Shiites. Other religions not recognized by Iranian law, such as the Bahaiis are non-entities with no protection of life and property.

1. Current Iranian Laws:
   a. **Supreme religious laws** and interpretations, based upon the Holy Koran, the practices of the Prophet and the Imams as well as articles, books and edicts of Shiite Scholars (such as Man Khomeini) form the basis of all Iranian Laws.
   b. **The Constitution** of the Islamic Republic subordinates itself to Islamic law, by embodying several reticules to that effect and placing certain religious and supervisory institutions to veto un-Islamic laws and guarantee compliance.
   c. All **civil and criminal laws** have been carefully designed to meet Islamic requirements.
   d. All **government regulations** must comply with Islamic law, including ones regulation employment, workplace ethics and standards.
   e. All judges and government directors are by law instructed to disobey or disregard any law or regulation, which the think is un-Islamic.
   f. Islamic **Jurisprudence** as well as individual interpretations of Islamic Judges or Islamic high ranking clergy, allow countless extra legal actions to be taken by any Moslem against any anti-Islamic person, group, entity or behavior.

2. Laws Directly Affecting Religious Minorities:
   a. Most of the current Iranian **Laws are highly discriminatory** against non-Muslims, since originally they were designed to create a Muslim "Umma" or nation and guarantee the numerical and social inferiority and submission of others.
   b. **"The Laws of the Contract"** or the "Dimmah," are **supreme laws** governing the religious minorities in Iran. These laws, sometimes embodied into civil and criminal laws almost verbatim from Imam Khomeini's writings and edicts, presupposes a "contract" between Muslims and recognized minorities in the "Islamic Land." The "contract" allows limited freedom in exchange for limited protection; theoretically, if breached even by individuals of a minority group, there can be retaliation in the forms of suspending all rights for the whole group. Suspension of "Contract" protection can affect lives or property or as Imam Khomeini prescribes "...they can (even) be sent back to their own country" !!! As if religious minorities are foreign nationals.

glimpse of them, begging the police to let them see their loved ones.

Yes, my friends, the Baal Haggadah had it right when he warned,

It is not only one that will rise and attempt to destroy us, but in every generation there will those who will want to do the same.

As we sit around our Seder tables on Wednesday night and ask the four questions:

Why is this night so different from all the other nights?

On all other nights, we eat bread or matzoth, but on this night of Passover, only matzoth. But for the*Shiraz 13* the question is -- Will this year's Passover be like last year's, again away from their families, and again without matzoh?

For us, we eat bitter herbs to remind us of the Egyptian bondage. But for the *Shiraz 13* and their families, they tasted bitter herbs for an entire year waiting for due process, denied the right to have their own attorneys.

At our Seder we will celebrate freedom by having the choice of reclining and dipping the celery in the salt water and the bitter herb in the charoset. But for the *Shiraz 13*, there is no choice, only tension and distress. Last Thursday, the judge visited them in jail to bring them Passover greetings and gifts. But then he told eight of the prisoners who wanted their own attorneys that they could not have them. While another court appointed attorney for tow of the other defendants got up to tell the judge that he did not want to represent a Jew.

But know this--you are not the first. Many before you have attempted to shackle freedom. The mighty Pharaoh and he failed. The dictators Stalin and Hitler, and they failed. And so will you. Because our 3500 year history has taught us that you can incarcerate people, but you can never imprison human dignity. You can control the process, but you can never extinguish the hope that burns within the human soul. And that hope, despite the closed hearings, will become a thunderous chorus that will answer the refrain "who knows the 13?" They will answer, "We know the 13."

FREE THE SHIRAZ 13 RALLY

Remarks by Rabbi Marvin Hier

Near the conclusion of the Passover Seder, we read a poem recalling the central pillars of Judaism through the ages. The final paragraph reads, "Who knows 13?" To which we all reply, "I know 13." My friends, that is why we are here today -- to make sure that all the world knows about the *Shiraz 13*.



We have not come here today for political purposes. Our agenda is not to tell the people of Iran how to vote or who to elect. This is not about the President of Iran or the Supreme Leader there. This is about fairness, about human dignity, and about the persecution of innocent people who cannot defend themselves. We say today to the judicial authorities in Iran -- if you have evidence then let the world see it in an open hearing and let those accused fully defend themselves, as is their right. But if you have no evidence as we suspect is the case, then send them home to their families and end their suffering now.

For what kind of moral law allows 13 people accused of espionage for the United States and Israel to be incarcerated for a year under great emotional stress without ever seeing the evidence against them or the charges they face? How can we confuse such behavior with G_d's law? Surely this is against the creed of the great religions of the world, of which Islam is one.

Unfortunately, as we gather here on the eve of Passover, we must say that this scene is not strange to us. Tragically, it has been replayed many times before in Jewish history. During the years of the Holocaust, we witnessed the daily roundups of Jews, the separation of loved ones, leaving those left behind to wonder where are they being taken, and what would become of them.

Following the Holocaust, we remember the difficulties in the midst of the Cold War, when the KGB would come looking for Jews, rounding them up and carting them off to Lubyanka Prison. There they would be tried in secret, with no opportunity to defend themselves, often on trumped up charges.

Such a scene replayed itself last Thursday in Shiraz, when a bus pulled up carrying the Iranian Jews who had been arrested. Their families had not seen them for nearly a year. Desperately, mothers and fathers and wives pushed ahead, trying to get a

PACIFIC BELL.
Wireless



Authorized Agent

4 FREE PHONES

ONE RATE PLAN*

Choose any personal choice plan and add up to 3 additional lines for just $11.95 a month per line and pool the minutes.

Act now for UNLIMITED Mobile to Mobile Minutes & FREE Long Distance.**

We Guarantee

YOU Will Leave Our Store HAPPY!

We promise to go the extra mile, take the extra time, explain every detail and give you what you are there for.

Activation of $29.99/month and above Personal Choice rate plan includes choice of: *1) 1000 free weekend minutes per month. Weekend minutes apply to airtime for voice calls in our CA/NV network and exclude applicable long distance charges, taxes and surcharges. Weekends: 12:01 am Saturday through 11:59 Sunday, [or] 2) ** Free domestic long distance for voice calls that originate within our CA/NV network. Taxes, surcharges and airtime charges still apply. Unlimited mobile-to-mobile minutes apply to airtime for incoming or outgoing calls to or from a Pacific Bell Wireless PCS subscriber enrolled in the mobile-to-mobile plan to or from another Pacific Bell Wireless PCS subscriber. Mobile-to-mobile subscriber must be within our CA/NV network to use the mobile-to-mobile minutes. Excludes applicable long distance charges, calls while roaming out of our CA/NV network, calls to voice mail, Wirefire calls, call forwarding calls, and applicable taxes and surcharges. + $11.95 monthly access fee applies to each Family Talk phone number added to the account. All users under account share the primary account holder's Personal Choice included minutes. Additional airtime in excess of included monthly minutes, applicable long distance charges, taxes, surcharges and any other charges/fees for each user are extra and are applied to the account. All charges under the account are billed to the primary account holder. Offer requires new service activation under 1 year agreement by primary account holder under a Personal Choice rate plan and for each Family Talk line added in our LA/Central CA region between 4/15/00 and 7/31/00. Sales tax applies to full retail value ($149) of each phone. Price of phone without activation will be up to $300 higher. $25 activation fee per phone; $150 early termination fee per phone. Retailer pricing and participation may vary by location. Provider reserves the right to substitute phones. Offer subject to credit approval; deposit may be required. Other conditions apply. Nokia, Nokia Connecting People are registered trademarks of Nokia Corporation. Pacific Bell Wireless, LLC, a member of the SBC global network. All rights reserved. See store for details.

Pacific Bell PCS Store

* *West Los Angeles* (310)268-8000
* *Downtown* (213)624-6111
* *Granada Hills* (818)832-8800
* *North Hollywood* (818)509-9PCS
* *Westwood* (310)208-2082
* *West Hollywood* (310)652-6777
* *Marina Del Rey* (310)827-1500
* *LaCanada* (818)790-9PCS



کیترینگ گلت کاشر شادی

SASON CATERING

آبروی شما، آبروی ماست



اگر غذای لذیذ و دلچسب و سرویس خوب و به موقع می‌خواهید کیترینگ گلت کاشر **شادی** را انتخاب نمایید.

اگر مهمانان خود را واقعاً دوست دارید فقط با کیترینگ گلت‌کاشر **شادی** از آنان پذیرائی نمایید.

کیترینگ گلت کاشر **شادی** زیر نظر ربانوت ایرانی و امریکایی یا زیر نظر هر مقام مذهبی که شما معرفی نمایید از مهمانان شما پذیرائی می‌نماید.
کیترینگ گلت کاشر **شادی** مورد تأیید همگان

با یک تلفن، ما به شما آسایش خیال می‌دهیم

تلفن: ۵۹۸۲-۶۵۹(۳۱۰) عضو ۸۰ ایرانیان پیجر: ۸۸۸۵-۵۸۸(۳۱۰)

فکس: ۰۱۳۸-۳۶۰(۳۱۰)



International Judea Foundation
P.O. Box 3074 – Beverly Hills, CA 90212-9879

NON-PROFIT ORG
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 5013
Santa Clarita, CA